





آرزویم همه این است، که بینم رویت
جان شیرین بسپارم به خم ابرویت
زنده یادم محمدحسین بهجتی (شفق)

بسم الله الرحمن الرحیم

این آسمان لأهل الارض؛ من مایه آسایش و امنیت اهل زمینم.
(بحرالانوار، ج ۲۵، ص ۲۸۰)



دوماهنامه فرهنگ و معارف مهدوی
شماره ۴۶ - بهمن و اسفند ۱۳۹۲
ربیع الاول و الثانی، جمادی الاولی ۱۴۳۵

■ صاحب امتیاز:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

■ مدیر مسئول: مجتبی کلباسی

■ سردبیر: محمدصابر جمعفری

■ مدیر علمی: حسن ملایی

■ مدیر هنری: سید مهدی هاشمی

■ توزیع و اشتراک: محمدعلی صباغ

■ امور مخاطبان: محمدجواد کمار

■ مدیر چاپ: سید فخرالدین موسوی زاده

■ با همکاری:

حسن سلم آبادی، صالح صادقی، سید علی حسینی،
روح الله علی یاری، امید درویشی، محمدرضا شایان،
سید علی حسینی لیلوری، محمد علی اخلاقی.



پارلمان اسلامی ایران



مرکز تخصصی مهدویت



معاونت امور اجتماعی و فرهنگی

با تشکر از شورای نویسندگان و تمام
مهدوی یاورانی که به نوعی یاری گر ما بوده اند.

■ نشانی: قم، صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵

■ تلفکس تحریریه: ۰۲۵-۳۷۸۳۲۵۰۰

■ توزیع و اشتراک: ۰۲۵-۳۷۷۳۸۴۶۰

www.aman.ir

amanmag313@gmail.com

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۴۴۱۴۱

نشریه مهدوی امان برای توزیع «امان» در
سراسر کشور مرکز پخش فعال می پذیرد.
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۸۴۶۰

فهرست مطالب

- همچنان در انتظار حماسه...! / ۴
- چلچراغ مهدوی / ۶
- * مهدویت و انقلاب اسلامی / ۷
- امانت انقلاب اسلامی / ۸
- انقلابی ماندن مهم است / ۱۰
- انقلاب و رویش شکوفه های انتظار / ۱۲
- چهار استراتژی انقلاب اسلامی در حرکت به سوی انتظار / ۱۴
- چو شبنمی است که بر بحر می کشد، رقمی / ۱۸
- آرمان شهر واسطه / ۲۱
- گینس اسلامی ع: وقتی امام خمینی به گینس آبرو می دهد / ۲۲
- آخرین سفارش / ۲۳
- اراده یک ملت / ۲۴
- ای مهدی فاطمه، نهضت ادامه دارد / ۲۷
- آن روزها، این روزها / ۲۸
- کتابخانه مهدوی / ۲۹
- فرهنگ مهدویت، جوهره اصیل انقلاب اسلامی / ۳۱
- شعر: بیا که بی تو چه سرد است فصل ایمانم / ۳۲
- این فرزندت باقی می ماند، اما آن دیگری / ۳۴
- تولد صبر / ۳۵
- اخلاق و تربیت / ۳۶
- * اخلاق و تربیت مهدوی / ۳۷
- درخت فضیلت بکاریم / ۳۸
- یاد امام زمان(عج) حتی با صلوات / ۴۰
- در کوله بارت چه داری؟ / ۴۱
- پنجره های گشوده شده، فریادرسی را می خواهد / ۴۲
- آرامش در پرتو زیارت آل یاسین / ۴۴
- در مقابل گناهان آخرالزمانی واکنش شویم! / ۴۶
- امام زمان(عج) یار زیگزاگی نمی خواهد! / ۴۸
- رویدادها و گزارش ها / ۴۹
- از طرح مباحث مهدوی در سیما استقبال می کنیم / ۵۰
- خبر یار / ۵۲
- * آسیب شناسی / ۵۵
- مؤمن انقلابی، فرصت مصرف زدگی ندارد! / ۵۶
- تصور منجی در سینمای غرب / ۵۸
- با یاران امان / ۶۰
- جدول و مسابقه / ۶۲
- پست جواب قبول / ۶۳ و ۶۴



راهنمای اشتراک امان

۱. هزینه اشتراک (یکساله: ۱۲۰۰۰ تومان یا دو ساله: ۲۴۰۰۰ تومان) را به شماره حساب
۰۱۰۸۳۳۳۵۴۷۰۰۵ سیبا بانک ملی بنام «مجله امان» واریز کنید. (با به شماره کارت بانک ملی
۰۲۵-۳۷۷۳۸۴۶۰-۹۹۵۰-۹۹۱۸-۶۰۳۷ کارت به کارت کنید) * ۲. طی تماس با شماره تلفن ۰۲۵-۳۷۷۳۸۴۶۰
مشخصات خود را اعلام فرمایید. (نام و نام خانوادگی / سال تولد / تحصیلات / نشانی دقیق /
کد پستی / تلفن ثابت و همراه) + (شماره فیش بانکی / تاریخ و مبلغ فیش) * ۳. ورودتان را به
جمع امانیان مهدی یاور گرامی می داریم.

..... برای مشترکین هدیه هم داریم.....

■ امان در ویرایش و تلخیص مقالات آزاد است. ■ مقاله های درج شده، لزوما بیانگر دیدگاه نشریه نیست. ■ می خواهیم نشریه ای ارائه
دهیم نه برای عنوان و تیراژ و...؛ فقط ویژه امام زمان، آن که سست و بی پایه نباشد. زیبا و شایسته برای همه علاقه مندان به ساحت مقدس
امام مهربانمان؛ پس مشتاقانه نیازمند دست و فکر یاریگرتان هستیم. با آراء، پیشنهادها، مطالبات و... ما را در ادای این امر یاری کنید.



۵۸



۵۰



۴۶



۴۴



۳۸



۳۲



۳۰



۲۷



۲۴



۲۲



۲۰



۱۴



۱۲



۶

تو را من با تمام انتظارم، جست‌وجو کردم
کدامین جاده امشب می‌گذارد سر به پای تو؟
یوسفعلی میرشکاک



همچنان در انتظار حماسه...!

حسن ملایی^۱

اگر چه بارش برف و پوشانده شدن زمین از آن، یکی از دلایل زیبایی زمستان در نزد ماست اما برف سنگینی در چهار فصل امسال باریدن گرفت که تماشای آن البته، هیچ زیبا نیست و مزه آن، کام همه را همچنان تلخ می‌کند!

نامیده شدن سال حماسه سیاسی و اقتصادی از سوی رهبر فرزانه ما، تدبیر حکیمانه ایشان در این برهه از زمان بود تا کشوری که قرار است با انقلاب اسلامی خود، تمدنی نوین را پایه‌گذاری کرده و زمینه‌ساز دوران زیبایی حکومت مهدوی باشد، در مواجهه با حق‌ستیزان و ظلم‌گستران جهانی با جهشی ستودنی آن هم از جنس جهاد و حماسه، نه تنها مکر سیاسی و محاصره اقتصادی ایشان را در هم بشکند بلکه در جهان بحران‌زده کنونی که تدابیر سیاسی فرعون‌ها و ترفندهای اقتصادی قارون‌های زمانه نیز سودی نبخشیده و راهی باز ننموده، با بهره‌گیری از آموزه اسلام، طرحی نو افکند و بذر امید بپاشد و البته در بعد سیاسی آن، تا اندازه‌ای موفق بودیم. اما افسوس که برف سنگین غفلت از حماسه آن هم از جنس اقتصاد، میدان زندگی اجتماعی ما را پوشاند و ما در این باره به غیر از دلبستگی به انبوه عادت‌های نامعقول و شعارهای تکراری و همایش‌های ملال‌آور، کار قابل توجهی نکردیم.

گاهی مردان سیاسی ما به اسم نقد، همدیگر را له نمودند و زمانی خود ما به نیز خاطر چشم و هم‌چشمی‌ها و تجمل‌گرایی‌های مہار ناشدنی، عزت را نه در قناعت که در مصرف بی‌رویه جستجو نمودیم و هر جا که کارد به استخوانمان رسید، تقصیر را به دوش یکدیگر انداختیم.

و امروز دولت و ملت، نه فقط در مقابل رهبر خود، بلکه در برابر امام رهبر خویش یعنی حضرت صاحب‌الزمان، شرمنده است و سرافکنده!

اما چاره کار چیست؟

قدم اول برای خروج از این وضعیت، بازگشت از مسیر و هدف اشتباه است و این دعوت شفاف‌بخش قرآن کریم که: «و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ^۲ ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنید». اگر همه

ما بتوانیم این قدم را صادقانه برداریم، و با پی بردن به اشتباه خود، از درگاه الهی طلب استغفار کنیم به یقین، شایسته این بشارت قرآنی قرار خواهیم گرفت که: «يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يَرْزُقْكُمْ قُوَّةً إِلَى قَوَّتِكُمْ^۳؛ و ای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، آن گاه بر آستان او توبه کنید تا باران را پی در پی بر شما فروریزد و بر نیرویتان بیفزاید».

قدم بعدی، داشتن راهبردی است برای رسیدن به این مقصود و تحقق حماسه‌ای اقتصادی که علاوه بر امروز، فردا نیز به آن نیازمندیم و چه راهبردی بهتر و کارآمدتر از «فرهنگ انتظار»؛ اما فهم کارآمدی این فرهنگ حتی در زمینه اقتصادی به فهم «حقیقت انتظار» است.

«انتظار» به حالت کسی گفته می‌شود که از وضعیت موجود ناراحت بوده و برای ایجاد وضعی بهتر تلاش می‌کند. بنابراین «مسأله انتظار حکومت حق و عدالت» مهدی و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است، عنصر «نفی» و عنصر «اثبات» عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه‌دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارتند از ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو و خودسازی و خود یاری و جلب آمادگی‌های جسمی و روحی و مادی و معنوی-برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی- و مردمی از سوی دیگر و خوب که دقت کنیم می‌بینیم هر دو قسمت آن سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.^۴

نکته بسیار مهمی که در شناخت حقیقت انتظار و کاربردی نمودن آن در زندگی ما، باید به آن توجه نمود، قرینه و فضایی است که این چشم به راهی در آن فضا مطرح می‌شود؛ این نکته همان مطلب قابل توجهی است که بی‌توجهی به آن باعث برداشت‌های متفاوت از این آموزه و در نهایت، عدم جریان فرهنگ انتظار در متن زندگی ما به گونه‌ای شایسته و مؤثر است. برای دستیابی به چنین درک صحیحی به این روایت توجه کنید:

شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: نظرتان درباره کسی که ولایت امامان را قبول داشته و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در همین حالت از دنیا می‌رود، چیست؟ امام فرمود: «او همانند کسی است که با حضرت قائم (علیه السلام)

در خیمه او باشد- آنگاه اندکی سکوت کرد- و فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در مبارزاتش همراه بوده است»^۵. علاوه بر این حدیث، روایات دیگری نیز وجود دارد که با کلماتی شبیه آن نقل شده و منتظر ظهور را همانند کسی می‌داند که: «در راه خدا شمشیر زده است»^۶ و یا «همانند کسی است که در لشکر و بلکه در زیر پرچم قائم بوده باشد»^۷ و حتی «همانند کسی است که با پیامبر شهید شود»^۸.

این شباهت‌سازی‌ها روشن‌گر آن است که میان «انتظار» و «جهاد» رابطه قابل درنگی وجود داشته و اساساً، انتظار ظهور در فضای نبرد حق و باطل، توأم با یک مبارزه و حماسه گسترده و همه‌جانبه برای آمادگی فردی و زمینه‌سازی اجتماعی جهت پذیرش و شرکت در بزرگترین حماسه تاریخی نبرد حق و باطل به رهبری امام قائم بوده، و باید منتظر را به مجاهد و

مبارز و زندگی او را، زندگی جهادی معنا نمود که عامل حیات انسانی است؛ به فرموده مقام معظم رهبری: «زندگی جهادی یعنی این که ما آرمان‌ها و ارزش‌ها و هدف‌های والاّی زندگی را مشخص کنیم و بعد با تمام قوا برای تحقق آن بکوشیم. اصلاً زندگی جز این معنا ندارد و گر نه، اگر انسان از جهاد برای ارزش‌ها و هدف‌های والاّی خالی باشد به یک جماد تبدیل خواهد شد»^۹. حرف آخر آنکه اگر حقیقتاً می‌خواهیم به آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یعنی زمینه‌سازی برای ظهور از طریق ایجاد تمدن بزرگ و جذاب اسلامی و ارائه آن به جهانیان برای رغبت عمومی به حکومت مهدوی، دست یابیم، باید فرهنگ انتظار صحیح که متضمن روحیه حماسی و جهادی است در آحاد جامعه و کارگزاران حکومت اسلامی دمیده شود، چرا که تنها در این صورت است که شعار حماسه اقتصادی و دیگر شعارهای اصیل انقلاب، محقق و ملت ایران بیش از پیش بر تمام دشمنان فریب‌کار خویش غلبه خواهد نمود.

۱. مدیر علمی نشریه امان.

۲. نور/۳۱.

۳. هود/۵۳.

۴. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۸۲.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۶. «بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ الکافی، ج ۸، ص ۱۴۶.

۷. «مَنْزِلَةٌ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا يَلِ بِمَنْزِلَةٍ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لَوَائِهِ»؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۸. «بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ»؛ الغيبة نعمانی، ص ۳۳۰.

۹. سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۹.



مهدویت و انقلاب اسلامی

پرونده

قال الامام الباقر (ع): «كَأَنِّي يَقُومُ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقِيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛

گویی می بینم که قومی در مشرق خروج کرده اند و خواستار حق اند ولی به ایشان داده نمی شود، باز خواستار آن می شوند و به آنان داده نمی شود، پس چون چنین می بینند شمشیرهای خود را بر گردن خویش می افکنند (آماده کارزار می شوند) پس آنچه می طلبند به ایشان بدهند ولی ایشان از پذیرفتن آن خودداری می کنند تا اینکه قیام نمایند و آن را به کسی باز ندهند مگر به صاحب شما، کشتگان شان شهیدند، بدانید اگر من خود آن را در می یافتم حتماً خود را برای صاحب این امر نگاه می داشتم».

الغیبة نعمانی، ص ۲۷۳



امانت انقلاب اسلامی



حضرت امام خمینی رحمته:

من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا این جا رسانده است، باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی آن شاء الله بیاید و ما و شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم.^۱ ما همه انتظار فرج داریم، و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند، و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود.^۲

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی):

باید بدانیم که ظهور ولی عصر - صلوات الله علیه - همان طوری که با این انقلاب ما یک قدم نزدیک شد، با همین انقلاب ما باز هم می‌تواند نزدیک‌تر بشود؛ یعنی، همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، می‌توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان علیه السلام نزدیک‌تر کنند.^۳ انقلاب، پرچم عزت این ملت است و ملت این پرچم را در دست استوار خود محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار تسلیم امام زمان - ارواحنا فداه و عجل الله فرجه - خواهد کرد.^۴

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۸۵.

۲. همان، ج ۸، ص ۳۷۴.

۳. خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۵۹/۴/۶.

۴. سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۸.



انقلابی ماندن، مهم است!

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا
مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرُّوا مِمَّنْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ
وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَرُمَ مِنْهُمْ فَتَهُ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِأِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ^۱

پس هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: خداوند شمارا به یک نهر آب آزمایش می‌کند، پس هر که از آن بنوشد از من نیست و هر کس از آن نخورد از من هست، مگر آنکه با دست، مستی برگیرد (و بیاشامد). پس (همین که به نهر آب رسیدند، جز اندکی همه از آن نوشیدند، سپس هنگامی که او و یاوران با ایمان او از آن نهر گذشتند، (و دشمن را دیدند) گفتند: امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. اما آنها که اعتقاد داشتند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز قیامت ایمان داشتند) گفتند: چه بسا گروهی اندک که با اذن خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند و خداوند با صابران (و استقامت‌کنندگان) است.

نکته‌ها:

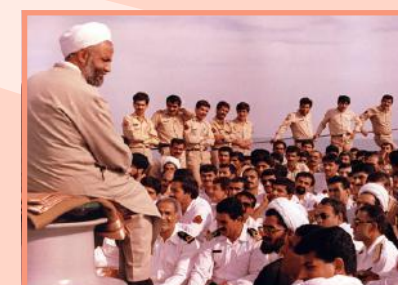
۱. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «افرادی که تا آخر کار به طالوت وفادار ماندند، سیصد و سیزده نفر بودند».^۲
۲. امام صادق ع فرمود: خداوند اصحاب طالوت را به وسیله نهر آبی امتحان کرد چنان که خدا فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ؛ اصحاب قائم هم چنین امتحان خواهند داشت».^۳
۳. مدیر باید نیروهای کارآمد را از نیروهای ناکارآمد جدا نماید تا بتواند نیروهای غیرمفید را از مجموعه طرد کند، زیرا حضور آنها باعث سست شدن سایر نیروها می‌گردد. «فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي».
۴. برای منصوب کردن افراد به مقامات، گزینش و آزمایش لازم است. چنان که خداوند برای انتصاب حضرت ابراهیم به

- امامت او را آزمود.^۴
۵. یکی از راه‌های آزمایش، ممنوعیت‌های موسمی است. راحت طلبی و عدم تحمل فشارها و سختی‌های موسمی و موقتی، با سلحشوری سازگاری ندارد. «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ».
۶. قبل از برخورد و مقابله با دشمن، باید تمرین مقاومت کرد. «مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ».
۷. انقلابی بودن، مهم نیست، انقلابی ماندن، مهم است. در این ماجرا شعاردهنده بسیار بود، ولی آنان که در آزمایشات موفق شدند، اندک بودند. «إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ».
۸. ایمان، درجاتی دارد. با اینکه گروهی همراه با طالوت بودند و به او ایمان داشتند و از نوشیدن آب هم گذشتند؛ «آمَنُوا مَعَهُ» ولی هر مؤمنی رزمنده نیست، تنها مؤمنانی رزمنده هستند که به لقاء الله ایمان داشته باشند. «يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ».



و به تنور آتش وارد شو، او با کمال راحتی رفت و امام شروع به گفتگو کرد و از احوال خراسان پرسید، سپس رو به خراسانی کرد و گفت: برو داخل تنور را نگاه کن. وقتی او را صحیح و سالم دید، امام به او فرمود: از این شیعیان تنوری که هر چه ما گفتیم تسلیم باشند و نق نزنند چند نفر داریم، وی گفت: شیعه تنوری هیچ آری میان ادعا و عمل فاصله زیاد است. البته آن یار فداکار در تنور نسوخت (همچون ابراهیم که در میان آتش نسوخت).

۱. بقره/۲۴۹.
۲. تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۲۵۱.
۳. الغیبة طوسی، ص ۴۷۲.
۴. انسان/۲؛ ملک/۳.
۵. اعراف/۱۹۶.
۶. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.





وجود او بود سبب آسمان و زمین
بقای او، سبب انتظام زیر و زبر
ملا محسن فیض کاشانی

انقلاب و رویش شکوفه‌های انتظار

دکتر رحیم کارگر^۱

در یک‌ره‌یافت توصیفی از ریشه‌ها و عوامل وقوع انقلاب اسلامی ایران، می‌توان به مؤلفه‌های مختلفی اشاره کرد. در این میان، یک عامل فکری و ایدئولوژیکی – که از دید تیزبین نظریه‌پردازان و نویسندگان داخلی و خارجی پنهان نمانده – مسأله «غیبت امام زمان (عج)» و «انتظار ظهور منجی عالم بشری» است. به نظر آنان، این باور و اعتقاد، زمینه‌ساز تغییر نگرش و رفتارهای مردم ایران، تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگی جامعه، گسترش روزافزون اندیشه‌های اصلاح طلبانه، تلاش و کوشش برای تغییر و تحول، عدم پذیرش حاکمیت‌های سیاسی، داشتن امید و آرزو برای پیروزی در نهایت قیام و انقلاب علیه بی‌عدالتی‌ها و زمینه‌سازی برای انقلاب جهانی مهدی موعود، بوده است.

فرهنگ الهام‌بخش

شاکسه و ویژگی عمده «اعتقاد به مهدویت» انتظار و آمادگی مداوم و آگاهانه برای ظهور امامی است که از دیدگان همه غایب است و در صدد نابودی ظلم، ستم، فساد، تباهی، بی‌دینی و انحراف از جهان است. این انتظار، دارای مفاهیم و مؤلفه‌های زیادی است که در صحیفه علمی و عملی جهان تشیع، به روشنی مکتوب و مضبوط می‌باشد؛ از جمله:

نفی وضع موجود (فساد، ظلم، بی‌عدالتی و تباهی)

طرد و عدم پذیرش حکومت‌های سیاسی (نامشروع دانستن آنها)

اصلاح‌طلبی و امید به زندگی بهتر (فرج و گشایش)

تلاش و کوشش برای پیشرفت و ترقی

قیام، انقلاب و نهضت مداوم و فعال

تشکیل حکومت‌های مشروع و دینی

عدم انقیاد و سازش در برابر ظالم و مفسدان و ...

با توجه به این امور، به صراحت می‌توان گفت که از

بهترین رازهای نهفته بقای تشیع، همین روح

انتظاری است که کالبد شیعه را آکنده ساخته

و پیوسته او را به تلاش، کوشش، جنبش و

جوشش و می‌دارد.

نگرش‌های دو سویه

به رغم روشنی و قطعیت نظریه اصیل «انتظار»،

تفسیر و برداشت‌های مختلفی از آن ارائه شده

است. قسمت عمده این برداشت‌ها، مربوط به

فهم علما و دانشمندان و بخش دیگر،

مربوط به برداشت عموم شیعیان از

مسأله «انتظار» است. دو برداشت

اصلی و عمده، در این زمینه،

عبارت است از:

۱. انتظار، به معنای قیام و انقلاب علیه دولت‌های ظالم و غاصب، مبارزه با فساد و تباهی برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان (عج) و شکل‌دهی به حرکت‌های اصلاح طلبانه و سازنده است.

۲. انتظار، به مفهوم انزوا، بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی نسبت به حکومت‌های نامشروع و یا عدم توجه به فساد و انحرافات موجود در جامعه و انتظار رکود آفرین برای ظهور امام غایب است.

برداشت بایسته

در طول تاریخ شیعه، هر چند این دو برداشت – به خصوص قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران – نشانه‌ها و آثاری از خود بروز داده است؛ اما با توجه به سیر تحولات سیاسی – اجتماعی ایران و جهان و ضرورت اقدام‌های اصلاح‌طلبانه و انقلابی، برداشت صحیح از انتظار (قیام و تلاش و کوشش) نظریه غالب در میان شیعه گشت و آثار و نتایج شگفتی نیز به بار آورد. روحیه اصلاح‌طلبی و پیشرفت، قیام و انقلاب علیه بی‌عدالتی‌ها، تلاش و کوشش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه جویی با ظالمان و مفسدان، عدم همراهی با حاکمان نامشروع، تشکیل حکومت صالح و... برداشت‌های صحیح و مجاهدانه از «انتظار» است. این تغییر نگرش، نقش مهم و محوری در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام راحل (عج) داشت.

انقلاب اسلامی ایران و رویش شکوفه‌های انتظار

با توجه به مطالب گذشته، روشن می‌شود که پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ثمره نگرش و فهم انقلابی و مجاهدانه و اصلاح طلبانه از انتظار است. از این نظر، اعتقاد به مهدویت و غیبت امام زمان (عج) یکی از منابع بالقوه انقلاب و مبارزه در شیعه است. این اصل از چند طریق به انقلاب و مبارزه متصل می‌شود:

الف) مفهوم انتظار؛ انتظار، یک مفهوم فعال و مثبت دارد و آن، آمادگی روحی و جسمی منتظر، برای همراهی با آن حضرت در هنگام ظهور است؛

ب) حکومت در عصر غیبت؛ ملت مسلمان ایران، بر اساس اعتقاد به امامت و غیبت امام معصوم علیه السلام، به ولایت فقیه نیز همانند امامت می‌نگرند و اسباب و شرایط حاکمیت وی را فراهم می‌کنند. به همین سبب، دعوت فقیه (امام خمینی) را برای اقامه حدود الهی و تشکیل حکومت اسلامی پذیرفتند و قیام کردند و این نیز همان مایه انقلابی است که در امامت وجود داشت.

ج) مشروعیت حکومت؛ نفی نظری مشروعیت همه قدرت‌های حاکم در عصر غیبت، همواره اندیشه‌ای مهم و مؤثر بوده که شیعه از آن به عنوان کاری‌ترین سلاح علیه حاکمان مستبد و ظالم استفاده کرده است.^۲

امام خمینی (عج)، انقلاب و انتظار

قیام اصلاح طلبانه امام خمینی، تبلور و نماد انتظار مردم برای ظهور نجات‌دهنده مستضعفان و ستم‌پیشگان از دست دنیامداران فاسد و ستمگر است.

امام با تلقی چندین مؤلفه مهم – به خصوص با تأکید بر وظیفه انقلابی شیعیان در عصر غیبت – پیام آور تازه‌ای از انتظار ظهور امام عصر (عج) بود. او در رأس هرم تفکرات سیاسی شیعه و در کانون مرکزی مبارزه قرار گرفت و هدف اساسی خود را تشکیل حکومت اسلامی قرار داد و با توجه به

چند مؤلفه اساسی زیر، رهبری قیام اصلاح طلبانه را بر عهده گرفت:

۱. ارائه نظریه «ولایت فقیه» و بایستگی حکومت برای فقیهان در زمان غیبت امام عصر (عج) «همین ولایتی که برای رسول اکرم (ص) و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی هست، برای فقیه هم هست».^۳

امام راحل (عج) در موارد زیادی، چه در کتاب‌های «ولایت فقیه» و «البیع» و چه در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های خود، برقراری حکومت اسلامی را در زمان غیبت امام معصوم، ضرورت اولیه کشورهای مسلمان و به مصلحت و خیر آنان می‌دانست: «از غیبت صغری تاکنون – که هزار و چند سال می‌گذرد – ممکن است صدها هزار سال دیگر [بگذرد و] مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد و در طول این مدت مدید، [آیا] احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود و هر که هر کاری خواست بکند؟ [آیا] قوانینی که پیامبر اسلام، در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن، ۲۳ سال زحمت طاقت فرسا کشید، فقط برای مدت محدودی بود؟ آیا خداوند اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و [آیا] پس از غیبت صغری، اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟»^۴

۲. نامشروع شمردن رژیم‌ها و نظام‌های سیاسی موجود – به خصوص رژیم ظالم و مستبد پهلوی – و لزوم اجرای احکام اسلامی به دست مسلمانان. امام راحل (عج) خود می‌فرمود: «ما چاره‌ای نداریم جز این که دستگاه‌های حکومتی فاسد و فسادکننده را از بین ببریم و هیئت‌های حاکمه خائن و فاسد و ظالم و جانی را سرنگون بکنیم. این وظیفه‌ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام بدهند و انقلاب سیاسی اسلامی را به پیروزی برسانند».^۵

۳. تبیین معنا و مفهوم صحیح و درست از انتظار (مبنی بر تلاش، امید، قدرت یافتن و...)؛ از نظر امام خمینی (عج)، انتظار زمانی مفهوم واقعی و اساسی خود را پیدا می‌کند که با امید به قدرت یافتن اسلام معنا شود. ایشان می‌فرماید: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور، ان شاء الله، تهیه شود».^۶ از نظر ایشان انتظار فرج، زمانی معنای واقعی خود را می‌یابد که منتظر، در جهت منویات حضرت ولی عصر (عج) تلاش می‌کند و لو این که موفقیت واقعی در پیاده شدن این نظریات، به زمان ظهور امام معصوم برگردد. ایشان می‌فرماید: «البته این پر کردن دنیا از عدالت، اگر می‌توانستیم می‌کردیم؛ اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند».^۷

۴. آگاهی بخشیدن به مردم، در جهت ایجاد آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج)؛ حضرت امام (عج) فرموده‌اند: «ما باید در این طور روزها، در این طور ایام الله، توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت ... ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای این که اگر چنانچه موفق شدیم – ان شاء الله – به زیارت ایشان، طوری باشد که رو سفید باشیم، پیش ایشان».^۸

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ثمره نگرش و فهم انقلابی و مجاهدانه و اصلاح طلبانه از انتظار است. از این نظر، اعتقاد به مهدویت و غیبت امام زمان (عج) یکی از منابع بالقوه انقلاب و مبارزه در شیعه است.

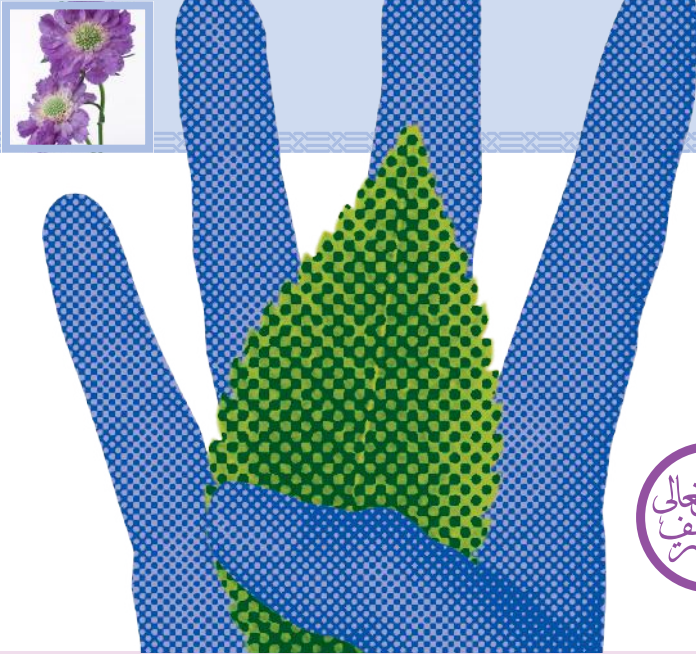
۱. مدیر گروه آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. مدخلی بر ریشه‌های انقلاب اسلام، ص ۹۰ و ۹۱.
۳. ولایت فقیه، ص ۵۷.
۴. همان، ص ۳۰.
۵. همان، ص ۳۵.
۶. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.
۷. همان.
۸. همان، ج ۱۲، ص ۲۰۹.



چهار استراتژی انقلاب اسلامی در حرکت به سوی ظهور

در گفتگو با دکتر حسن عباسی

✶ محمد رضا شایان



نجات دهند، از دیدگاه این گروه، حتی نباید در عصر غیبت حضرت حجت (ع) تلاش سیاسی نمود و حکومت مبتنی بر دین تشکیل داد. این انتظار ظهور، «انتظار منفعل» است.

در مقابل این گروه، تلقی گروه دوم قرار دارد. گروه دوم شیعیان معتقدند که برای ظهور حضرت مهدی (ع) باید زمینه سازی نمود. تلقی این گروه دوم شیعیان، نسبت به مهدویت، موجب پیدایش مفهوم «انتظار فعال» شده است.

در تلقی گروه نخست، همه باید بمانند تا حضرت حجت (ع) به سمت آنان بیایند و آنان را نجات دهند، اما در تلقی گروه دوم، همه باید در نظر و عمل، به سمت حضرت

مهدی (ع) بروند تا لایق «فرج» بشوند. در این تلقی، «انتظار فرج و انتظار ظهور»، از «انتظار آمدن» جدا می شود. در واقع فرج و ظهور حضرت مهدی (ع) در صورتی تسهیل می شود که شیعیان بخواهند و خود را برای آن لایق کنند. این خواستن، عامل تحرک شیعیان و پویایی جامعه شیعی شده و آن ها را به سمت الگوها و انگاره های فردی و اجتماعی مورد نظر حضرت مهدی (ع) سوق می دهد. وقتی شیعیان به آن الگوها و انگاره ها نزدیک شدند و از حیث فردی و اجتماعی، «ادب» مهدوی یافتند، حتی می توانند حکومت دینی تشکیل داده و در نظر، زمینه را برای ظهور حضرت مهدی (ع) فراهم سازند.

شیعه منتظر منفعل، هم چون قطعه آهن خامی است که در گوشه انبار، در تاریکی قرار دارد. پس از چند قرن، در نهایت می پوسد. او لایق هیچ خدمت و کاری نشده است. اما شیعه منتظر فعال، هم چون قطعه آهن خامی است که تربیت

دو موجب فهم جامع از اسلام می گردد، از این رو مردم، اسلام را به قرآن های ناطق یعنی ۱۴ معصوم (ع) می شناسند.

همان گونه که قرآن به عنوان یک منبع نظری در تحول اجتماعی، از طریق دکترین های خود مؤثر است، عترت نیز از حیث دکترین های خود که ترجمان قرآن کریم است، به عنوان الگوی عملی، الهام بخش تحولات اجتماعی هستند. این دکترین ها توسط شیعیان سرلوحه رفتار فردی و اجتماعی واقع می شوند. برای نمونه، می توان به دکترین های امام حسین (ع) پرداخت که در وقوع انقلاب و سپس در دفاع مقدس، مبنای عمل انقلابیون و رزمندگان اسلام بود.

لذا در یک جمله پاسخ پرسش شما این است که اسلام از طریق دکترین های متقن دو منبع کامل یعنی قرآن و عترت، مبنای وقوع انقلاب ۱۳۵۷ گردید و مردم ایران دکترین های اسلام را به دکترین های مارکسیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم در تحول سیاسی - اجتماعی خود ترجیح دادند.

یکی از چهارده معصوم (ع) وجود مقدس حضرت مهدی (ع) است که منشأ باور مهدویت در شیعیان هستند. نسبت انقلاب اسلامی با مهدویت چیست؟

باور مهدویت، باور انتظار است؛ باور این نکته که انسان کاملی ظهور می کند و بشریت را نجات می دهد. زمان این ظهور مشخص نیست، اما وقوع آن قطعی است. نسبت به این وقوع قطعی ظهور، دو تلقی در میان شیعیان وجود دارد. تلقی نخست از آن شیعیانی است که می گویند باید منتظر ماند تا حضرت حجت (ع) ظهور بفرمایند و بشر را

روشنفکران ایرانی شنیده بود، اما در نهایت، باور عمومی خود، یعنی اسلام را مبنا قرار داد و انقلاب را بر اساس اسلام رقم زد.

اسلام برای مردم ایران، دو منبع دارد: قرآن به عنوان الگوی نظری و عترت به عنوان الگوی عملی. قرآن کریم به عنوان منبع وحیانی نظری، دربردارنده دکترین های اساسی است که این دکترین ها، مبنای نظری انقلاب اسلامی قرآن بنیان را شکل داده اند. دکترین «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱) نمونه این دکترین های قرآنی است. مبتنی بر این آیه تا قومی در نفس خود تغییر ایجاد نکنند، خدا در آن قوم تغییری ایجاد نمی کند.

دکترین های قرآنی عمده در بردارنده اصول «شدن» و «صیورت» فردی و اجتماعی است؛ لذا وقتی اسلام، تحقق تغییر در هر قوم را منوط به تحقق تغییر در نفس تک تک مردم آن قوم می کند، این دین پویایی حیات و زندگی اجتماعی را رقم می زند و تریاک و خلسه آور توده ها نیست.

منبع دوم که نام بردید یعنی عترت، به عنوان الگوی عملی انقلاب اسلامی، چگونه در سال ۱۳۵۷ مبنای این تحول عظیم و بی نظیر اجتماعی شد؟

نقش منبع دوم، یعنی عترت، در انقلاب اسلامی ایران، اگر از نقش منبع نخست، یعنی قرآن عظیم پیشتر نباشد، کمتر از آن نیست. قرآن و عترت قابل تفکیک نیستند و فهم قرآن بدون عترت و بالعکس، فهم کاملی از اسلام نیست. مطلوب آن است که یک مسلمان فهم کاملی از قرآن و فهم کاملی از اسلام داشته باشد. جمع این



باور عمومی مردم در طول انقلاب اسلامی و پس از آن، باور به وجود یک ارتباط ماهوی میان انقلاب اسلامی و مهدویت بود و همچنان هست؛ اما علی رغم تلاش های مستمر اندیشه ورزان متعهد، وجه نظری این باور نیازمند کنکاش بیشتری است. انقلاب اسلامی یک پدیده اجتماعی است که جوهره آن را اسلام و تشیع تشکیل می دهد. این که چگونه

دکترین مهدوی در متن باورهای شیعی، یکی از ارکان انقلاب اسلامی را رقم زد، پرسشی است که نشریه امان با دکتر حسن عباسی رئیس مرکز بررسی های دکتربینال در میان گذاشته است تا با همدیگر، پاسخ آن را از پنجره تفکر استراتژیک، نظاره گر باشیم.

هنگامی که از انقلاب اسلامی سخن می گوئیم، از یک تحول اجتماعی با بن مایه دینی حرف می زنیم؛ چگونه اسلام، بن مایه و جوهره انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ شد؟

بسم الله الرحمن الرحیم. در سال ۱۳۵۷ سه گروه مدرنیست در صحنه حضور داشتند: مارکسیست ها که در ایران به جریان چپ مشهور بودند، لیبرالیست ها که جریان راست را شامل می شدند و ناسیونالیست ها که به ملی گرا معروف بودند و برخی از آن ها هر چند که گرایش های چپ هم داشتند، اما غلبه با وجه لیبرالی آن ها بود. حزب توده و چریک های فدایی در جناح چپ، نهضت آزادی در جناح راست و جبهه ملی در جناح ناسیونالیست ها، نماد این سه گروه بودند. علی رغم این حضور دیرپا و گسترده گروه های مدرنیست در صحنه، عموم مردم روی کرد دین مداری را در تحول اجتماعی ایران برگزیدند. این گزینش مردم ایران، بر خلاف عرف رایج آن عصر در میان کشورها بود. کشورهایی که در قرن بیستم میلادی به تحول عمیق اجتماعی و انقلاب سیاسی می پرداختند یا به ایدئولوژی مارکسیسم چنگ می زدند، یا لیبرالیسم و ناسیونالیسم را مبنای عمل خود قرار می دادند. مردم ایران، هر چند از عصر مشروطه به این سو، ایدئولوژی های مدرن چپ و راست را از زبان شبه





روزم همه از شب، تیره‌تر است
ای خود، شب ما را روز! بیا
محمدحسین غروی اصفهانی



مهدوی می‌شود، یعنی تحرک و پویایی اجتماعی دارد: گرمی روزگار را می‌چشد و می‌سوزد، سردی روزگار را لمس می‌کند و پتک حوادث روزگار بر سر و روی او فرود می‌آید و او را آبدیده می‌کند. او به فولاد تبدیل می‌شود و لیاقت عملی و کارکردگرایانه می‌یابد.

این تفسیر از انتظار فعال، چگونه در انقلاب اسلامی قابل ردیابی است؟

در حکمت تاریخ در تلقی شیعی، تاریخ یک ابتدا و یک انتها دارد. تاریخ با نخستین نبی، یعنی آدم علیه السلام آغاز می‌شود و با ختم نبوت توسط حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بخش نخست تاریخ ختم می‌شود به این بخش با عنوان کلی «بخش نبوت».

بخش دوم تاریخ در تلقی شیعه، دوره امامت است که بلافاصله پس از نبوت آغاز می‌شود. هر چند که برخی از انبیاء، سوای از مقام نبوت، مقام امامت نیز داشتند، اما عصر امامت معصومینی که نبی نیستند، پس از ختم نبوت آغاز شد. این دوره، با اعلام ولایت و امامت علی علیه السلام در روز غدیر، توسط حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آغاز گردید و تا انتها ادامه دارد. از این رو، حکمت تاریخ، شیعه که ابتدا و انتهای مشخص دارد، از دو قطعه اصلی تشکیل شده است: بخش نبوت، از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و بخش امامت، از علی علیه السلام تا مهدی علیه السلام.

سیر حرکت انبیاء علیهم السلام و سپس سیر حرکت ائمه علیهم السلام، یک پیوستگی دارد که جوهر این پیوستگی، مفهوم «عهد» است. این که جوهر حکمت تاریخ از این حیث «عهد» نامیده می‌شود، ناظر به این پیوستگی و اندراج است.

بخش دوم تاریخ، یعنی عصر امامت، با امامت دوازده امام معصوم علیهم السلام استمرار داشته و در زمان امام عصر علیه السلام ابتدا غیبت صغرا و سپس غیبت کبرا وقوع یافته است. در دوره غیبت، چهار نفر به عنوان نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام

معرفی شدند. پس از این نواب خاص، ارتباط شیعه با عالی‌ترین مراجع علمی هر عصر برقرار شد. این افراد، زعامت شیعه را در ذیل امامت شیعه عهده دار شدند. در واقع حرکت انبیاء علیهم السلام به حرکت ائمه علیهم السلام انجامید و حرکت ائمه علیهم السلام در عصر غیبت، حرکت زعما را در متن خود پروراند. این قولویه، ابن بابویه، شیخ مفید، شیخ طوسی، طبرسی، علامه حلی، علامه مجلسی، میرزای شیرازی، وحید بهبهانی، محقق کرکی، شیخ بهایی، میرداماد و شیخ انصاری، برخی از این زعمای ۶۰ نفره تا زمان امام خمینی رحمه الله هستند.

هر یک از این ۶۰ نفر زعیم شیعه در هر دوره‌ای، مدیریت اجتماعی و هدایت معنوی جامعه شیعی را عهده‌دار بوده‌اند. ایشان با نوآوری‌های علمی - فرهنگی و سیاسی، اجتهاد خود را بروز داده‌اند. حرکت همه این افراد، در درون یک مفهوم کلی قابل مطالعه و ارزیابی است: مفهوم «نهیض انتظار». در واقع رفتار اجتماعی این زعما، با یک مفهوم مشترک قابل ارزیابی است و آن مفهوم، «انتظار فعال» است.

نهیض انتظار، استمرار نهضت انبیاء علیهم السلام و ائمه علیهم السلام است. زعما، کسانی بودند که باور به مهدویت، انتظار فعال را رقم زدند. انقلاب برخی از آنان، انقلاب علمی بود، انقلاب برخی دیگر، انقلاب فرهنگی، برخی مخفی و برخی آشکار و در نهایت انقلاب سیاسی امام خمینی رحمه الله، تلاش‌های آن زعما را به بار نشانده. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله، سوای از عقبه نهضت انبیاء علیهم السلام و نهضت ائمه علیهم السلام، از پیشینه نهضت زعما که نهضت انتظار است، بهره برد.

دکترین انتظار فعال، جوهر عمل این افراد بوده است. حاصل انتظار فعال، در نهضت انتظار، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و نضج‌گیری مقاومت اسلامی در لبنان در قالب حزب‌الله بوده است و از این پس نیز هر حرکت شیعی مؤثر، یقیناً از مجرای انتظار

فعال در بستر نهضت انتظار رقم خواهد خورد. لذا در یک جمله می‌توان گفت که اساساً، انقلاب اسلامی محصول نهضت انتظار و نهضت انتظار، حاصل انتظار فعال بوده و هست.

نکته مکمل این که در جامعه شناسی تحول، پنج مفهوم چشمه، موج، جنبش، جریان و نهضت به ترتیب، در نسبت با یکدیگر تعریف می‌شوند. چشمه اجتماعی، موج اجتماعی، جنبش اجتماعی، جریان اجتماعی و نهضت اجتماعی، استمرار هم هستند. نهضت انتظار، نهضتی است که از هزاران چشمه، صدها موج و جنبش و ده‌ها جریان تشکیل شده است. انقلاب اسلامی ایران، یکی از جریان‌های نهضت انتظار بوده است. در آینده نیز چشمه‌ها، موج‌ها، جنبش‌ها و جریان‌های بسیاری باید مبتنی بر انتظار فعال در قالب نهضت انتظار شکل بگیرد تا ظهور را زمینه‌سازی کند. از این روست که درک انقلاب اسلامی، منهای فهم نهضت انتظار و انتظار فعال، امکان‌پذیر نیست.

انتظار فعال چگونه محقق می‌شود و استمرار می‌یابد؟

انتظار فعال در نسبت با زعما و رهبران دینی تعریف می‌شود. وقتی سخن از نهضت به میان می‌آید، جریان‌های موجود در نهضت اجتماعی از رهبر و ولی برخوردارند. سلسله زعما در نهضت انتظار، سلسله ولایت در هر یک از جریان‌های علمی - فرهنگی، سیاسی درون نهضت هستند. سلسله زعما در عصر غیبت، سلسله ولایت فقیه است. انتظار فعال در متن نهضت انتظار توسط ولی فقیه هر دوره محقق شده و استمرار می‌یابد.



در واقع نسبت ولایت فقیه و حکومت مهدوی از این مصدر تعریف می‌شود؟

بله! اما نسبت ولایت فقیه و مهدویت و ولایت فقیه و حکومت مهدوی، محصور و محدود به تحقق انتظار فعال نمی‌شود. ولایت فقیه و



حکومت ولی فقیه، بستر ساز ظهور و زمینه ساز حکومت مهدوی است. سیر نهضت انتظار که سیر زعامت شیعه در عصر غیبت است، در نهایت، در قالب انتظار فعال، به ظهور و سپس به حکومت مهدی موعود علیه السلام و در نهایت به تحقق جامعه مهدوی منتج می‌شود، ان شاء الله.

انقلاب اسلامی ایران در حرکت به سوی ظهور و تحقق حکومت جهانی مهدی موعود علیه السلام چه استراتژی‌هایی را مدنظر دارد؟

مراحل ظهور، تحقق حکومت جهانی مهدی موعود علیه السلام و تشکیل جامعه مهدوی، مرحله‌ای است که نیاز به اقدامات گسترده‌ای دارد. ابتدا تبیین الگوی نظری، از جامعه آرمانی. استراتژی انقلاب اسلامی در این مرحله، تحت عنوان تبیین «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» مطرح شده است. ارائه الگوی عملی و الهام‌بخش از جامعه آرمانی، استراتژی دوم انقلاب اسلامی است. برای این استراتژی پنج گام معرفی شده است: **گام نخست:** وقوع انقلاب اسلامی. **گام دوم:** تشکیل نظام اسلامی. **گام سوم:** تشکیل دولت اسلامی. **گام چهارم:** تشکیل



ارائه الگوی عملی و الهام‌بخش از جامعه آرمانی، استراتژی دوم انقلاب اسلامی است. برای این استراتژی پنج گام معرفی شده است.

نیز مقوم این روند در خنثی کردن موانع پیش‌روی نهضت انتظار است.

افق پیش‌رو را چگونه می‌بینید؟

قرن بیست و یکم میلادی، قرن نابودی محیط زیست نامیده شده است. منابع به سرعت در حال کاهش است. نیاز به انرژی روز به روز بیشتر می‌شود، اما منابع آن تقلیل می‌یابد. فساد عمومی در محیط زیست و در جوامع بشری شیوع یافته است. در واقع «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم/۴۱) اکنون به چشم می‌آید.

از سوی دیگر مدل‌های مدرن اداره جهان مانند مارکسیسم و لیبرالیسم، ناکارآمدی خود را نشان داده‌اند. بشر منتظر ارائه الگوهای بدیع جایگزین است. در سال‌های اخیر، هر بار که با هیئت‌های علمی و اندیشمندان

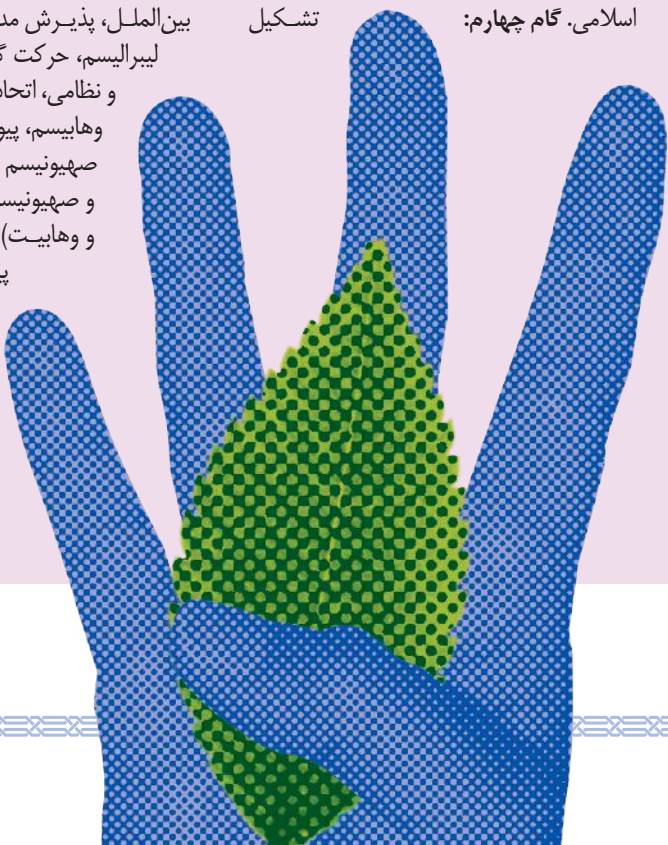
کشورهای گوناگون شرقی و غربی و آفریقایی و آسیایی مواجه شده‌ایم، یکی از پرسش‌های آن‌ها این بوده است که پس انقلاب اسلامی، چه موقع الگوی نظری خود را برای اداره کشورها در برابر مدل لیبرالیسم ارائه می‌کند؟ آنان مباحث عمومی جنبش نرم‌افزاری را شنیده‌اند و معتقدند که در دهه‌های آتی، جمهوری اسلامی باید نرم‌افزار اداره جوامع را به عنوان جایگزین نرم‌افزار سوسیالیسم یا کاپیتالیسم و لیبرالیسم ارائه نماید. لذا نخبگان جهان پرسش «چه باید کرد؟» را این سو و آن سو، مدام تکرار می‌کنند. لذا محیط سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آینده، با ابهام جدی روبروست و فرصت طلاییی خدایا بران برای تحقق وعده الهی در شکل‌گیری حکومت صالحان بر زمین، به مرور فرا می‌رسد. از این رو به آینده بسیار می‌توان خوشبین بود که: «لَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ؛ آیا صبح نزدیک نیست؟».

جامعه و کشور اسلامی؛ و گام پنجم تشکیل امت اسلامی و تمدن جهانی اسلام. ارائه این دو الگو از یکدیگر جدا نیست. الگوی نظری و سپس الگوی عملی از جامعه‌ای آرمانی مهدوی، استراتژی اساسی جمهوری اسلامی در این مقطع است.

استراتژی سوم، همزمان با تبیین الگوی نظری و الگوی عملی جامعه آرمانی، تبیین گزاره‌های طراز است: انسان طراز، معلم طراز، زن طراز، مرد طراز، قاضی طراز، هنرمند طراز، مدیر طراز، وزیر طراز، پلیس طراز، و سایر موارد، در کنار سیاست طراز، اقتصاد طراز، تربیت طراز، علم طراز، هنر طراز، صنعت طراز، معماری طراز، و گزاره‌هایی از این قبیل.

استراتژی چهارم، تحقق «ادب مهدوی» و انتظار فعال در همه سطوح و نسل‌هاست.

البته این چهار استراتژی با موانع گوناگونی روبرو هستند. موانعی مانند تحجر، تبلیغ انتظار منفعل، القای یأس، ضرورت ذوب در نظام سلطه بین‌الملل، پذیرش مدل‌های نظری و عملی لیبرالیسم، حرکت گسترده تبلیغی - سیاسی و نظامی، اتحاد منطقه‌ای صهیونیسم و وهابیسیم، پیوند صهیونیسم یهودی با صهیونیسم مسیحی (آونجلیست‌ها) و صهیونیست‌های مسلمان (بهائیت و وهابیت) و مواردی دیگر. طبیعتاً پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی، عامل کلیدی خنثی کننده این موانع است. بصیرت عمومی



اگر یک جمعه بنشیننی کنار خستگی‌هایم
به دورت گل بکارم دختر شیرین‌زبان، خورشید!
زهره حسین‌زاده



چو شبنمی است که بر بحر می‌کشد، رقی

سه پرسش از محضر حضرت آیت‌الله جوادی آملی درباره انقلاب اسلامی و مهدویت



شرط زمینه‌ساز بودن انقلاب اسلامی برای انقلاب
مهدوی چیست؟

این انقلاب گران‌قدر که ثمره مجاهدات خستگی‌ناپذیر جوانان، پیران و زنان و مردان این سرزمین، به رهبری نائب امام عصر ع امام راحل است، هدفی جز زمینه‌سازی برای ظهور آن وجود مبارک ندارد؛ اما باید دانست که این نظام مقدس وقتی زمینه ظهور بقیه‌الله ع را فراهم می‌آورد که فرهیختگان فرهنگی آن، جامه علم صحیح و کسوت عمل صالح را در پیروی از معارف الهی و احکام نورانی اسلام در برکنند و لباس کهنه و فرسوده دوران طغیان را برکنند و نیز پیراهن مدرن جاهلیت نوین را دربرنکنند، تا تجربه کارآمد جمهوریت را در محضر اسلام ناب، بی‌افراط و تفریط به جهانیان ارائه کنند.

منبع: امام مهدی ع موجود موعود، صفحه ۱۵۶-۱۶۲.

۱. دیوان غزلیات حافظ، ص ۶۴۱، غزل ۴۷۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳. انبیاء/۷۳.

۴. همان.

۵. آل عمران/۱۵۴.



چه‌طور می‌شود که امام زمان با ۳۱۳ نفر، جهان را تسخیر و حکومت جهانی برپا کند؟

برخی افراد در انقلاب و تحول عمیق عصر مهدویت که با محدودی از شاگردان و سربازان ویژه آن حضرت آغاز می‌گردد و سرانجام به تغییر نظام حاکم بر پهنه زمین خواهد انجامید، تشکیک روا می‌دارند و چنین تحول عظیمی را که با یاری گروهی به ظاهر اندک آغاز می‌شود بعید می‌شمارند. انقلاب اسلامی ایران در این حوزه نمونه بسیار روشنی از امکان وقوعی چنین خیزش و حرکتی عظیم است، چون انقلاب پر ارج اسلامی به رهبری امام راحل به خوبی روشن ساخت که با افرادی اندک می‌توان خیزشی عمیق و حرکتی سترگ را ضد طاغوت و طغیان آغاز کرد و با بیدار کردن دل‌های خفته انسان‌ها آنان را با خویش همراه ساخت و با برچیدن نظام طاغوت شاهد درخشش خورشید حکومتی الهی و اسلامی بود.

پیر روشن‌دل و سفر کرده این انقلاب با دستی تهی از عوامل مادی اما باوری عمیق به نصرت الهی، چنان حرکتی عظیم را در سطح جهانی آفرید که برخی نشریات خارجی در زمان تبعید آن بزرگوار به پاریس در زیر تصاویر او نوشتند: «هذا المنفی از عج الشرق، حیر الغرب و شغل العالم؛ یعنی این شخص تبعیدی، شرق را به زحمت انداخت، و غرب را متحیر ساخت و جهان را به خویش سرگرم ساخت». حقیقت آن بود که نه تنها ایران و خاورمیانه، سراسر جهان بر محور نوک قلم او می‌گشت و از انوار پر تالو بنان و بیان او روشنائی می‌گرفت و در تپش و انقلاب به سر می‌برد.

وقتی نماینده‌ای از نمایندگان امام عصر ع چون امام راحل چنین قدرتی دارد، در تسخیر عالم به دست با کفایت وجود مبارک ولی الله الاعظم ع با ۳۱۳ شاگرد و ارادتمند همانند امام راحل ع جای شک و تردید نیست، هرچند دیگران نیز به اردوگاه یاران و اصحاب امام عصر ع خواهند پیوست.

بدین ترتیب، انقلاب شکوهمند اسلامی از جهات متعددی آینه انقلاب جهانی مهدوی ع خواهد بود. بی‌شک انقلاب عظیم مهدوی ع نقطه عطف تاریخ

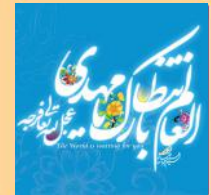
در برخی از احادیث گفته شده هر پرچمی قبل از امام زمان ع بلند شود صاحب آن طاغوت است. این روایات چگونه با انقلاب اسلامی ایران سازگاری دارد؟

چنانچه روایاتی یافت شود که مطلقاً هر قیامی را محکوم به شکست و ناروا بدانند، به دلیل مخالفت با خطوط اصلی معارف قرآن و سنت قطعی معصومان ع مورد پذیرش نیست، زیرا آیات و روایات فراوانی در اقامه امر به معروف و نهی از منکر، جهاد فی سبیل الله، اقامه حدود الهی و احیای کلمه الله که منحصر در زمان و مکان خاصی هم نیستند نشان می‌دهد، جلوگیری از احیای دین در شرایط مهیا و گاه ضرورت سخنی ناروا و زعمی آفل است.

فتوا به حرمت وجود حکومتی دینی در عصر غیبت، فتوا به حاکمیت قوانین غیرالهی و حکومت افراد ناشایست بر امت اسلامی است که قطعاً مرضی خدا و رسول گرامی‌اش نبوده و نخواهد بود.

انقلاب و حکومتی چون انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، خیزشی مبارک است که نه رهبران آن مردم را به خویش می‌خوانند و نه شرایط قیام و اقدام و برپایی حکومت دینی برایشان مهیا نبوده، در نتیجه این خیزش مقدس به برپایی حکومتی انجامید که معادلات سیاسی جهان را به هم ریخت و سرلوحه حرکت بسیاری از مسلمانان و سایر انسان‌های استعمار شده قرار گرفت. این انقلاب مردم را به امامت ولی عصر ع می‌خواند و امام و مأموم آن همصدا می‌گویند که ما امت ولی عصر ع هستیم و آن حضرت، امام ماست. هر کوششی در این کشور به یمن امامت ولی عصر ع است و این امت بی‌صبرانه ظهور مبارک او و تسلیم پرچم نظام اسلامی به دست با کفایت ایشان را انتظار می‌کشند.

دوباره پلک دلم می‌پرد، نشانه چیست؟
شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
مرحوم قیصر امین‌پور



دست غیبی در کار است

علاوه بر حضور گسترده مردم و رهبری مدبرانه امام خمینی رحمه الله نقش امدادهای غیبی و عنایت‌های حضرت بقیت‌الله علیه السلام را نمی‌توان نادیده گرفت؛ حضرت امام در ۱۸ اسفند ۱۳۵۷ یعنی تنها چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی فرمود: «این دست غیبی الهی بود که مردم ایران را – سرتاسر – از بچه دبستانی تا پیرمرد بیمارستانی، با هم، هم صدا و با هم، هم مقصد کرد. این هیچ جبهه‌ای نمی‌تواند این کار را بکند؛ هیچ بشری قادر نیست که همچو بسیجی بکند؛ هیچ ملتی نمی‌تواند این طور بسیج بشود. قدرت ایمان، قوه اسلام، قدرت معنوی ملت، این پیروزی را به ما ارزانی داشت. ما منت از خدای تبارک و تعالی می‌کشیم. ما منت از ولی عصر می‌کشیم که پشتیبانی از ما فرمودند»^۱.

ایشان در ۲۹ فروردین ۱۳۵۸ نیز بر این واقعیت تصریح نمود که: «این حقیقتی است که باید اعتراف کرد که قلعه محکمی بود که احتمال فتح آن [نمی‌رفت] و فتح شد و دژ عظیمی بود که احتمال شکستن آن نمی‌رفت و شکسته شد. ملتی با نداشتن هیچ ابزار و ساز و سلاح بر ابرقدرتها و بر قدرت شیطانی که تا دندان مسلح بودند غلبه کرد. لکن این من نبودم که این غلبه را نصیب شما کرد، این خدای تبارک و تعالی بود. من در پاریس که بودم و می‌شنیدم که تمام مردم بلاد – از آن اقصا بلاد تا مرکز، از دهات کوچک تا شهرستانهای بزرگ – همه با هم متحد شدند و همه یک کلمه می‌گویند و آن اینکه «سلسله پهلوی نه و جمهوری اسلامی آری»، من آنجا این طور فهمیدم که این دست، دست غیب است؛ انسان نمی‌تواند این وحدت را تحصیل کند. انسانها شعاع فعالیتشان محدود است؛ ممکن است یک شهر را یا یک استان را، به وحدت کلمه برسانند، ممکن است که یک گروه از مردم را وحدت کلمه درشان ایجاد کند لکن یک کشور سی و چند میلیونی با اختلاف گروهها، با اختلاف آمال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور آنها، همه با هم مجتمع شدند و همه با هم دست به هم دادند و یک مطلب را خواستند. این نیست الا اینکه دست غیبی در کار است: خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان – سلام الله علیه – [این تحول را در مردم پدید آورد]^۲.

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۶۱.
۲. همان، ج ۶، ص ۵۴.

آرمان‌شهر واسطه

علی صدوقی*

هر مکتبی چه الهی و چه غیر الهی برای خود آرمان شهری تعریف می‌کند که تمام آمال و آرزوهای آن مکتب، در آن متجلی می‌شود و هواداران و مریدان بر اساس چارچوب آن آرمان شهر، تربیت می‌شوند تا در جهت تحقق آن، به جد قیام کنند. آرمان شهر اسلام در عصر ظهور است که با تأسیس تمدنی اصیل و با رفع تأسیس نیازهای فردی و اجتماعی انسان، زمینه رشد و شکوفایی استعدادهای آدمی و در یک کلمه شکوفایی فطرت آدمی را در جهت درک مراتبی از عبودیت الهی، در راستای حیات طیبه پدید می‌آورد. به هر حال امکان تأسیس آرمان شهر عصر ظهور برای ما وجود ندارد زیرا توان تأسیس آن در ما نیست اما سؤالی مطرح می‌شود که وظیفه ما در عصر غیبت چیست؟

در جواب سوال فوق باید گفت اگر چه با توجه به امکاناتی که داریم، قوانین تأسیس مدینه فاضله نهایی را نداریم اما می‌توانیم زمینه‌ساز ظهور آن معمار حکیم و ارزش آفرین یعنی امام زمان علیه السلام را پدید آوریم. اگر بخواهیم این وظیفه زمینه‌ساز را در یک شکل هندسی تعریف نماییم، می‌گوییم که ما در عصر غیبت باید درجهت تأسیس جامعه منتظر که ماکت کوچک جامعه عصر ظهور است قدم برداریم زیرا با توان و استعداد ما هماهنگی دارد و می‌توانیم از آن به آرمان شهر واسطه یاد کنیم زیرا واسطه مناسبی است جهت تعجیل در ظهور. اینکه چرا به آن (آرمان شهر واسطه) می‌گوییم بخاطر اینکه اولاً اسلام بیش از یک آرمان شهر ندارد و ثانیاً این جامعه زمینه ظهور آرمان شهر واقعی است زیرا مقدمه ظهور آن امام همام است که در بیاید تا به آرمان شهر اسلام عینیت بخشد. پس به واسطه آن می‌توان بسیار امیدوار بود که منتظران نیز می‌توانند با واسطه در تأسیس جامعه آرمانی نقش آفرین می‌باشند.

انقلاب اسلامی ایران جهت تأسیس این جامعه ظهور کرد و این مطلبی است که بارها امام راحل و مقام معظم رهبری بر آن تأکید کردند که انقلاب باید زمینه ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام را مهیا نماید، یا در وقتی که مقام معظم رهبری فرایند انقلاب و مراحل تحقق اهداف آن را بیان می‌دارند که عبارتند از: انقلاب اسلامی – نظام اسلامی – دولت اسلامی – جامعه اسلامی – امت اسلامی.

مرحله چهارم این اهداف (جامعه اسلامی) را می‌توان همان (جامعه منتظر) معرفی کرد که این انقلاب شروعی است جهت متجلی شدن آن جامعه که ما به آن (جامعه آرمانی واسطه) می‌گوییم.

باید این جامعه تأسیس شود تا ظهور نزدیک شود و به تدریج با ظهور شرایط حتمی، چهره زیبای یوسف زهرا علیها السلام آشکار گردد و این وقتی است که در عصر غیبت تمامی امکانات و استعدادها به سوی تأسیس جامعه منتظر در حرکت باشد تا منتظران بتوانند به فعالیت‌های خود در همه عرصه‌ها و نیز به ارتباطات خویش جهت داده و خود و جامعه خوش را مدیریت نمایند.

تأسیس جامعه آرمانی واسطه در عصر غیبت، آثار و برکاتی دارد که تمامی عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نیز تمامی ارتباطات انسان را تحت پوشش قرار دهد و این مسئله، زمینه مناسبی است که می‌تواند فرهنگ مهدویت را بر تمامی ابعاد زندگی انسان حاکم کند تا (زندگی مهدوی) هویت خود را آشکار نماید. این آثار با برکت عبارت است از چهار اثر مهم که می‌تواند تحت پوشش ولایت، ظهور نماید که عبارتند از: استقلال و شخصیت، حریت و آزادمنشی، تحلیل صحیح از زندگی و تعادل در عواطف که پرداختن تفصیلی به آنها فرصتی دیگر می‌طلبد.

*. استاد اخلاق و تربیت مهدوی.

واما نظر امام خمینی...

در پاسخ به سؤالی که یکی از کاربران پورتال امام خمینی رحمه الله در بخش پرسش و پاسخ در خصوص نظر امام خمینی پیرامون امام زمان علیه السلام مطرح کرده است، کارشناسان مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام پاسخ زیر را ارائه کرده‌اند. پرسش‌گر این سؤال را مطرح کرده است که «با توجه به برخی مباحث اوایل انقلاب که هنوز هم در برخی محافل طرفدارانی دارد و انقلاب اسلامی را از نشانه‌های نزدیک بودن زمان ظهور می‌دانند، آیا حضرت امام در زمینه زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نظر خاصی داشتند؟» پاسخ کارشناسان در ادامه آورده شده است:

یکی از عمیق‌ترین موضوعاتی که محتاج تأمل بسیار در اندیشه امام خمینی رحمه الله می‌باشد، موضوع حقیقت محمدیه و امام‌شناسی ایشان است که با بیانی عرفانی و فلسفی و در قالب اصطلاحاتی خاص در آثار ایشان تبلور دارد و البته برای نسلی که با آن اصطلاحات چندان آشنایی ندارد، محتاج آن گونه شرح و بسطی است که اولاً حق مطلب ادا شود و ثانیاً چنان ساده باشد که برای اکثریت نسل جدید قابل هضم گردد. با این حال اگر بخواهیم به صورت اجمالی هر چند بسیار ناقص بگوییم ایشان زمان ظهور را چه زمانی می‌دانستند، با احتیاط کامل شاید بتوان گفت که ایشان ظهور حقیقت امامت را دارای مراتب مختلف می‌دانستند. به عنوان مثال اگر چه حضرت امیر مومنان علیه السلام در زمان حیات، در میان مردم بودند اما حقیقت وجودی ایشان فقط برای افراد معدودی ظهور داشت و دیگر ائمه اطهار نیز چنین هستند. لذا در مورد امام زمان علیه السلام باید پرسید ظهور کدام جلوه وجودی ایشان مورد نظر است؟ اگر منظور آن جلوه ظاهری باشد که با شمشیر قیام می‌کنند، امام خمینی رحمه الله در این زمینه هیچ زمان مشخصی را با تمام علائمی که در مورد این نوع ظهور گفته‌اند بیان نداشته و در مورد انقلاب اسلامی ایران که به آن نزدیک است یا نه و یا آن را نزدیک کرده یا نه سخن روشنی ندارند جز آنکه به نحوی رمزگونه هر پیروزی حق بر باطلی بالآخر انقلاب اسلامی ایران را نیز در جهت آن ظهور بیان داشته‌اند. همچنین در برخی دعا‌های خود آرزو کرده‌اند که این انقلاب به انقلاب نهایی مستضعفین جهان به رهبری امام عصر علیه السلام منجر شود.

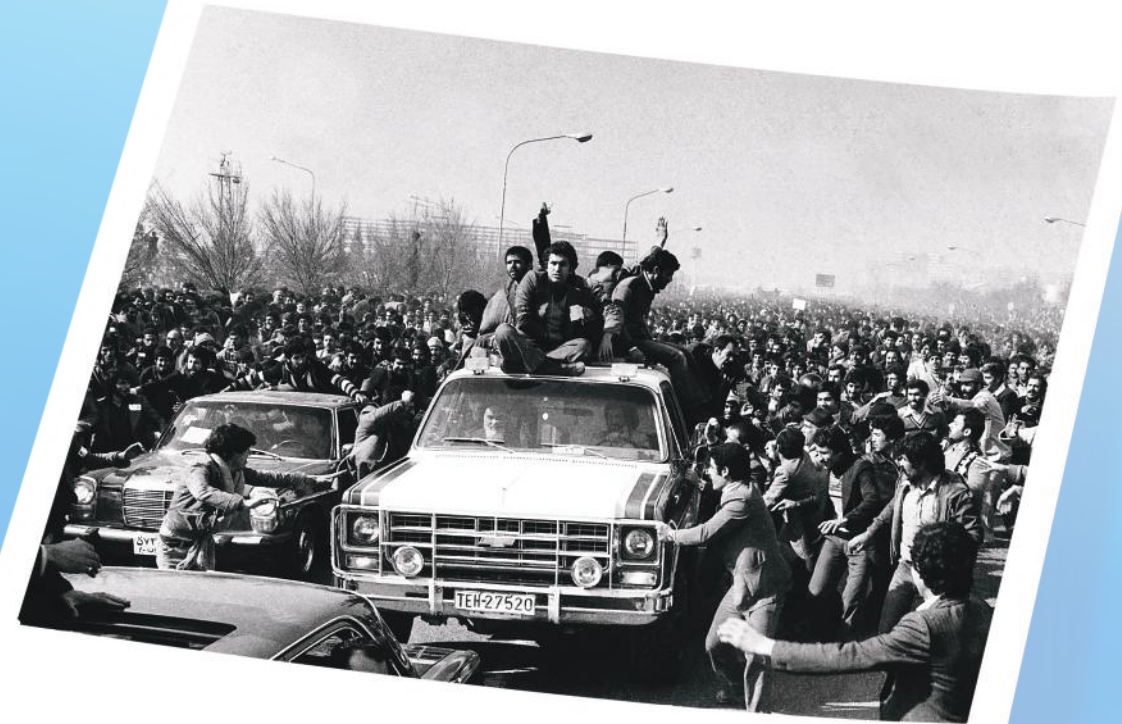
یک روز می‌رسی تو و، خواهم دید
در دست‌های سرد زمستان، گل
محمود اکرامی (خزان)



آخرین سفارش

✎ امید درویشی

سلام بر شهیدان! منتظرانی که برای رسیدن به «وضع مطلوب» به پا خواستند و قطره قطره خون خود را به پای درخت انقلاب اسلامی ریختند تا روز به روز تنومندتر گردد و منتظران مسیر سبز مهدویت، در سایه سارش، نیرو کسب کنند. دلاورمردانی که برای به ثمر نشستن انقلاب اسلامی، آرام ننشستند و سرخی خون آنان همانند رنگ شفق، مژده طلوع خورشید عالم تاب و انقلاب جهانی امام عصر(ع) را می‌دهد. آنان که به وظیفه خود در برابر امام زمان(ع) و نایب بر حقش به خوبی عمل کردند و امروزه از ما این انتظار را دارند که ما نیز به یکی از مهمترین وظایفمان که حفظ انقلاب اسلامی است، عمل کنیم؛ وظیفه‌ای که در اکثر وصیت‌نامه‌های شهدا به خوبی به چشم می‌خورد. بیا بید تا کام دلمان را با کلام شهدا، شیرین کنیم.



گینس اسلامی / ۶ وقتی امام خمینی به گینس آبرو می‌دهد!

✎ محمدرضا فزادیان

آنکه کتاب گینس مایه افتخار باشد، نام کسی مایه ارزش آن کتاب باشد؟ آیا می‌دانستید این مسئله توسط حضرت امام خمینی (ره) صورت گرفته است؟ آیا می‌دانستید نام امام در کتاب گینس سال ۲۰۱۲ میلادی، دو بار به عنوان رهبری محبوب ثبت شده و از مراسم تشییع امام خمینی به عنوان بیشترین تعداد شرکت کننده نام برده شده است. به نوشته گینس، ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در این مراسم شرکت داشته‌اند که در حدود یک ششم جمعیت آن زمان ایران بوده است. این امر به جای آنکه به ایشان ارزش ببخشد به آنها آبرو داده است و وقتی نام امام در وبسایت گینس ثبت شد معلوم شد یک انسان چه مقدار می‌تواند عزیز باشد. اگر خواسته باشیم حقیقت نگر باشیم، فقط بدرقه

ثبت‌نام در کتاب گینس، آرزوی بعضی‌هاست. برخی‌ها علاقه دارند هر جور شده در رکوردهای جهانی گینس نامشان درج شود؛ کتابی که مجموعه‌ای از رکوردهای بین‌المللی و هر سال با رکوردهای تازه، تجدید چاپ می‌شود. معمولاً ثبت رکوردها در این کتاب با حضور نمایندگان گینس صورت می‌گیرد. برای بررسی هر رکورد توسط کارشناسان گینس باید مبلغی قابل توجهی به حساب این مؤسسه ریخته شود. این مبلغ جدا از هزینه‌هایی است که باید برای مسافرت کارشناسان گینس پرداخت شود. می‌توان درخواست ثبت رکورد را به صورت آنلاین در وبسایت گینس انجام داد. اما آیا می‌توان کاری کرد که بدون پرداخت هزینه، اسمی در آن سرا در آورد؟ آیا می‌توان به جای

امام(ره) بی‌نظیر نبود بلکه استقبال از ایشان در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و رأی دادن به طرح فکری نظام در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ نیز بی‌نظیر است. ۹۸ درصد در همه‌پرسی و رفراندوم این انقلاب شرکت کردند و این میزان مشارکت در هیچ جای جهان تاکنون رخ نداده است. اگر از میزان تأثیر و جهت دادن به خیلی از برنامه‌ها هم خواسته باشیم بین این انقلاب با انقلاب‌های معاصر مقایسه داشته باشیم، در می‌یابیم که بی‌نظیر است و کتاب گینس می‌تواند برخلاف سیاست‌هایش؛ به حقایق توجه نموده و با ثبت انقلاب ایران به جهت مشارکت ملت و رهبر قیام و دستاوردهایش، ارزش و اعتبار و آبروی کتابش را افزایش دهد.

”

شهید مهدی

صبری:

«با مخالفین انقلاب اسلامی هیچ گونه سازش و صمیمیتی نداشته باشید که خطری بزرگ است و بدانید که تمام شهدای ما برای همین انقلاب اسلامی و برپایی حکومت اسلامی و قانون الله، جان فدا کردند؛ مبادا از این مسیر منحرف شوید».

”

شهید احمد رضا

صابر:

«با تکیه به قدرت الهی و تزکیه نفس خویش، مملکت اسلامیمان را در زمینه تخصص‌های مورد نیاز دینی و صنعتی و اقتصادی بی‌نیاز کنید».

”

شهید علیرضا

طیبری‌نژاد:

«از شما ملت قهرمان و همیشه در صحنه ایران می‌خواهم همان طور که همیشه چه در پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در به ثمر رسیدن انقلاب و صدور آن، فعالیت می‌کرده‌اید باز هم ادامه دهید».

”

شهید کاظم خائف:

«حالا وظیفه شما سنگین و بزرگ شده باید با تمام نیرو و قدرتی که دارید از انقلاب پشتیبانی کنید».

”

شهید علیرضا حاجی

بیگلوی:

«پیام من به ملت ایران این است که تا زمانی که در رگ جنایت پیشه‌گان، خون جریان دارد، از حیثیت انقلاب و اسلام، دفاع نموده و پرچم اسلام را در بلاد مسلمین، سرفراز نمائید».

”

شهید علی اکبر

عبداللهی:

«همواره در هر کجا هستید، انقلاب را یاری کنید، تا انقلاب عظیم ما به پیروزی کامل برسد».

”

شهید محسن

پشوه‌تن:

«من از تمام دوستان و... خودم تقاضا می‌کنم که هیچ‌وقت پشت به انقلاب نکنند تا خون در وجود دارند با تمامی قدرت از این انقلاب پشتیبانی کنند».

”

شهید ابوالفضل

طیبری:

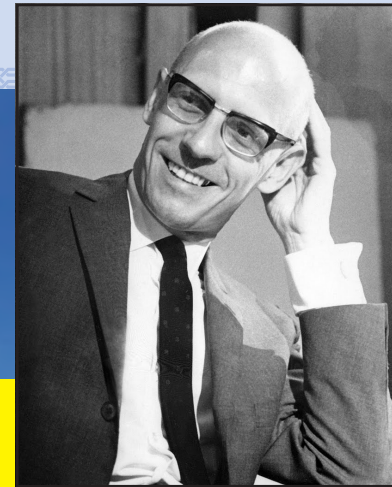
«ابر قدرت‌ها و عوامل آن‌ها، در خارج و داخل کشور، هیچ گونه آسیبی نمی‌توانند به انقلاب اسلامی بزنند و تنها این ما هستیم که با اعمال و رفتار خود می‌توانیم، این نعمت را حفظ یا خدای نکرده از دست بدهیم».

”

شهید سید ابراهیم

پاینده:

«این انقلاب، انقلاب اسلامی است و حال که این انقلاب به پا شده است، باید در راه آن، تلاش و کوشش نمود تا تمام ابر قدرت‌ها را به زانو در آورد و تمام مستضعفان جهان را از چنگال ابر قدرت‌ها، آزاد سازد».



اشاره:

میشل فوکو، فیلسوف، متفکر و مورخ فقید فرانسوی (۱۹۸۴-۱۹۲۶)، فارغ التحصیل فلسفه از اکول نورمال سوپریور در دانشگاه سوربن پاریس، مدتی مدیرِیت انستیتوی فرانسه در دانشگاه هامبورگ آلمان و انستیتوی فلسفه در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه کلرمون-فران در فرانسه را برعهده داش. گفتاری که در زیر ترجمه آن از نظر تان خواهد گذشت برگرفته از کتاب لارنس دی. کینزمن تحت عنوان میشل فوکو: سیاست، فلسفه، فرهنگ: گزیده مصاحبه ها و مقالات ۱۹۸۴-۱۹۷۷ است. این مصاحبه تحت عنوان «ایران؛ روح دنیای فاقد روح» توسط کلر بریر و پی یر بلانشه و به زبان فرانسه صورت گرفت و در سال ۱۹۷۹ در پاریس به چاپ رسید. این مصاحبه از روی متن ترجمه انگلیسی آن که توسط آلن شریدان صورت گرفت، به فارسی برگردانده شد. آنچه که می آید بخشی از مصاحبه یاد شده است که به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی تقدیم شما خوانندگان عزیز می شود.



ارادهٔ یک ملت

تحلیل میشل فوکو از انقلاب اسلامی ایران

پی یر بلانشه: آنچه مایه شگفتی و حیرت من شد قیام و خیزش یک پارچه کل یک ملت است. می گویم کل. برای نمونه اگر تظاهرات عظیم عاشورا را در نظر بگیریم و ارقام را جمع بزنیم: تازه کودکان، افراد ناتوان، افراد مسن و بخشی از زنانی را که در خانه ماندند کنار بگذاریم و آنها را به حساب نیاوریم، ریخته بودند و فریاد «مرگ بر شاه» را سر داده بودند، به استثنای مشتی آدم‌های انگل که در حقیقت از قبل رژیم ارتزاق می کردند. حتی افرادی که مدت ها با رژیم بودند و تا یک ماه پیش طرفدار سلطنت مشروطه بودند، نیز فریاد «مرگ بر شاه» را سر دادند. این لحظه حیرت آور پی نظیری بود که باید بماند. البته بدیهی است که بعداً امور سر و سامان خواهند گرفت و اقشار و طبقات مختلفی پیدا خواهند شد.

فوکو: در بین ویژگی های این رخداد انقلابی به این حقیقت باید اشاره کرد که این انقلاب، یک اراده مطلقاً جمعی را به منصفه ظهور رسانیده است و در تاریخ، ملت های معدودی به چنین موفقیتی دست یافتند. اراده جمعی، اسطوره ای است سیاسی که حقوق دانان و فلاسفه، سعی دارند به کمک آن به تحلیل یا توجیه نهادهای، تأسیسات و غیره بپردازند. یک ابزار تئوریک است، کسی تاکنون «اراده جمعی» را به عینه مشاهده یا لمس نکرده است، و من شخصاً فکر می کردم که اراده جمعی، مقوله ای مانند خدا، یا روح است، چیزی که هرگز نمی توان آن را به چشم دید. نمی دانم با نظر من موافقید یا خیر، ولی ما در تهران و در سراسر ایران اراده جمعی یک ملت را به وضوح مشاهده کردیم. خوب با این توصیف شما باید در برابر آن سر تعظیم فرود آوریم، این چیزی نیست که هر روز رخ دهد. وانگهی (و در اینجا می توان از معنای سیاسی) امام [خمینی صحبت کرد] این اراده جمعی معطوف یک هدف، یک آماج و فقط یکی، آن هم هزیمت شاه بود. این اراده جمعی که در تئوری های ما، همواره جنبه عام و کلی دارد، در ایران هدفی کاملاً روشن و خاص برای خود پیدا کرده است و از این رو ناگهان سر از تاریخ درآورده است. البته در مبارزات استقلال طلبانه و در جنگ های ضد



استعماری، می توان پدیده های مشابهی یافت. در ایران احساسات ملی بسیار نیرومند است: نفی انقیاد و تسلیم در برابر بیگانگان، نفرت در قبال غارت و چپاول منابع ملی، طرد سیاست خارجی وابسته، مخالفت با دخالت همه جانبه و آشکار آمریکا، جملگی عناصر شاخص در معرفی شاه به عنوان عامل غرب بوده اند. لیکن به اعتقاد من، احساس ملی تنها یکی از عوامل و عناصر سازنده انکار رادیکال تری نزد این ملت بود: انکار و طرد نه تنها بیگانگان، بلکه انکار تمام آنچه که سال ها و قرن ها سرنوشت سیاسی وی را رقم زده بود.

پی یر بلانشه: ما در سال ۱۹۶۷، در اوج دوران لین پیانو به چین رفتیم، در آن ایام نیز این احساس را داشتیم که در آنجا این اراده جمعی حضور دارد. در هر حال چیز بسیار نیرومندی در شرف وقوع بود، تمایلی بسیار عمیق از سوی کل ملت چین، مثلاً در خصوص روابط میان شهر و روستا، روشنفکران و کارگران یدی، به بیان دیگر راجع به تمام مسائلی که امروزه در چین به شیوه مرسوم سنتی حل و فصل شده اند. در پکن این احساس را داشتیم که چینی ها در شرف تکوین ملتی «در حال ادغام» بودند. بعدها متوجه شدیم که تا حدودی از چینی ها فریب خورده بودیم. این نیز درست است که تا حدودی ما خودمان باعث فریب خود شدیم و به همین دلیل است که بعضاً تردید داریم که در مورد ایران دست خوش احساسات و هیجانات شویم. به هر حال بین کارزمای مائوتسه تونگ و امام خمینی وجه مشترکی وجود دارد، بین



نحوه سخن گفتن مبارزان جوان مسلمان از امام آخمینی و نحوه حرف زدن اعضای گارد سرخ از مائو چیژ مشترکی به چشم می خورد. فوکو: مع ذلک، انقلاب فرهنگی یقیناً به عنوان مبارزه ای بین عناصر معینی از ملت و عناصر معین دیگر، عناصر معینی در حزب و عناصری دیگر، یا بین ملت و حزب و... مطرح شد؛ اما آنچه اکنون در ایران مایه شگفتی و حیرت من می شود این است که مبارزه یا اختلافی بین عناصر مختلف به چشم نمی خورد. آنچه مایه زیبایی، گیرایی و در عین حال جاذبه انقلاب ایران می شود این است که تنها یک صف بندی و یک رویارویی وجود دارد: صف بندی بین کل ملت و دولتی که با تسلیحات و نیروی انتظامی خود این ملت را تهدید می کند. نیازی نبود که آدم خیلی دور بروی، بلافاصله در یک سوی کل اراده ملت را می دید و در سمت دیگر مسلسل ها را. مردم تظاهرات می کردند، تانک ها می رسیدند. تظاهرات تکرار می شد، مسلسل ها مجدداً به روی مردم آتش می گشودند؛ و این کار تقریباً به طور یکسان و البته هر بار با شدت بیشتر ولی بدون کم ترین تغییری در شکل یا ماهیت آن، تکرار می شد. این تکرار تظاهرات است. خوانندگان مطبوعات و نشریات غربی باید خیلی زود از آن خسته شده باشند. آه، باز هم تظاهراتی دیگر در ایران! ولی من معتقدم که تظاهرات حتی صرف تکرار آن، معنای سیاسی عظیمی داشت. خود واژه تظاهرات را باید به طور دقیق و عینی در نظر گرفت: ملتی بدون خستگی اراده خود را تظاهر می کرد (به نمایش می گذاشت). البته تنها به خاطر تظاهرات نبود که شاه مملکت را ترک کرد؛ ولی نمی توان منکر این واقعیت شد که یک علت خروج شاه از کشور این بود که وی در مقابل نوعی انکار

لحظاتی که دل از یاد تو غافل بوده
رفته این عمرِ گرانمایه هدر، یا مهدی!
علی اصغر یونسیان



و طرد تظاهر شده بی وقفه ای قرار گرفته بود. در این تظاهرات بین کنش جمعی، مراسم و آیین های مذهبی، و تجلی حقوق عمومی نوعی پیوند وجود داشت. این بیشتر شبیه تراژدی های یونانی است که در آنها مراسم و آیین های دسته جمعی و تأکید بر میانی حقوقی دوشادوش هم پیش می روند. در خیابان های تهران نوعی اقدام یا نمایش اجرا می شد، نمایش سیاسی و حقوقی که به طور دسته جمعی در قالب مراسم مذهبی اجرا می شد؛ یعنی نمایش خلع شاه از سلطنت.

پی یر بلانشه: در قضیه «اراده جمعی» آنچه که مایه حیرت و شگفتی من شد – البته همین جا بگویم که من هم مسحور و مفتون ایران شده بودم و هم بعضاً تا حدودی عصبانی می شدم – این بود که مثلاً دانشجویان نزد من می آمدند و می گفتند: «ما همه مثل هم هستیم، ما همه یکی هستیم، همه مسلمان هستیم، طرفدار قرآنیم، همه مسلمان هستیم، هیچ اختلافی بین ما نیست. آیا مطمئن باشیم که می نویسید: «ما همه مثل هم هستیم». ولی ما خیلی خوب می دانستیم که اختلافاتی وجود دارد، مثلاً به خوبی می دانستیم که روشنفکران، بخشی از اقشار بازاری و طبقات متوسط از این که خیلی جلو بروند، می ترسیدند. با این حال آنها هم آمدند. این چیزی است که نیاز به توضیح دارد.

فوکو: البته. در آنچه که در ایران رخ می دهد حقیقت چشمگیری وجود دارد. در ایران حکومتی تا بُن دندان مسلح سر کار بود که ارتش عظیمی در اختیار داشت، ارتشی که بیش از آنچه بتوان فکرس را کرد به رژیم وفادار بود و پلیسی



ای مهدی فاطمه، نهضت ادامه دارد...

مهدویت در شعار انقلابیون

بسیار شنیده‌ایم که یکی از پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی، اندیشه مهدویت است. این حقیقت در بین انواع شعارهای دوران انقلاب اسلامی در دیوارها و راهپیمایی‌ها دیده و شنیده می‌شود. آنچه که تقدیم می‌شود بخشی از این شعارهاست که در کتاب جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی نوشته دکتر محمد حسین پناهی به ثبت رسیده است.

مهدی بیا شاه مسلمان شده
روز و شب مسلمین شام غریبان شده

یا حجه‌بن الحسن دل‌ها پریشان شده
قبر امام هشتم گلوله‌باران شده

مرجع ما سکوت را شکسته
به جای صاحب الزمان نشسته

مهدی بیا شاه مسلمان شده
آب وضو خون جوانان شده

حکومت جهانی ایجاد باید گردد
دست ابرقدرت‌ها کوتاه باید گردد

حکومت متقین
نجات مستضعفین

گل‌های ما پرپر شده مهدی جان
خون به دل رهبر شده مهدی جان

مهدی بیا شاه مسلمان شده
قبر امام هشتم گلوله‌باران شده

یا حجت الله دل ما کباب است
وضع زمانه در انقلاب است

مهدی امام زمان! برس به فریاد ما
که شاه آدم کشان کشته جوانان ما

یا حجت بن الحسن العسکری
مرگ بر این سلطنت پهلوی

ای مهدی فاطمه نهضت ادامه دارد
برای حفظ اسلام جان ارزشی ندارد



نبود، دقیقاً به این خاطر که روح جهان فاقد روح، به شمار می‌آمد.

کلر بر بر: من باب توضیح مطالبی که هم اکنون گفتید - این که «در ایران، تظاهرات واقعاً تظاهرات است» - فکر می‌کنم بهتر است از واژه «شاهد» اشهادت دادن استفاده کنیم. در ایران مردم مدام از حسین (علیه السلام) حرف می‌زنند. باری، این حسین کیست؟ یک «تظاهر کننده»، یک شاهد - یک شهید - که با تحمل رنج و مصیبت علیه بدی‌ها به پا می‌خیزد و تظاهر می‌کند؛ کسی که مرگش شکوهمندتر و با عظمت‌تر از زندگی کسی است که بر او چیره شد. مردمی که با دست‌های خالی خود تظاهرات کردند نیز «شاهد» بودند. آنان به جنایات شاه و ساواک و قساوت‌های رژیم شهادت دادند که می‌خواستند از شر شرارت‌هایی که این رژیم تجسم عینی آن به شمار می‌رفت، خلاصی یابند.

۱. مطلب حاضر ترجمه ای است از:

Lawrence D. Kitzman(ed.), Michel Foucault: Politics, Philosophy, Culture: Interviews & Other Writings, 1977-1989. ch. 12pp. 211-224, Iran: The Spirit of a World Without Spirit. translated by Alan Sheridan. (New York & London: Routledge, 1990).

برگرفته از کتاب فلسفه تاریخ (روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری)، ترجمه و تدوین حسینعلی نودری، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۹.

از همه، نخست باید خودمان را متحول سازیم. نحوه زندگی‌مان، روابطمان با دیگران، با تمامی امور، با ابدیت، با خدا و با هر چیز دیگر باید کاملاً متحول شوند، تنها در صورتی که چنین تحول ژرفی در زندگی ما رخ دهد، یک انقلاب حقیقی و راستین خواهیم داشت». به اعتقاد من در اینجا است که اسلام نقش خود را ایفا نمود. شاید فلان یا بهمان تعهدات، فلان یا بهمان قواعد اسلامی است که این همگی شیفتگی و افسون ایجاد کرده است. اما مهم‌تر از همه، مذهب در ارتباط با روش زندگی خاص آنان، برایشان همانند یک موعود و تضمین‌گر دست یافتن به چیزی بود که می‌توانست ذهنیت آنان را به گونه‌ای رادیکال متحول سازد. تشیع دقیقاً شکلی از اسلام است که با آموزه‌ها و محتوای باطنی خود بین صرف اطاعت از قوانین و زندگی عمیق معنوی، تمیز قائل می‌شود. وقتی می‌گوییم آنان در تعالیم و آموزه‌های اسلام در پی ایجاد تحولی در ذهنیت خود بودند، این نظر با واقعیت وجود کاربست‌های سنتی اسلامی که در عین حال تعیین‌کننده هویت آنان بود، مغایرتی ندارد. آنان با این نحوه زندگی مطابق با دین اسلام به عنوان یک نیروی انقلابی، خواهان چیزی غیر از صرف اطاعت کورکورانه از قوانین هستند. آنان از طریق بازگشت به تجربه معنوی که معتقدند می‌توانند در اسلام تشیع آن را پیدا کنند، خواهان تجدید بنای کل هستی (حیات) خود هستند. خیلی‌ها همواره به مارکس و عبارت معروفش «افیون توده‌ها» استناد می‌کنند، ولی هیچ‌گاه نشده که به جمله‌ای که درست بلافاصله پیش از این عبارت آورده و می‌گوید: «مذهب، روح دنیای فاقد روح است» کم‌ترین اشاره‌ای نکنند. پس با این توصیف اجازه بدهید صراحتاً بگویم که اسلام در سال ۱۹۷۸، هرگز افیون توده‌ها

که کارآیی چندانی نداشت، ولی خشونت و قساوت‌های آن اغلب فقدان کارآیی آن را جبران می‌کرد: وانگهی رژیم حاکم بر ایران، رژیمی بود مورد حمایت مستقیم ایالات متحده؛ خلاصه کلام اینکه رژیمی بود که از حمایت کل جهان برخوردار بود، از حمایت کشورهای بزرگ و کوچکی که دور و برش را گرفته بودند؛ به عبارت دیگر تمام برگ‌های برنده را در اختیار داشت، البته به علاوه درآمدهای عظیم نفتی برای دولت که هر طوری دلش می‌خواست آن را مصرف می‌کرد. لیکن با وجود تمام اینها، ملتی برای قیام به پا خاستند: البته این قیام و خیزش بر بستری از بحران‌ها و مشکلات اقتصادی نیز استوار بود؛ لیکن در آن زمان مشکلات اقتصادی در ایران آن قدر جدی نبود که بتواند ملتی را در گروه‌های صد هزار نفری، در گروه‌های میلیونی به خیابان‌ها بکشانند و سینه‌های عریان خود را سپر گلوله‌ها سازند. این پدیده‌ای است که باید راجع به آن صحبت کنیم.

پی‌یر بلانشه: در مقام مقایسه، حتی شاید مشکلات و بحران‌های اقتصادی ما به مراتب عظیم‌تر از مشکلات اقتصادی ایران در آن ایام باشد.

فوکو: شاید، اما گیریم که مشکلات اقتصادی خیلی هم جدی بوده باشند، با این حال باید این نکته را توضیح دهیم که چرا ملتی به پا خاستند و گفتند: ما بیش از این، چیزی نداریم. ایرانیان در این خیزش قبل از هر چیز به خودشان گفتند - و شاید همین خود روح این قیام است - که «قطعا باید این رژیم را عوض کنیم و از شر این مرد خلاص شویم، باید این تشکیلات فاسد را در هم بریزیم، باید کل کشور را متحول سازیم، سازمان سیاسی، نظام اقتصادی و سیاست خارجی مملکت خود را باید دگرگون سازیم. ولی مهم‌تر



کتابخانه مهدوی

برگی از کتاب:

اگر کسانی که در حدود دهه شصت یا پیش از آن به مسجد جمکران واقع در حاشیه شهر قم رفته باشند، مشاهدات خود را با آنچه اکنون در آنجا می‌بینند مقایسه کنند به افزایش بسیار زیاد زائران این مکان مقدس اذعان خواهند کرد.

مسجد جمکران یکی از مهم‌ترین نمادهای مهدوی و مکانی منتسب به امام زمان (عج) و مرتبط با ایشان شمرده می‌شود. از بنای نخست این مسجد که بر پایه نقلهای تاریخی به دستور امام زمان (عج) در اوایل غیبت کبری ساخته شده، حدود هزار سال می‌گذرد. در این مدت طولانی این مسجد، مسجدی کوچک بی رونق و رها در کنار روستایی در حاشیه شهر قم بوده است. اما بنا بر اعلان شاهدان عینی و برخی آمارها در دو سه دهه اخیر آمار زائران مسجد جمکران به شدت افزایش یافته است. این افزایش، پیش از آنکه متأثر از حضور مردم قم در مسجد باشد نتیجه حضور مردم ایران از استان های گوناگون است و در این افزایش، پیش از آنکه خود مسجد جمکران موضوعیت دارد؛ زیرا جمکران نمادی از امام مهدی عج مهدویت در ایران است. به راستی علت این پدیده جدید که نشانه ای از رشد مهدویت در ایران است، چیست؟ در این دو سه دهه چه اتفاق جدیدی رخ داده که در حدود ده

قرنی که از تاریخ ساخت مسجد می‌گذرد به وقوع نپیوسته بود؟ پاسخ ابتدایی به این پرسش، پدیده انقلاب اسلامی است. البته ما فقط به این مورد بسنده نخواهیم کرد و به مصداق‌های دیگری از مهدویت‌گرایی که در جامعه مشهود است خواهیم پرداخت...

کتاب: انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران
نویسنده: غلامرضا پرهیزکار
ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی
امام خمینی (عج)



به وضع مطلوب، انتظار بذر انقلاب، انتظار احتراز یا اعتراض و غیره، مباحثی است که در فضای انقلاب دیده می‌شود. انقلاب اسلامی، تنها الگوی عملی برداشت صحیح از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی چون قیام ضد بی‌عدالتی‌ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه‌جویی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان مشروع را به دنبال داشته است.

حضرت امام در برخی از حوزه‌های علوم دینی تحول آفرید که اندیشه مهدویت نیز بی نصیب نبود. ایشان درباره لزوم زمینه سازی و نقش اجتماعی انتظار می‌فرماید: «ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: «عجل علی فرجه»، عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند»^۱.

تحولات جاری در منطقه و عرصه بین الملل و رویکرد دینی و معنوی بشر معاصر و امواج وسیع اسلام‌خواهی و بیداری اسلامی در جهان - به ویژه دنیای غرب - مؤید این واقعیت است که امام خمینی (عج) با هدایت و رهبری بزرگ‌ترین انقلاب مردمی در واقع، آغازگر کوشش ویژه در راستای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر (عج) است. بنابراین از آن روزها (دیروز) و این روزها (امروز) باید درس گرفت و زمینه ساز (فردا) شد.

۱. معاونت پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۶۹.

محمدرضا فزادیان

مقایسه فرهنگ انتظار در گذشته با حال، تغییراتی را نشان می‌دهد که توجه به آن یکی از دست آوردهای انقلاب اسلامی ایران را تابناک‌تر می‌سازد. شما فکر می‌کنید سطح مباحث مهدویت در دوران قبل از انقلاب چگونه بود؟

آن روزها

در آن روزها توجه به امام مهدی (عج) تنها به عنوان منجی موعود و نجات‌بخشی که در آینده‌ای نامشخص می‌آید و به همه دردها و نابرابری‌ها پایان می‌دهد. یعنی تمرکز و نقطه ثقل مباحث مهدویت بر عصر ظهور استوار می‌شد و هیچ چشم‌انداز روشنی برای اصلاح امور و بهبود وضع جامعه در عصر غیبت نبود، وظایف منتظران در دعا برای تعجیل فرج خلاصه شده بود و تنها در جامعه، ولایت‌ورزی (تولی) موج می‌زد و توجهی به برائت جویی (تبری) از دشمنان حضرت دیده نمی‌شد و به جای زدن ریشه انحراف، به اصلاح شاخ و برگ اکتفا می‌شد. ضمن آنکه برداشت مناسبی از مفهوم انتظار، در جامعه دیده نمی‌شد، حتی برخی‌ها انتظار را به یکی از عوامل رکود و انفعال و انزواگرایی سیاسی تبدیل کرده بودند.

انتظار منفی و تعطیلی حکومت، کمک به گسترش ظلم بر جامعه ایران، چیره و غالب گشته بود. به نظر می‌رسد تجربه تاریخی این نگاه را به این ذهنیت رسانده بود که تنها دو مدل حکومت وجود دارد: حاکمیتی: حکومت امام معصوم علیه السلام و حادقلی: حکومت امیر ستمگر که نمی‌تواند مشروع باشد و صحبتی از حد متوسط و ایجاد جامعه زمینه‌ساز نبود؛ به عبارت دیگر اندیشه مهدویت در جایگاه یک گزاره دینی، بحث و بررسی می‌شد و روح حاکم بر دین اسلام نبود و رویکرد غالب اندیشوران، معطوف به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه و دیگر مسائل مهدوی به صورت موردی و جزئی بود. نگاه سطحی و عاطفی به آموزه مهدویت، رویکرد غالب آن روزهاست. بحث‌های بسیار ساده و پیش پا افتاده از این فرهنگ در آن دوران بود که سبب می‌شد نقلیات و روایات تاریخی «متضاد» و «متناقض» مطرح شده و اساساً تحلیل درباره آن نبود. این خود عاملی می‌شد تا به عمق اندیشه مهدوی نظر و توجه نشود و از سوی دیگر مهجوریت و مغلوبیت سیاسی - اجتماعی در قرون متمادی، عاملی شد تا، به آموزه مهدویت رویکردی «عاطفی» داشته باشند؛ در نتیجه از کانون اندیشه مهدویت، کمترین بهره‌برداری معرفتی - معنوی انجام شود و اصلاً نگاه دکتترین به آن نباشد و هیچ گاه به عنوان علمی بین رشته‌ای مطرح نشد. شما در آثار مکتوب قبل از انقلاب رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و. در مباحث مهدویت مشاهده نمی‌کنید.

این روزها

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، نگاه و رویکرد اندیشوران مسلمان و حتی غیر مسلمان به این اندیشه نیز تغییر یافت و دیگر مانند گزاره‌ای هم ردیف سایر گزاره‌های دینی به تحقیق در باره آن پرداخته نشد و به جای آنکه فقط هویت‌آفرین باشد، آرمان‌زایی نیز مورد توجه و دقت قرار گرفت.

انقلاب اسلامی ایران که وامدار و مدیون این اندیشه است و قطعاً یکی از اسباب پیروزی انقلاب آرمانهای مهدوی است، چارچوب‌های نظری و سستی و رهیافت توصیفی و گزارش گونه از آموزه مهدویت را ارتقا و سطح مباحث را قوت و عمق بخشید. حتی این آموزه خاستگاهی شد برای اصول راهبردی تا این آموزه بیش از پیش در متن زندگی مردم وارد شود. تلاش برای رسیدن به جامعه منتظر پیش از ظهور، توجه به نقش و جایگاه امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت کبریا، حاکمیت جهانی اسلام به رهبری امام معصوم علیه السلام و غیره از عناصر و مؤلفه‌های چنین رویکردی است.

تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت از یک مسأله فرعی به عنصری سیاسی، حماسی و تحول آفرین، از دستاوردهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی با تمسک به این آموزه، برای همگان هویتی مهدوی پدید آورد؛ هویتی که آدمی را به هدفی مقدس در جهت پی گیری آرمان‌های بلندش فرا می‌خواند. آموزه مهدویت نه تنها «هویت مهدوی» می‌سازد، بلکه رفتارها، کنش‌ها و هنجارهای جدیدی را پدید آورده و آرمان بوجود خواهد آورد.

به عبارت دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه انتظار که سال‌ها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و در یک کلمه، در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب تعریف می‌شد، مفهومی دیگر یافت. این بار، «انتظار» نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد. راضی نبودن به وضع موجود و تلاش برای رسیدن

مروری بر تحول فرهنگ انتظار
در قبل و بعد از انقلاب اسلامی

آن روزها، این روزها

تو بهاری، آفتابی، هر چه هستی، گفته‌اند:
جمعه‌ای می‌آورند، جاده‌ها بر شانه‌ها
حسن صادقی پناه



فرهنگ مهدویت، جوهرهٔ انقلاب اسلامی

✽ غلامرضا صالحی

۱ به دست آوردن زندگی با معنا و هدف دار

انسان با پا گذاشتن بر این کره خاکی مسئولیت‌ها و وظایفی برایش پدید می‌آید که درسایه انجام آنها می‌تواند به سعادت واقعی برسد. انسان بیهوده و سرگردان خلق نشده است و تمامی صحنه‌های این دنیا برای او مکان آزمایش و امتحان الهی می‌باشد. «افحسبتم اهما خلقنا کم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون؛ آیا خیال می‌کنید ما شما را عبث آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید».^۱

مردم ایران در دوران رژیم طاغوت از یک حیات الهی و هدف‌مند، منع شده بودند و هیئت حاکم، زندگی را چیزی جز دنیاپرستی و شهوت‌رانی و بی بند و پاری و مد پرستی و باج دادن به استعمارگران نمی‌دانست و علناً مانند دوران زندگی امام حسین (علیه السلام) دین مقدس اسلام رو به انحراف کشیده شده و به احکام دین عمل نمی‌شد و مردم از چنین شرایطی به تنگ آمده بودند.

امام خمینی (رحمه الله) دراین باره می‌فرماید: «رفتن به انگلیس و فرانسه و مسکو افتخاری پرارزش بود و به حج و یا اماکن

متبرکه رفتن، کهنه پرستی و عقب ماندگی به حساب می‌آمد و بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانه‌های روشنفکری و تمدن حساب می‌شد.^۲ یکی از مشخصه‌های حکومت مهدوی ایجاد حیات طیبیه و دمیدن روح معنویت در جامعه است. چنانچه در روایتی از امام حسین (علیه السلام) می‌خوانیم: «حضرت مهدی (علیه السلام) امامی است که قیام به حق می‌کند و خداوند زمین را پس از آنکه با کفر و بی‌دینی مرده است به وسیله او زنده می‌کند».^۳ مردم ایران اسلامی با تبعیت از آرمان مهدویت این چنینی توانستند یک زندگی سعادت‌گونه و طیب و طاهر را برای خویش رقم بزنند که در چنین جامعه‌ای بتوان در راستای هدف خلقت و رسیدن به کمالات معنوی و مادی گام برداشت.

۲ فرو ریختن بنیاد ستم و حکومت نامشروع

از خصوصیات اصیل همگی انبیا و اوصیای الهی باطل ستیزی بوده است و در هر زمانی فرعون‌هایی یافت می‌شوند که عرصه را برای عدالت الهی تنگ می‌کردند و در این جا این وظیفه فرستادگان و اولیای الهی بود که باید روبروی آن می‌ایستادند و تا آن را از بین نبرند ساکت نشوند. چنان چه قرآن کریم، ایمان واقعی را در دشمن ستیزی و نفی طاغوت معرفی می‌کند: «فمن یکفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی؛ کسی که با طاغوت دشمنی کند و ایمان به خدا بیاورد او به ریسمان محکم تقوی دست زده است».^۴

حضرت مهدی (علیه السلام) با قیام مقدس خویش تمامی طاغوت‌های زمان را نابود می‌کند و حکومت مشروع الهی را برجهان سیطره می‌دهد. امام کاظم (علیه السلام) دراین باره می‌فرماید: «او دوازدهمین ما ائمه است خداوند هر مشکلی را برایش آسان می‌کند و هر گردن کشی را به وسیله او سرکوب می‌کند. گنج‌ها و معادن زمین برای او پدیدار می‌شود و هرچه دوری برایش نزدیک می‌شود. ستمگران بی دین را نابود می‌کند و شیاطین متمرّد را به هلاکت می‌رساند».^۵

ملت ایران اسلامی نیز خواهان حکومت الهی و دینی بودند و با درس‌گیری از مکتب امام حسین از دستگاه نامشروع و یزیدی بیزار بودند و می‌خواستند هر طور که شده اساس چنین حکومتی را از بین ببرند طاغوتی که جز ترویج مذهب لائیک و لیبرالیسم و مادی‌گرایی چیزی در بر نداشت و این حکومتی که از غرب و شرق عالم دستور می‌گرفت و یک خود باختگی همگانی را برای آنان به ارمان می‌آورد را متزلزل ساختند.

همان گونه که امام راحل فرمودند: «ملت عزیز سرتا پا معتقد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی را نجات دهد و بشر را از قیودی که بردست و پای و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و سستی و بردگی و طاغوت می‌کشاند نجات دهد. آمریکا با همه ادعایش و همه ساز و برگش در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیه الله رسوا و وامانده گشت و این امداد غیبی خداوند بود که ملت ایران را بیدار کرد و از ظلمات شاهنشاهی به نور اسلام هدایت کرد».^۶

۳ در خشی در وادی ولایت و رهبری الهی

یکی از ویژگی‌های مهم انسان‌های هدفمند و وارسته تبعیت از محبت الهی و حاکم دینی مشروع می‌باشد که این یکی از شاخصه‌های مهم یک حکومت دینی می‌باشد. اگر حضرت امیرالمؤمنین را گوشه نشین نمودند و نزدیک به ۲۵ سال از حق مسلم و مشروعش محروم ساختند و اگر امام حسن مجبور به صلح با طاغوت زمان خویش شد و اگر امام حسین (علیه السلام) را غریبانه و مظلومانه در کربلا به شهادت رساندند و اگر هر کدام از ائمه معصومین این محبت‌های بزرگ الهی را به نحوی گوشه نشین نمودند همه به خاطر بی وفایی یاران و وظیفه شناسی مردم زمان آنها بود که از اطراف آنان پراکنده می‌شدند. چنان که امام حسن (علیه السلام) از پیمان شکنی مردم گله می‌کند و چنین می‌فرماید: «اگر یارانی داشتیم که درجنگ با دشمنان خدا با من همکاری می‌کردند هرگز خلافت را به معاویه واگذار نمی‌کردم زیرا خلافت بر بنی امیه حرام است...»^۷ یکی از ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) یاران وفادار و مستحکم آن حضرت می‌باشد که حاضرند با تمام وجود در راه احیای ارزش‌های الهی و اسلامی در صحنه حاضر باشند و دست از دفاع از حریم ولایت و خاندان اهل بیت نکشند. امام صادق دروصف آنان چنین می‌فرماید: «اصحاب حضرت مهدی هرکدام برابر چهل نفر توانایی و قدرت (الهی) دارد و دارای قلبی محکم و قوی مانند پاره‌های آهن هستند».^۸

ملتی که دوشادوش امام عزیزمان را گرفته بودند و این انقلاب را به ثمر رساندند کسانی بودند که می‌دانستند باید از ولی فقیه حمایت نمود و ازحول محور ولایت و رهبری یک لحظه غفلت نکردند و با تبعیت از امام و مقتدایشان که محور اسلام و قرآن بود توانستند حکومت ستم‌شاهی پهلوی را واژگون سازند و بی شک می‌توان رمز پیروزی این انقلاب و همچنین بقای آن را در اتحاد و همبستگی حول محور ولایت و رهبری الهی دانست و این همان چیزی است که دشمنان به آن معترفند و یکی از وظایف اصلی همه مردم عزتمند ایران دفاع و مواظبت از این رکن اصیل انقلاب می‌باشد. بی شک می‌توان ملت ایران را از سایر ملت‌های دنیا حتی از مردم زمان ائمه در پیروی از آرمان‌های اسلام و قرآن برتر و عظیم‌تر دانست و نمونه عینی و خارجی از یک ملت الهی و اسلامی به شمار آورد همچنانکه امام عزیزمان دراین باره فرمودند: «من باجرات مدعی هستم که ملت ایران وتوده میلیونی ان درعصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین وحسین ابن علی می‌باشند».^۹

۱. محمد / ۷

۲. مومنون / ۱۱۵.

۳. امام خمینی. وصیت نامه سیاسی الهی. ص ۱۵

۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۵. بقره / ۲۵۶.

۶. بحارالانوار، همان، ص ۱۵۱.

۷. امام خمینی، همان، ص ۵.

۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۹. امام خمینی، همان، ص ۱۲.



ای نهان عطرها، بر شاخه سار!
کی خزان غیبتت گردد بهار؟
احمد عزیزی

تو آن دلیل خدایی که حاضری اَمّا
برای آمدنت ندبه خوانده‌ام؛ آقا

خدا کند که بتابی به باور مردم
و گل کنی به بلندی عشق در دل‌ها

تو فصل آخر منظومه خدایی عشق
تمام سوره یاسین، طلّیعه طاهّا

قیام حتمی عشقی، قعود در قلبم
سراذقات جمال تو، جنت المآوا

بیا که بی تو چه سرد است فصل ایمانم
و با تو سبز و بهاری، تمام باورها

رضا محمدی صالحی

با ظهورش می‌شود تقسیم لبخند خدا
و نرید آن نمّ و عده دیدار ما

می‌رود از بام دل این اضطراب بی صدا
می‌زند بر چشم شعرم سر مه نور خدا

تا کتاب چشم نرگس شد مرور از عمق جان
پرسشی هرگز نماند از درون ماجرا

نام او سر حلقه قاب زمین و هم زمان
آفتاب لم یزل، هم کهکشان راه ما

ای حضور حضرت ظهر تمام سایه‌ها
نیمه جانم شوی ای ماه کامل بی‌ریا

شعبه‌ای از عشق تو سر فصل جانم می‌شود
انشعاب ثروت دنیا و عقبایم شما

فاطمه خواجویی‌راد

همیشه رهسپرم سوی جاده خورشید
منم مسافر پای پیاده خورشید

چه فرق می‌کند از پشت ابر هم باشد
به طالبش برسد استفاده خورشید

منم که کاسه به دستم منم که تاریکم
دو جرعه نور دهیدم ز باده خورشید

اگر چه دورم از آقای خود ولی از او
جدا نگشتنی‌ام چون بُراده خورشید

چنین نوشته خدا در شناسنامه دل
منم غلام مه و بنده زاده خورشید

سلام می‌دهم از عمق این دل تاریک
به آخرین پسر خانواده خورشید

محسن عرب‌خالقی

ساعت رسیده رأس قرار دوازده
دردی نشسته گوشه کنار دوازده

خورشید رفته عشق بیارد بر ایمان
در پشت ابر مانده تبار دوازده

در لایه لای غربت خود غوطه می‌خورد
در سیل اشک، دار و ندار دوازده

ساعت هنوز عاشق وقت رسیدن است
افتاده باز دور مدار دوازده

دست زمان به صورت آن ماه قد نداد
بالا گرفته قامت یار دوازده

ساعت از انتظار سرش درد می‌کند
حتی زمین شده است دچار دوازده

در ایستگاه عقریه‌ها ایستاده‌ایم
چشم انتظار سوت قطار دوازده!

مرضیه عاطفی

بیا که بی تو چه سرد است، فصل ایمانم



این فرزندت باقی می‌ماند، اما آن دیگری...

روایت امام عسکری (ع) و انوش نصرانی



فرزند مریض نمود و اظهار داشت: «این فرزندت باقی می‌ماند و ترسی بر آن نداشته باش؛ و اما آن دیگری تا سه روز دیگر می‌میرد، آن فرزندت که زنده می‌ماند مسلمان خواهد شد و از مؤمنین و دوستان ما اهل بیت قرار خواهد گرفت».

انوش نصرانی گفت: «به خدا سوگند، ای سرورم! آنچه فرمودی حق است و چون خبر دادی که یکی از فرزندانم زنده می‌ماند، از مرگ دیگری واهمه‌ای ندارم و خوشحال هستم از این که پسر ماسلام می‌آورد و از علاقه‌مندان شما اهل بیت رسالت قرار می‌گیرد». یکی از روحانیون مسیحی، انوش را مخاطب قرار داد و گفت: «ای انوش! تو چرا مسلمان نمی‌شوی؟» وی پاسخ داد: «من اسلام را از قبل پذیرفته‌ام و نیز مولا یم نسبت به من آگاهی کامل دارد».

در این موقع، حضرت ابومحمّد، امام عسکری (ع) اظهار نمود: «چنانچه مردم برداشت بدی نمی‌کردند، مطالبی را می‌گفتم و کاری می‌کردم که آن فرزندت نیز سالم و زنده بماند».

انوش گفت: «ای مولا و سرورم! آنچه را که شما مایل باشید و صلاح بدانید، من نیز نسبت به آن راضی هستم».

جعفر بصری گوید: یکی از پسران انوش نصرانی همین طور که امام (ع) اشاره کرده بود، بعد از سه روز از دنیا رفت و آن دیگری پس از بهبودی مسلمان شد و جزء یکی از خادمین حضرت قرار گرفت.

مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر، ج ۷، ص ۲۷۰-۲۷۲.

جعفر بن محمد بصری حکایت کند: روزی در محضر حضرت ابومحمّد، امام حسن عسکری (ع) بودیم. یکی از مأمورین خلیفه وارد شد و گفت: «خلیفه پیام داد که چون انوش نصرانی یکی از بزرگان نصاری در شهر سامرا است و دو فرزند پسرش مریض و در حال مرگ هستند، تقاضا کرده‌اند که برویم و برای سلامتی ایشان دعا کنیم. اکنون چنانچه مایل باشید، نزد ایشان برویم تا در نتیجه به اسلام و خاندان نبوت، خوش بین گردند».

امام (ع) از این معرفت، خدا را شکر کردند. سپس آماده حرکت شد، لذا شتری را مهیا کردند و امام (ع) سوار شتر شد و رهسپار منزل انوش گردید. همین که حضرت نزدیک منزل انوش نصرانی رسید، ناگهان متوجه شدیم انوش سر و پای برهنه به سوی امام (ع) می‌آید و کتاب انجیل را بر سینه چسبانده است، همچنین دیگر روحانیون نصاری و راهبان، اطراف او در حال حرکت هستند. چون جلوی منزل به یکدیگر رسیدند، انوش گفت: «ای سرورم! تو را به حق این کتاب - که تو از ما نسبت به آن آگاه‌تر هستی و تو از درون ما و آئین ما مطلع هستی - آنچه را که خلیفه پیشنهاد داده است انجام بده؛ همانا که تو در نزد خداوند، همچون حضرت عیسی مسیح (ع) هستی».

امام حسن عسکری (ع) با شنیدن این سخنان، حمد و ثنای خداوند را به جای آورد و سپس وارد منزل نصرانی شد و در گوشه‌ای از اتاق نشست. جمعیت همگی سر پا ایستاده و تماشای جلال و عظمت فرزند رسول خدا (ص) بودند، بعد از لحظاتی حضرت لب به سخن گشود و اشاره به یکی از دو

در خانه علی (ع) و فاطمه (ع) دختری طلوع می‌کند که از تلاقی لبخند و اشک، شادی و حزن، تصویری شگفت می‌آفریند؛ تصویری که ۵۶ سال بعد، کربلا آن را تفسیر می‌کند. درخت پر ثمری که خلق و خوی دو دریای وجود علی (ع) و فاطمه (ع) را در خود جمع کرده است.

زینب مگو، حیدری کلام و فاطمی کمال. زینب مگو، نگاهبان گوهر امامت. زینب مگو، کوه صبر و استقامت. آری تولد زینب است.

این میلاد، فقط تولد زینب نیست؛ تولد صبر همه برگزیدگان خداست. تولد ذوالفقار دیگر علی (ع) در کربلا و کوفه و شام است. تولد زبان علی (ع) در حنجره خشمگین و غمبار زهرایی دیگر است سلام بر صبر و سلام بر زینب.

سلام بر درایت و کیاست و سلام بر زینب.

سلام بر عبادت و سلام بر زینب.

سلام بر شجاعت و ابهت و حیا و عفت و سلام بر زینب.

سلام بر فصاحت و بلاغت و سلام بر زینب.

سلام بر ظلم ستیزی و سلام بر زینب.

چگونه می‌توان شادمانی حسین را در ولادت خواهری چون زینب در قالب الفاظ ریخت. آری تمام وجود حسین آن کودک سه ساله فاطمه، زینبی شده است آن گونه که زینب هم حسینی شد.

علی جان! تبریک به خاطر تولد دختری که صبر را در کنار بدن‌های بی سر و عبادت را در تنهایی اسارت و ابهت و حیا و عفت را در حلقه‌های زنجیر و شجاعت را با شمشیر فصاحت و بلاغت به نمایش گذاشته است.

فاطمه جان! تبریک به خاطر تولد دختری که در اوج عطش و گرسنگی و داغ مصیبت و رنج اسارت، فقط حجاب و دوری از در معرض نامحرم

بودن را تنها خواسته‌ی خویش از دشمن می‌داند. حسین جان! تبریک به خاطر تولد قاموس عاشورا از شجاعت و حیا و ابهت و فصاحت و بلاغت گرفته تا عبادت و شب زنده داری و ایثار و حمایت از حریم امامت.

حیات جاودانه کربلای تو، دست آسمانی زینب را می‌بوسد.

حرارت این عشق ماورایی بین تو و زینب، حرارت هجران و عطش و داغ و اسارت و صبر و استقامت و خطابه‌های آتشین و ستم‌ستیزی است که در روح بلند و ملکوتی زینب و در واژه الهی نامش تفسیر می‌شود فهم این عشق فقط در توان ما رأیت الا جمیلای زینب است

سلام بر زینب! هم او که با زاهده بودنش، دنیا را تحقیر و با عابد بودنش، خدا را تعظیم و با عقیده بودنش، قرآن را تفسیر و با عالمه غیر معلمه بودنش، دشمنان اسلام را ذلیل و رسوا می‌کند.

مسعود اسدی

تولد صبر



اخلاق و تربیت مهدوی



آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه:

صلاح حکومت، بدون اصلاح افراد جامعه سودمند نیست و همچنین بر عکس؛ زیرا اگر افراد اصلاح شوند و حکومت بد و غیر صالح باشد، آنها فقط در باطن خوبند هرچند اظهار نمی کنند و اگر حکومت هم مصلح باشد، افراد صالح واقعی که در ظاهر و باطن صالحند، آزاد و راحت خواهند بود اما اگر افراد جامعه در باطن اصلاح نشده باشند و فقط ظاهرسازی کرده و صالح نما باشند و تنها حکومت صالح واقعی باشد تا وقتی که حکومت ناظر اعمال آنان باشد، اظهار صلاح می کنند ولی همین که دولت از طرفی گرفتار درگیری شد و یا توجه او به جای دیگر مشغول شد، همین افراد صالح نما از گرفتاری دولت، سوء استفاده کرده و افساد و خراب کاری می کنند و به نظام و حکومت صالح، ضربه می زنند و یا کم کاری و کارشکنی می نمایند.

در محضر بهجت، ج ۲، ص ۴۸.



اگر چه دست خیالم به دامن نرسد
خوشم که دل به خیالت سپرده‌ام بی‌تو
محمدعلی مجاهدی (پروانه)

انگیزه: بدون تردید از مهم‌ترین عوامل جلب رضایت امام زمان علیه السلام و مقدمهٔ اصلاح جامعه برای زمینه‌سازی ظهور وی، پرداختن به خود و اصلاح اخلاق است. این صفحه، انعکاس رهنمودهای اخلاقی بزرگان و اساتید اخلاق برای دستیابی به چنین مقصودی است.

درخت فضیلت بکاریم

گفته‌های اخلاقی حضرت آیت الله حسین مظاهری دربارهٔ خودسازی



بحثنی

را که به خواست پروردگار
عالم و لطف حضرت ولی عصر علیه السلام با
شما دارم بحث خودسازی است. این که ما
باید صفات رذیله نداشته باشیم و فضایل را
کسب کنیم. بحث تهذیب نفس مهم‌ترین
بحث‌ها در اسلام است و اگر کسی مذهب
باشد، قطعاً خیر دنیا و خیر آخرت دارد و
امیدوارم این بحث برای من و شما مفید
باشد. در این مورد باید به سه
مطلب توجه کنیم:

اول. خودسازی از اوجب واجبات است

باید بدانیم که تهذیب نفس از اوجب واجبات است. از نماز و روزه و خمس و زکات و حج و جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر و توبی و تبری واجب‌تر است که اتفاقاً در این واجب تسامح می‌شود و آن‌طور که شایسته است مسلمان‌ها به آن اهمیت نمی‌دهند. برای اهمیت بحث باید به شما بگویم که قرآن، کتاب اخلاق است. قرآن آمده است تا انسان بسازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم معلم اخلاق است در حالی که علمی نیست که بهترش را به طور تمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نداشته باشد اما قرآن می‌گوید: این پیامبر معلم اخلاق است. تأکید روی این مطلب هم دارد. حتی قرآن می‌فرماید: پروردگار عالم منت بر سر شما گذاشته است؛ قرآن و پیامبر فرستاده است و این قرآن یک کتاب

تربیتی است. یک کتاب اخلاق است. پیامبر اکرم هم یک معلم تربیتی و یک معلم آموزشی است. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». قرآن برای این نازل شده است که آدم عالم بسازد. صفات رذیله را از انسان‌ها بگیرد. فضایل رسوخ در آن انسان‌ها بکند و بعد از آن هم این آدم را عالم کند. یک کسی بسازد که دو بال داشته باشد: بال تعهد و بال تخصص.

پرواز کند و برسد به جایی که به جز خدا نبیند

ما اگر برای اهمیت اخلاق چیزی جز این نداشتیم

کافی بود که همه بدانیم؛ از واجب واجبات، تهذیب نفس است. لازم و واجب است که ما صفات رذیله را از دل بکنیم و صفات رذیله را ریشه‌کن کنیم و به جای آن صفات خوب جایگزین کنیم؛ غرس کنیم و آبیاری کنیم و مواظبت نماییم. به قول قرآن، آن کلمه طیب و شجره طیبه را – آن درخت طیب را – در دل رسوخ بدهیم و بارور کنیم و از میوه آن همیشه استفاده بکنیم: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْثَرًا نَفْعًا لِلنَّاسِ»^۱. درخت فضیلت یک درختی است که همیشه میوه‌دار است. درخت فضیلت یک درختی است که ریشه‌های آن در عمق جان انسان است و شاخه‌های او در آسمان‌ها است. نافع برای همه است و از جمله برای خود انسان.

قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَرِ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ»^۲؛ یعنی در حالی که این پیامبران با معجزه آمده‌اند قوه مقننه مال آن‌ها بود. قوه مجریه و قوه قضائیه که ابزار آن‌ها به تمام معنا بود را هم داشتند برای چه آمده‌اند؟ برای این که مردم را بسازند؛ قسط در جان آن‌ها و در عمق جان انسان‌ها حکم‌فرما بشود و معنای قسط در عمق جان انسان حکم‌فرما بشود؛ یعنی درخت رذالت از دل کنده بشود و درخت فضیلت به‌جای آن غرس بشود.



دوم. همه ما صفات رذیله داریم

همه باید بدانیم که صفت رذیله داریم. کسی نیست که بگوید من صفت رذیله ندارم. به این زودی‌ها نمی‌شود درخت رذالت را از دل کنده شود. به قول استاد بزرگوار ما حضرت امام – رضوان الله تعالی علیه – چهل سال خون جگر می‌خواهد تا انسان بتواند حسادت را ریشه کن کند. به قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک عمر مشقت و زحمت می‌خواهد تا انسان بتواند ریاست‌طلبی را ریشه‌کن کند. چنان که گفته شده: «آخِرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ رِئُوسِ الصَّدِيقِينَ حُبُّ الرِّئَاسَةِ»^۳. آخرین چیزی که انسان می‌تواند آن‌را ریشه‌کن کند جاه‌طلبی است. اگر انسان «متقی» باشد باز نمی‌شود. اگر به مقام «ورع» هم برسد باز نمی‌شود. به مقام «صدیق» برسد آن وقت می‌تواند ادعا کند که من ریاست‌طلبی ندارم. مرحوم بحرالعلوم رحمته الله از افرادی است که بارها خدمت امام زمان علیه السلام رسیده است. به او گفتند آقا می‌شود که خدمت امام زمان علیه السلام رسید یا نه؟ گفت چه بگویم در حالی که مرا بغل کرد؛ چرا نشود؟ یک وقتی با طلبه‌ها و نه با مردم بلکه با خواص، روی منبر و در درسش مدعی شد که من توانسته‌ام ریشه‌ریا را از دل بکنم و ریشه خلوص در آن جایگزین کنم و آن را درختی کنم و بارور کنم و از بار آن خلوص استفاده کنم. بحرالعلوم رحمته الله چه موقع این‌را می‌گوید؛ بعد از چهل، پنجاه سال غوطه ور شدن در علم و عمل. لذا خیال نکنید که خودسازی کار آسانی است. خیال نکنید شما که این‌جا نشسته‌اید خیلی خوب هستید و حسود نیستید. متکبر نیستید. پول‌طلب نیستید. ریاست‌طلب نیستید. بخل ندارید. تظاهر و ریا ندارید. اگر کسی این‌جور ادعا بکند خیلی جاهل است.

همه باید بدانیم که صفات رذیله داریم. آن‌ها که یک عمر دربارهٔ خودسازی کار می‌کنند به جایی نمی‌رسند. شماها که این حرف‌ها برایتان تازگی دارد و در مدت عمرتان خودسازی نکرده‌اید؛ با حسادت مبارزه نکرده‌اید با ریاست‌طلبی مبارزه نکرده‌اید؛ با پول‌پرستی مبارزه نکرده‌اید، کجا خودسازی کرده‌اید. در درون ما جنگ است. به قول پیامبر اکرم جهاد اکبر است. جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس. مبارزه با صفات رذیله. وقتی که جوان‌ها و بسیجی‌ها از جبهه برمی‌گشتند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن‌ها مرحبا می‌گفتند و آن‌ها را تشویق می‌کردند و می‌فرمود: «مَرْحَبًا بِقَوْمٍ عَزَّوَالِ الْجِهَادِ الْأَصْغَرَ فَعَلَيْهِمُ بِالْجِهَادِ الْأَكْبَرِ»^۴؛ بسیجی‌ها! بارک‌الله رفتید و پیروز برگشتید، اما یک جهاد اکبر هم هست که در درون شماست و باید در این جبهه پیروز بشوید. یک بسیجی سؤال کرد که جهاد اکبر کدام است؟ می‌فرمود: مبارزه با

سوم. خدا باید کمکمان کند

باید بدانیم که ما نمی‌توانیم خودسازی کنیم؛ خدا باید کمک کند ما فقط به اندازه وسعمان باید کار کنیم اما باید بدانیم که معلم اخلاق، خدا است. یک آیه در قرآن هست که این آیه به ما یک زنگ خطر می‌زند و یک تشویق هم راجع به دعا و رابطه با خدا می‌کند. می‌فرماید «وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ»؛ اگر فضل و رحمت خدا نباشد هیچ کس نمی‌تواند خودسازی بکند و بعد می‌فرماید بدان، معلم اخلاق، خدا است: «وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ». این گفت‌وگوها و این نماز، این دعا و تضرع و زاری‌ها مقدمه است برای خودسازی، برای این که پروردگار عالم ما را بسازد. لذا یکی از دعا‌های شما این باشد که خدایا دست مرا بگیر. خدایا معلم اخلاق من باش. اما دعای فقط نباشد تضرع و زاری فقط نباشد؛ همت هم باید باشد.

نفس اماره. مبارزه با هوی و هوس. مبارزه با صفات رذیله این جهاد اکبر است.

من به همه – مخصوصاً جوان‌ها – می‌گویم: العیاذ بالله اگر یک صفت رذیله‌ای آتش بگیرد، هیچ چیزی نمی‌تواند در مقابلش بایستد ناگهان می‌سوزاند، چه سوزاندنی! ناگهان خراب می‌کند، چه خراب کردنی! آبروی انسان را می‌برد. دنیای انسان را از بین می‌برد. شما خیال نکنید آن کسانی که بدبخت شدند مثل عمر سعد، این‌ها حسین علیه السلام را نمی‌شناختند. عمر سعد، حسابی حسین علیه السلام را می‌شناخت قطعا، چون در زمان امام حسین علیه السلام بود امام حسین علیه السلام را خیلی بهتر از من و شما می‌شناخت اما چرا کار به این‌جا رسید. امام حسین به او زنگ خطر می‌زدند ولی به خرج او نمی‌رفت و تا این که در جلسه آخر عذر آورد به این که مال مرا مصادره می‌کنند. حضرت فرمود: من مال به تو می‌دهم. گفت مرا می‌کشند. گفت: من به تو پناه می‌دهم و ترا به مدینه می‌برم. گفت: زن و بچه مرا مصادره می‌کنند. گفت: هیچ‌طوری نمی‌شود؛ من قول می‌دهم. گفت: ریاست نمی‌گذارد؛ من باید به ری بروم و استاندار بشوم. امام حسین علیه السلام عصبانی شدند و فرمودند: امیدوارم از گندم آن‌جا نخوری – یعنی امیدوارم ریاست به تو نرسد – او عصبانی شد و در مقابل امام حسین علیه السلام به او جسارت کرد و گفت جو آن‌جا برای من کافی است؛ یعنی به قول خودش یک الاغ شده بود، یک الاغ به‌تمام معنا؛ یعنی اگر یک صفت رذیله‌ای طوفانی

بشود، انسان را یک الاغ به تمام

معنا می‌کند. شعور و فکر او را

می‌گیرد. دین او را می‌گیرد

و نمی‌تواند روی ارزش‌ها

فکر کند. غریزه جنسی

باشد همین است.

غریزه ریاست‌طلبی

باشد همین است غریزه

پول‌پرستی باشد همین

است. حسادت و بخل و

تکبر باشد همین است و هر

صفت رذیله‌ای اگر طوفانی

شد انسان را بدبخت می‌کند. چه

باید کرد؟ باید خودسازی کرد.

۱. آل عمران/ ۱۶۴.

۲. ابراهیم/ ۲۵-۲۴.

۳. حدید/ ۲۵.

۴. شرح نهج البلاغة

لابن أبی الحدید، ج ۲،

ص ۱۸۱.

۵. الکافی، ج ۵، ص ۱۲.

۶. نور/ ۲۱.



در کوله‌بارت چه داری؟

✽ امید درویشی

جان را از آن آب گوارا سیراب کرده‌اند. آنان که در مسیری که رفته‌اند، دست دیگران را هم گرفته‌اند تا به بی‌راهه‌ها و پرتگاه‌ها نزدیک نشوند. کسانی که اگر کمی در سبک زندگیشان سرک بکشیم می‌توانیم نکاتی را پیدا کنیم که بهترین توشه راه برای یک مسافر مهدوی است. در نحوه رفتار فردی و اجتماعی آنان کلیدهایی طلایی را می‌توانیم ببینیم که اگر در مسیرمان به دروازه‌های قفل شده‌ای رسیدیم به راحتی بتوانیم آن درها را باز کنیم و به مسیرمان ادامه بدهیم.

حال که با برخی از لوازمات و مقدمات این سفر معنوی آشنا شده‌ای بسم الله. کوله‌بار سفر را بردار و نقشه راحت را در دست بگیر. البته در کوله بارت مقدار زیادی اخلاص و اراده محکم هم قرار بده. چون در طول مسیر، نیاز شدیدی به این دو پیدا می‌کنی. سلام ما را هم به همسفرانت برسان. خوش به حالت چون بهترین مسیر را انتخاب کرده‌ای. چرا که با پیمودن مسیر سبز مهدویت می‌توان به مقصد اصلی رسید. «السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلك غيره هلك!» سلام بر تو ای راه رسیدن به خدا که اگر کسی غیر آن را بپیماید، هلاک می‌شود.

۱. مفاتیح الجنان. زیارت مخصوص سرداب.

انتخاب خیلی مهم هست. بعضی مواقع برای رسیدن به یک هدف، بر اثر عدم شناخت و اطلاع کافی در مورد آن، بدترین راه‌ها را انتخاب می‌کنیم. وقتی هم سرمان به سنگ خورد یا دیر شده است و یا باز هم به دلیل ندانستن برخی نکات، راه‌های اشتباه دیگری را انتخاب می‌کنیم. اگر از همان ابتدای کار سعی کنیم که نسبت به هدفی که در پیش گرفته‌ایم برخی آگاهی‌ها را به دست آوریم با گام‌های استوارتری می‌توانیم در را رسیدن به مقصدمان پیش برویم.

هر انسان عاقلی که بخواهد در مسیری گام بر دارد باید نسبت به راهی که در پیش دارد، راهنما، راهنما و همسفرانی که در آن راه می‌تواند از تجربیات آنان استفاده کند و خیلی چیزهای دیگر شناخت کافی داشته باشد تا بتواند آن مسیر را با سلامتی و موفقیت طی کند.

بسیاری از تشنگان معارف مهدوی که گوهر گرانبهای محبت امام زمان (عج) را در صدف وجودشان دارند، به دلیل ناآشنایی با برخی معارف مهدوی و نشناختن راهبران و راهروان و راهنزان مسیر مهدویت، سر از بیراهه در می‌آورند.

کسانی که می‌خواهند در جاده سبز انتظار گام بر دارند، هنگامی که کوله بار سفرشان را می‌بندند، باید مقدار زیادی معرفت و شناخت نسبت به راهنمای اصلی که همان امام عصر (عج) است در کوله بارشان بریزند. چرا که بدون شناخت و آگاهی نسبت به آن وجود نازنین عالم هستی، گام برداشتن در این مسیر پر است از آفت‌ها و آسیب‌ها و پرتگاه‌هایی که ما را تا عمق دره عمیق جاهلیت مدرن، می‌کشاند. اما اگر دستمان را در دست راهنمای این راه و همچنین کسانی که مورد تأیید این راهنما هستند بگذاریم، نقشه راه را به خوبی برای ما ترسیم می‌کنند. پستی و بلندی‌های راه را، نقاط هموار و ناهموار راه، دره‌ها و پرتگاه‌های راه و استراحتگاه‌های آن راه را به خوبی به ما نشان می‌دهند.

علاوه بر شناخت راهنمایان این راه، باید نسبت به راهنزان این مسیر نیز آشنایی داشته باشیم. بی‌شک مسیر سبز انتظار پر است از راهنزانی که در کمین مسافران هستند. آنان با ترفندها و شگردهای جذاب و جالبی که دارند بسیاری از مسافران را به بیراهه کشانده‌اند. راهنزانی که به جای این که مسیر اصلی را نشان بدهند و آدرس مقصد نهایی منتظران را به مسافران بدهند، آنان را به سوی خود دعوت می‌کنند و آب گل آلود در کوزه‌های تشنگان معارف مهدوی می‌ریزند.

از دیگر مواردی که یک منتظر واقعی باید به آن توجه کافی داشته باشد، شناخت رهروان حقیقی است. همان کسانی که به سلامت این راه را طی کرده و به سرچشمه زندگانی رسیده و کام

یاد امام زمان حتی با صلوات

✽ علی مرادی

نوشت: «یعنی ما حتی یک سیصدم روز هم به یاد امام زمانمان نیستیم، در حالی که همه شیعه‌ایم؛ درست است؟»

سکوت عجیبی تمام کلاس رو فرا گرفته بود. فقط صدای نفس کشیدن بچه‌ها بود که به گوش می‌رسید. دانش‌آموزایی که تا چند دقیقه پیش کل کلاس را روی سرشان گذاشته بود حالا سراپا گوش شده بودند و داشتند به صحبت‌های آقای معلم گوش می‌دادند. خداییش هم راست می‌گفت. مثلاً خود من که نمازهایم، دقیقاً همین طوری بود که او می‌گفت. واقعاً هم در روز به یاد امام زمان (عج) نمی‌افتادم. راستش بقیه بچه‌ها هم انگار وضعیتشان خیلی بهتر از من نبود!

آقا که حالا از پای تخته کنار آمده و روبروی بچه‌ها ایستاده بود، صحبت‌هایش را این طور ادامه داد: «یکی از بچه‌هایی که پارسال در این کلاس بود یک روز به من گفت: «آقا من هر شب موقعی که می‌خواهم بخوابم پنج صلوات برای امام زمان می‌فرستم. هیچ حاجتی هم ندارم. فقط به عشق آقا. همین! این کارم هم فقط برای این است که اگر یک روز چشمم در چشم آقا افتاد، بگویم که آقا جان! من هر روز لااقل با همین پنج صلوات به یاد شما بودم و هیچ روزی نبود که یادتان نیافتم».

زنگ خورد. ولی هیچ کس از جایش تکان نخورد. همه هنوز هم داشتند گوش می‌کردند. آقا معلم هم که دید زنگ خورده، صحبت‌هایش را با یک جمله تمام کرد و رو کرد به سمت ما و پرسید: «بچه‌ها بین شما آدم با معرفتی هست که حتی با همین پنج صلوات، هر روز از امام زمان (عج) یادی کند؟»

قدر شیرین و راحت صحبت می‌کرد که همه ما با لذت، گوش می‌کردیم. اتفاقاً صحبت‌هایش سال‌های سال در یادمان ماند.

یک بار که در کلاس صحبت از امام زمان (عج) شده بود، آقای انیسی به ما گفت: «بچه‌ها! خیلی از ما تا حالا برای امام زمان (عج) هیچ کاری نکردیم. حتی یک قدم هم برنداشتیم». بچه‌ها ساکت شدند؛ آخر این جمله، تعجب همه ما را برانگیخته بود. آقا که تعجب ما را دیده بود، صحبت‌هایش را این‌طور ادامه داد: «ببینید بچه‌ها آن‌قدر که ما می‌گوییم: آقا بیا! آقا بیا! در عمل چه‌قدر برای ظهور امام زمان کاری می‌کنیم؟ اصلاً امام زمان (عج) به کدام عمل ما دل خوش کند؟ بچه‌ها! خدا و کیلی، کدام کاری را در زندگی‌مان فقط برای امام زمان انجام دادیم؟ حتی کارهای واجب خودمان را هم افتضاح انجام می‌دهیم، چه برسد کار برای ظهور!

مثلاً در نماز به جای اینکه حواسمان به خدا باشد، درست مثل یک ضبط صوت، ذکرهای نماز را تکرار می‌کنیم. ذهنمان هم در همان لحظه‌ها، تمام اتفاقات آن روز را مرور می‌کند! حتی یک ذره هم حواسمان به خود نماز نیست. مثل پرنده‌ای که برای خوردن دانه به زمین نوک می‌زند، ما هم سرمان را به مهر می‌گذاریم. انگار همان چند دقیقه نماز آن‌قدر برای ما وقت گیر هست که وقت نداریم کارهای روزمره خودمان را فقط برای همان چند لحظه کنار بگذاریم.

همه این‌ها به کنار؛ بچه‌ها ما در ۲۴ ساعت شبانه روز کلاً چند دقیقه به یاد آقایمان هستیم؟ انصافاً پنج دقیقه هم به یاد ایشان می‌افتیم؟»

آقا به سمت تخته سیاه رفت و روی تخته درشت

خیلی دوستش داشتیم. اسمش آقای انیسی بود و معلم علوم آن سال ما شده بود. اما چون خیلی خوش اخلاق بود و خیلی هم خوب درس می‌داد، بین تمام دانش‌آموزان خیلی محبوب بود و هیچ کس سر کلاس‌های ایشان سرش را برای خوابیدن روی نیمکت نمی‌گذاشت! اتفاقاً یکی از ویژگی‌های آقای انیسی این بود که بین درس دادن، بعضی موقع‌ها صحبت‌های خارج از درسی را مطرح می‌کرد؛ آن صحبت‌ها هیچ ارتباطی به درس نداشتند ولی ایشان آن





یا رب! نصیب دیده‌ ما کن جمال او
عمری که بی رُخش گذرد، نیست در شمار
بانو نصرت گروسیان (رجایی)

پنجره‌های گشوده شده، فریادرسی را می‌خواهد

جمعه بود و غروبش، نقطه عطف جمعه بودنش!
راستی این چندمین جمعه عمرم بود که به پایان می‌رسید
و چندمین جمعه دیگر، انتظارم به پایان خواهد رسید.
بر سیطره تاریخ که گذر خواهد کرد، آن را تیره
و تار خواهی یافت و بر زندگی به گونه‌ای دیگر
خواهی نگریست.
زندگی در تکرار روزها حبس گشته و تکرار دیروز و
امروز و فردا، زندگی را رقم خواهد زد و تکرارش سخت
عذاب‌آور است.

اگر بهانه هستی برای بودن نبود و اگر آن تنها منجی در
غیبتی به سر نمی‌برد، امیدی برای تکرار روزها نمی‌ماند
و من تنها به شوق آمدن او دل به تکرار فردا بسته‌ام...

مریم فیضی. کرمانشاه

در این دنیای سر در گم
در این تنهایی حیرت
تو را می‌خوانم، ای منجی انسان‌ها
تو را می‌خواهم، ای فریاد خاموشان
که زود،

ای مهدی قائم، قیامت را تجلی کن
پیام آخرینت را

جواب انتظارت را تو پیدا کن
بیا مانند گل‌ها باش و

در هر سرزمینی سربرافراز
بیا، مانند باران باش و

بر این پهن دشت تشنه دنیا فرو ریز
بیا، چون تبغ بران باش و

بر پیشانی شیطان و یارانش فرود آی
بیا، مانند شمع پر فروغی

محفل پروانه‌های عاشقت را نور باران کن
هایده گودرزی. بروجرد

جهان در تپش آمدنت به لرزه درآمده است.
بادهای پراکنده در هر سو ستم‌پاره‌های خویش را بر دوش می‌کشند.
اهل زمین، ثانیه‌شمارهای خویش را مرتب نگاه می‌کنند.
یک منجی، فقط یک منجی است که می‌تواند آن را از درد رنج و غم
رهایی بخشد.
درختان، گیسوان پریشان خویش را فصل به فصل به دست
زمان می‌سپارند تا زردی و سرمای زندگی را به ساعت سرسبزی
جوانه‌هایشان برسانند.
دل‌ها در غربت خاک غریبه و تنها جان می‌دهند و ماهیان قلب‌ها
خشکسالی محبت و مهربانی را تاب نمی‌آورند.
چشم‌ها، چشمه‌های خشکی شده‌اند که کمتر به اشک شوق، می‌اندیشند
که گریه‌های فراق آنان را امان نمی‌دهد.
تشنگی بر اعماق و ریشه این دیار نفوذ کرده و تندیس‌ها تاب ایستادن را
بیش از این ندارند.

کشتی‌های عدالت و انصاف در هیاهوی بی‌امواج صدایشان، به گل
نشسته‌اند و ناخدایان خداشناس هنوز در ادعای حق‌طلبی خویشند.
همه چشم به نجات‌دهنده‌ای دوخته‌اند که دست‌های خالی و رها را بگیرد
و از این فضای در حال سقوط نجات بخشد.
سخت است هر روز چشم بگشایی و خورشید را ببینی که طلوع کرده بی
آنکه خبری از آمدن تو آورده باشد.

سخت است تا آخر هفته روزشماری کنی و روز هفتم، باز هم هیچ‌کس
را در آن سوی جاده نبینی. جاده‌های کشیده شده تا آن طرف انتظار
چشم‌های خیره شده به روبرو.

پنجره‌های گشوده شده، فریادرسی را می‌خواهد که خواب ستم و بی‌عدالتی
را برآشوبد.
سواری را می‌خواهد که منتظرانش او را از پشت شیشه‌های به شوق
آمده ببینند.

ای منجی موعود!
جهان تو را می‌خواهد.

فاطمه طباطبایی امیری. قم

خدای عشق را شکر می‌کنم که نام تو را بر زبانم نوشت و نگاه مهربانت را به من هدیه داد.
صدای قدم‌های تو در کوچه‌های دل پیچیده است. از این رو همه وجودم را شور انتظار پر کرده است.
امروز به قدر تمام روزهای نیامده دلتنگ تو هستم.

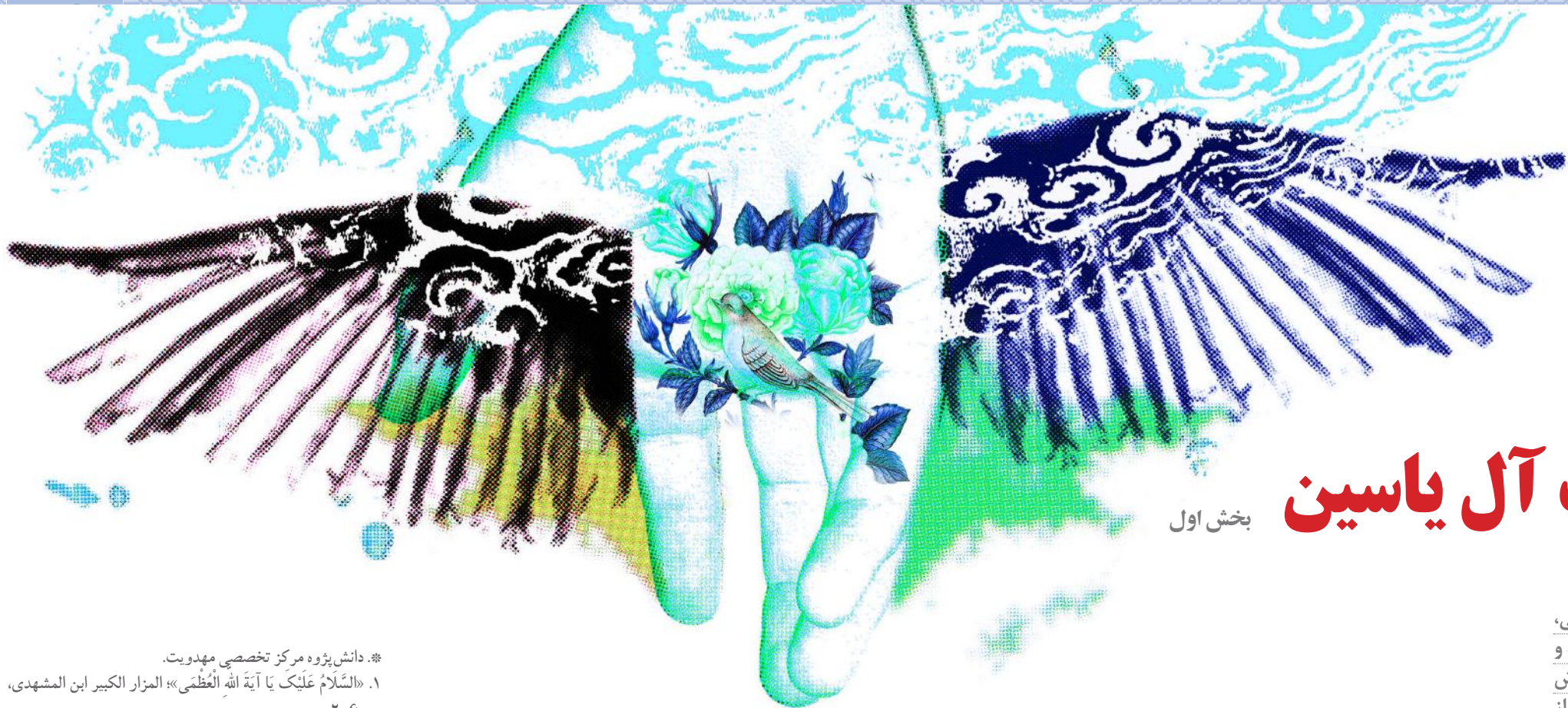
حالا به هر طرف که می‌چرخم تو را می‌بینم و اگر گوش جان بدهم، می‌توانم از پرنده‌ها و درخت‌ها،
سنگ‌ها و دیوارها، حتی از همین طاق نصرت‌هایی که مثل بسیجی‌ها سربند «یا صاحب‌الزمان (عج)» به
پیشانی بسته‌اند، صدای تو را بشنوم.

ای یوسفی که یعقوب دلم منتظر عطر پیراهن تو است!
با پاهایی تاول‌زده، کوچه‌های دل‌نگرانی را طی کرده‌ام تا به خیابان دلتنگی رسیدم.
اهمیتی ندارد که چند روز در راه بوده‌ام یا این راه عاشق کش کی به انتها می‌رسد؛ همین که در مسیر
منتهی به نگاه تو باشم برای من کافی است.

نه از راهی که آمده‌ام احساس خستگی می‌کنم و نه از تاول این پاهای مهربان به تنگ آمده‌ام یا
گلایه‌ای دارم؛ حالا هم دست‌هایم مسیر آمدنت را نشان می‌دهد.
نامت برای یک لحظه از روی لب‌هایم نمی‌افتد و قلبم «جمکرانی» است پر از زائران منتظر و دلشکسته
که همه امیدشان نگاه مهربانانه تو است.

بی‌تو خیابان‌ها یا به بن‌بست می‌رسد یا آن قدر پر از پیچ و خم است که تنها سردرگمی را به دنبال دارد.
زودتر بیا تا این پاهای به خواب رفته بیدار شوند و مرا به لحظه‌های آرامش تو برسانند.
کاش وقتی می‌آیی کوچه‌ها در خواب نباشند.
شاعران خواب نباشند.
خورشید و پنجره و درخت‌ها خواب نباشند.

عبدالرحیم سعیدی راد



✽ قنبرعلی آل بویه*

آرامش در پرتو زیارت آل یاسین

بخش اول

گاه چنان از دین تصویری می‌شود که گویی دینداری به معنای زندگی با سختی، تحمل ناراحتی‌ها، سپران روزهای عمر با خمودی و کسلی است و هر چه نشاط و آرامش و زیبایی است در هم سوگند شدن با دنیا و مظاهر آن است؛ اما آیا آرامش مفهومی است که از دنیاخواهی و رفاه‌طلبی ریشه می‌گیرد یا مفهومی برخاسته از روح ایمان است؟ آن چه در این نوشتار به صورت گذرا در پی آنیم این است که در رواق انس با فرازهایی از زیارت آل یس و تأمل در برخی فرازاها به آرامش برسیم.

← نگرانی از راه

السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته...

هریک از عناصر پیرامونی انسان، او را به چیزی دعوت می‌کند و جلوه‌های مختلف، فرد را به جهت‌های متفاوت فرا می‌خواند، در حالی که همه این نشانه‌ها آمده بودند تا آیه و نشانه باشند، نه آنکه مرا در خودشان متوقف سازند و مرا به خود یا آیه دیگری رهنمون شوند. آنچه که آدمی را در ارتباطات خود دچار نگرانی می‌کند، عدم اعتماد به دیگران است. این عدم اعتماد در برهه‌ای که نیازمند کسی هست که بتوان به او اعتماد کرد و یا از او مشورت گرفت و برای نجات خود از سردرگمی یا افتادن به هزار چاه و چاله، در پی راهنمایی دلسوز و البته آگاه می‌گردد، چون قدحی آب می‌شود که یافتنش برای تشنگان حکم نجات دارد.

امام، بزرگ‌ترین نشانه است به جهت آفرینش^۱ و روشن‌ترین دعوت به سوی پروردگار است از جهت رسالت و نقش. دعوت او به جهت خالصانه بودنش، ما را از قیدها و غیرها رها می‌سازد.^۲ کسی که بر خلاف سایر دعوت‌گران، به سوی خود نمی‌خواند. او «داعی الله» است و از آنجا که رهبری جامعه می‌طلبد که خود بر پیچ و خم‌های راه آشنا باشد و در حوادث اجتماعی به درستی راه بنماید، به مانند پیامبر^۳ از روی بصیرت، انسان‌ها را می‌خواند.^۴

امام در این طریق، دعوتش، با قدرت و شخصیت با نفوذش و با برق شمشیرش سعی نمی‌کند مرا به زور همراه خود سازد که قرار است من هم با اختیار و از روی بصیرت همراه او شوم.^۵ بدین جهت به بهترین روش «الدعوة الحسنی»^۶ مرا صدا می‌زند؛ او اول قلب مرا با حکمت و موعظه حسنه تسخیر نه که به تصدیق می‌رساند^۷ و این، تصدیق است که عرض تسلیم و خضوع مرا در خود دارد.

در این دعوت بر خلاف سایر دعوت‌ها، در وجود من تشویش و اضطرابی نسبت به درستی مسیر و صحت و سقم گزاره‌هایی که به من می‌دهد نیست که در او هیچ انحرافی نیست.^۸

← آرامش در پناه امام

با تسلیم خودم به او که مربی تمام آیه‌ها، تمام مخلوقات است، در واقع خودم را با هستی و نظم و ساختارش هماهنگ کرده‌ام و آرامش را به دلم آورده‌ام و با سرکشی‌ام تنها خودم را به زحمت انداخته‌ام؛ خود را از حیات و نفس کشیدن در هوایی روح‌افزا، محروم کرده‌ام که امام به حیات و زندگی دعوت می‌کند.^{۱۰} این دعوت، اجابتی می‌طلبد و در پرتو این اجابت است که اگر خطایی هم سر زد پوشیده می‌شود: «دعوت‌گر خدا را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا گناهان شما را بپوشاند»^{۱۱} که میزان این اجابت، به میزان طاعت و سرسپردگی است.

من با تسلیم خود، خود را در مسیری قرار می‌دهم تا با وسعت یافتن خود، نقشی کاراتر در هندسه هستی ایفا کنم و آیه‌ای بزرگ‌تر باشم برای او و با اذنی که از این طریق می‌گیرم، من هم «داعی» شوم و دعوتی بهتر شوم به سوی او. این اجابت حتی به شیوه دعوت‌گری من نیز تسری می‌یابد. امام سخن و سکوتش، نشستن و برخاستش و حتی غیبتش، دعوت‌گر است. این که من حتی حضورم، کسی را به سوی او نمی‌خواند نشان می‌دهد که هنوز داعی نشده‌ام و تا داعی نشوم معلوم نیست یار باشم: «و امنن علینا نصره دینک»^{۱۲} رسول اکرم ﷺ با عبودیت تمامش و لبیک راستینش، شایسته تربیت توسط رب شده است^{۱۳} و رسول، تربیت مؤمنان را به امام سپرد.^{۱۴} او خود مرا پروراند که «ربانی آیاته» است؛ به خوبی من و لایه لایه مرا می‌شناسد؛ دردم را می‌بیند؛ غده‌های سرطانی حسد و کینه و دیگر رذایل را می‌بیند. او در رحمت نیز خلیفه الهی می‌کند: «رحمت پروردگاتان همه چیز را فرا گرفته است و من آن رحمتم»^{۱۵}

او از پدر و مادرم و از خودم بر من دلسوزتر است.^{۱۶} او چون پیامبر رحمت للعالمین است و چه رحمتی بالاتر از این که دستم را بگیرد و مرا بی‌پروا کند. او بهار^{۱۷} است و بهار را به همه هستی هدیه می‌دهد. او دست مرا نیز خواهد گرفت.

← همراهی امام

با لبیکی که به دعوت او گفته‌ام و در این دل‌دادگی، شریکی را برایش قرار نداده‌ام^۱ خود را تحت تربیت کسی قرار داده‌ام که انگیزه‌ای جز خدا ندارد. صحبت از دعوت به «الله» است با تمام جامعیت و شرافت و بلندی‌اش، نه اسمای دیگر.

امام، به بهترین نحو مرا پرورش می‌دهد و من با بلا و نعمت، سختی و خوشی رشد می‌کنم، البته به اندازه‌ای که می‌خواهم. هر چند امام در این مسیر مرا تنها نمی‌گذارد و با ولایتی که بر من و استعدادهایم، من و تصورات و تصدیق‌هایم، من و پیرامونم دارد، مرا یاری می‌دهد.

*. دانش‌پژوه مرکز تخصصی مهدویت.

۱. «السَّلامُ عَلَیْکَ یا آیةَ اللهِ العُظْمٰی»: المزار الکبیر ابن المشهدی، ص ۲۰۶.

۲. «لا ترید منکم جزاء و لا شکورا»: انسان / ۹.

۳. امام محمد باقر (علیه‌السلام) فرماید: «مقصود از «أدعوا إلى الله»، رسول خدا ﷺ، امیر المؤمنین (علیه‌السلام) او صبیانشان (علیه‌السلام) هستند»؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۵۳.

۴. «أدعوا إلى الله علی بصیرة أنا و من اتبعنی»: یوسف / ۱۰۸.

۵. همان.

۶. «أدع إلى سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة»: نحل / ۱۲۵.

۷. «و زعمنا أنا لک أولیاء و مصدقون»: تهبیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۰.

۸. «یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له»: طه / ۱۰۸.

۹. «لا أبتغی یک بدلا»: المزار الکبیر ابن المشهدی، ص ۵۸۷.

۱۰. یا آیها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم. انفال / ۲۴.

۱۱. «یا قَوْمَنا أَجِیْبُوا داعِیَ الله و آمِنُوا بِهِ یَغْفِرَ لَکُم مِّنْ ذُنُوبِکُمْ وَ یُجْزِکُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِیمٍ»: احقاف / ۳۱.

۱۲. مفاتیح الجنان؛ دعای افتتاح.

۱۳. «إن الله عزوجل أدب نبیه فاحسن أدبه فلما أكمل له الأدب قال إناک علی خلق عظیم»: الکافی، ج ۱، ص ۲۶۶.

۱۴. «إن رسول الله أدبه الله عزوجل و هو أدبنی و أنا أؤدب المؤمنین»: بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۶۷.

۱۵. «إن رحمة ربکم وسعت کل شیء و أنا تلك الرحمة»: إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۱۴.

۱۶. «أولی بالناس منهم بأنفسهم و أشفق علیهم من آبائهم»: من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸.

۱۷. «ربیع الأنام و نضرة الأيام»: بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.



دست دعا و، اشک و، نیاز و، ظهور تو
کی مستجاب می‌شود این انتظار من؟
مجتبی تونه‌ای

در مقابل گناهان آخرالزمانی واکسینه شویم!

در گفتگو با مسعود دریس



صحبت درباره مهارت‌های زندگی در آخرالزمان و روش‌های مقابله با فتنه‌های این دوره، یکی از گفتمان‌های بایسته در عصر غیبت است. در همین رابطه آقای دریس معاون طرح و برنامه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) نکات مفیدی را ذکر نمودند که تقدیم شما گرامیان می‌شود:

*چرایی ضرورت آشنایی با فتنه‌های آخرالزمانی

وی با اشاره به اینکه برای نیل به زیستن آگاهانه، خردمندانه و سعادت‌مندانه با نگاه به دنیا و آخرت توجه به پنج نوع تربیت، ضروری است، افزود: تربیت جسمی، عاطفی، عقلانی، دینی و اجتماعی برای نیل به حیات طویه لازم است، زیرا نیل به سعادت واقعی در بعد فردی و خانوادگی و اجتماعی مرهون کسب توانمندی و موفقیت در این پنج نوع تربیت است.

دریس با بیان نتایج حاصل از این پنج نوع تربیت اظهار داشت: شکوفاسازی شخصیت خودآوار به زندگی، برقراری ارتباطات موفق جمعی تا حد تاثیرگذاری مثبت و ارتباط عمیق با خدا نتایجی است که از توجه به پنج نوع تربیت حاصل می‌شود.

وی درباره دلایل ضرورت آشنایی با روش‌های فتنه‌ستیزی در دوره آخرالزمان، ادامه داد: حجم سنگین تبلیغات علیه مسلمانان و استیلای خبری و رسانه‌ای دشمنان، وجود شبهات و سؤال‌های بسیار و تولید مستمر شبهه‌های دینی از سوی دشمن، فروپاشی نظام خانواده و تبدیل خانه‌ها به یک استراحت‌گاه شبانه با توجه به روابط آزاد

*بهترین راهکار برای مبارزه با رواج گناهان آخرالزمانی

معاون طرح و برنامه بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج) درباره اصلی‌ترین روش‌های مقابله‌ای، بیان داشت: در «روش نه گفتن و اجتناب»؛ نه گفتن به افراد، افکار، جریان‌ها و محیط‌های غیر مناسب و آلوده وجود این مهارت موفقیت‌های مثبت انسان را به شدت ارتقا می‌بخشد که آثاری نظیر حذف زواید زندگی و مفیدسازی آن، سلامت روح و جان از آلودگی‌ها و صیانت از حریم دینی و اخلاقی فرد را در پی دارد.

وی «روش صبر و استقامت» را دومین شیوه مقابله‌ای دانست و افزود: یکی از مشخصات دوره آخرالزمان رواج گناه و تباهی و فساد و هرج و مرج فرهنگی و اخلاقی است، دوره‌ای که در آن همه ارزش‌های انسان و اسلامی به مخاطره می‌افتد و چه بسا ارزش‌ها و هنجارهایی

که به ضد ارزش و ناهنجاری تبدیل شود، داشتن مهارت صبر و استقامت در مقابل گناه بسیار مفیدتر در دوره آخرالزمان می‌افتد.

* آثار صبر در انتظار / نقش «روش مراقبت» در مواجهه با اندیشه‌های ناسالم

دریس در ادامه با اشاره به روایتی از پیامبر اکرم(ص) که فرمودند: «صبورانه در انتظار فرج بودن، عبادت است»، درباره آثار صبر گفت: صبر نصف ایمان، سهولت بخش سختی‌ها، بهترین پشتیبان، زیباترین لباس اخلاق، عامل کمال نفس و در نهایت عامل پیروزی است.

وی با بیان اینکه صبر به دو قسم «صبر در هنگام مصیبت» و «صبر بر طاعت و صبر بر ترک گناه» تقسیم می‌شود، درباره سومین روش مقابله‌ای، ادامه داد: «روش مراقبت»؛ به معنای محافظت از خود در برابر شرایط بد، افراد ناب و اندیشه‌های ناسالم و رفتارهای اشتباه است، کسب مهارت مراقبت به ویژه در دوره آخرالزمان برای سالم ماندن بسیار ضروری است، چرا که در صورت عدم مراقبت از خود، ممکن است انسان به وادی هلاکت بی‌افتد.

*روشی که منجر به واکسینه شدن در برابر ناملایمات فتنه می‌شود

معاون طرح و برنامه بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج) با اشاره به مصادیق مراقبت از خویش، ابراز داشت: مراقبت از خویش نسبت به خدا و احساس حضور دائمی در محضر او، مراقبت از خویش نسبت به امام زمان(عج)، مراقبت از اعضا و جوارح در برابر گناهان جوارحی، مراقبت خود از حرام خواری و رزق ناپاک و همچنین مراقبت از خود در برابر آتش غضب الهی و جهنم می‌تواند ما را در برابر فتنه‌های آخرالزمانی واکسینه کند.

وی از جمله شیوه‌های لازم برای زندگی دوره آخرالزمانی را «مهارت‌های خودافزایی اخلاقی» دانست و افزود: «خودافزایی اخلاقی» به معنای تحصیل زیبایی‌های اخلاقی و زینت آرای روح به مکارم اخلاقی و شخصیت‌افزایی معنوی خود است که طبق روایت رسیده از معصومین(عج) گوارا شدن زندگی، منظور شدن پادشاه جهاد در راه خدا، سنگین شدن ترازوی اعمال، گشایش اقتصادی و توسعه رزق و طولانی و با برکت شدن عمر در پرتو آراسته شدن به مکارم اخلاقی اتفاق می‌افتد.

* بهره‌گیری از روش تلاش‌گری

دریس درباره دیگر روش مقابله‌ای با عنوان «روش تلاش‌گری و جدیت»، گفت: یکی از آسیب‌های اخلاقی دوران آخرالزمان یأس و ناامیدی و خود ناتوان‌سازی است، عوامل پیدایش این حالت منفی اخلاقی در افراد، غلبه ظاهری دشمن و فرهنگ باطل، ضعف جبهه حق و طولانی شدن عصر غیبت و عدم تلاش و جدیت اهل ایمان در مقام عمل و عبادت و اصلاح‌گری فردی و اجتماعی است، بنابراین یکی از توصیه‌های مکرر قرآن و اهل بیت برای اهل این دوران، جدیت و جهاد در دو جبهه درونی (جهاد با نفس) و جبهه بیرونی (اصلاح‌گری اجتماعی) است.

(اصلاح‌گری اجتماعی) است.

وی با تأکید بر اینکه در دوره پر خطر آخرالزمان، برای تقویت عقیده و معنویت هر انسان نیازمند پناهگاه علمی و دژ مستحکم و معنوی است تا بتواند از خود در برابر این آسیب‌ها و آفات محافظت کند، ادامه داد: استراتژی راهبردی اهل بیت در این دوره برای نجات بخشی مؤمنین پناه بردن به قرآن و تمسک به آیات بینات آن است، این رهنمودها در دو بخش «عام» تمسک به قرآن در همه دوران‌ها و شرایط و «خاص» تمسک به قرآن در شرایط بحرانی و به ویژه دوره آخرالزمان قابل پیگیری است.

*نقش خانواده در مصون ماندن از فتنه‌های آخرالزمانی / مهم‌ترین سرمایه معنوی انسان چیست؟

دریس با اشاره به یکی دیگر از روش‌های مقابله‌ای با عنوان «روش خانواده محوری»، اذعان داشت: از دیدگاه اسلام ازدواج زیباترین و دوست‌داشتنی بنایی است که شکل می‌گیرد، این بنای انسانی بر پایه محبت عدالت خدمت معنویت و سخاوت بنیان‌گذاری شده است، از جمله عوامل مهم موفقیت در زندگی کسب مهارت‌های خانه‌داری و خانواده‌داری برای زن و مرد در روابط دو سویه زناشویی و روابط چند سویه با فرزندان و سایر نزدیکان است.

وی همچنین یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی انسان را «سرمایه دین، اخلاق و ادب» بیان کرد و گفت: برای حفاظت از سرمایه دین در دوره پر خطر آخرالزمان راهکارهایی در روایات از جمله ارتباط با خدا، خواندن دعای معرفت و ثبات، تلاش برای تحصیل باور استدلالی و یقین، کسب محبت اهل بیت، عقل‌مداری و فقاقت دینی آمده است.

*اصلی‌ترین عامل روانی

برای امیدواری به آینده

معاون طرح و برنامه بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج) «روش امیدواری و انتظار» را یکی از اصلی‌ترین عوامل روانی برای زنده بودن و زندگی کردن دانست و افزود: اصل انتظار که بر اساس نوید و امید به آینده استوار است از مفاهیم دینی بوده که در مقابل واژه «یأس» قرار می‌گیرد، بر اساس این اصل یک انسان مؤمن با امید و اطمینان به آینده‌ای روشن و موفق هرگونه یأس و ترس را از خود دور می‌سازد و با نگاهی خوش‌بینانه به خدا و خود و سیر تکاملی تاریخ در خدمت به مردم و اصلاح طلبی و عبادت و کسب کمالات شخصی خستگی‌ناپذیر و مجدانه به تلاش‌های خود ادامه می‌دهد.

*چرا انتظار برترین عبادت است؟

وی درباره عوامل متعددی که به یأس و بدبینی نسبت به آینده در دوران انتظار دامن می‌زنند، بیان داشت: غیبت و پنهانی امام زمان(عج) و طولانی شدن آن، فعالیت مکاتب و فرقه‌های گوناگون فکری و اخلاقی با حجم تبلیغاتی سنگین دینی و ایجاد تحیر در انسان‌ها، تبلیغات ضعیف حق جویان و ناتوانی دینداران، فراوانی گناهان و خطاهایی چون رباخواری، حرام خواری، رشوه، انحرافات جنسی، قمار، شراب و قانونی شدن فرهنگ شدن آن‌ها و وجود علمای سوء و ضد دین و کم‌تعدادی و ناشناخته بودن عالمان معنوی اصیل و با تقوی از جمله عوامل بدبینی به اصل انتظار است.

دریس با اشاره به نقش برجسته انتظار در روایات آخرالزمان تصریح کرد: به همین جهت انتظار به عنوان برترین عبادت، برترین اعمال امت، محبوب‌ترین اعمال نزد خدا، پاداش روزه‌داری و شب زنده‌داری داشتن، همجواری با اهل بیت(عج) و همچنین به منزله جهاد در رکاب رسول خدا(ص) دانسته شده است.

۱. این مصاحبه در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس صورت گرفته است.

امام زمان یار زیگراگی نمی خواهد!

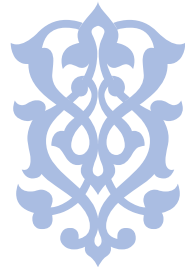
✽ زینب احمدزاده

دبیر بینش راست می‌گه، امام زمان علیه السلام یار زیگراگی نمی‌خواد؛ یار بی‌بخار و تبیل نمی‌خواد؛ یار منفعت طلب نمی‌خواد.

برای یار امام زمان علیه السلام دین، روش زندگیه؛ الگوی زندگیه؛ اصلاً دین عین زندگیه؛ ولی بعضی از ما گاهی به جان دین، نق می‌زنیم؛ هزار جور اما و اگر می‌اریم که چرا فلان جا، فلان دستور رو دادن. گاهی هم گلایه که ای بابا سخته، مشکله، نمی‌تونیم و البته گاهی وقتی حسابی خراب کردیم، از مقصرین لیست تهیه می‌کنیم. آخرش هم با هزار توجیه، سینه ستبر می‌کنیم که فلانی، تو باعث انحراف من بودی؛ تو مانع جلو پام گذاشتی؛ خدا خودش جای حق نشسته و حسابتو کف دستت می‌ذاره؛ حسابرسه؛ داوره؛ قاضیه؛ یا وقتی کم می‌اریم یا به جایی از کارمون می‌لنگه زود یاد خدا می‌افتیم و کلی سر و صدا که یا مشکلمو حل می‌کنی یا نه من، نه تو! خلاصه تکلیف خودمونو نمی‌دونیم. دلایلش هم زیاده ولی مهمترینش، جهالت، جهالت از این جهت که عقلامونو خوابوندیم و حسابی بهش استراحت دادیم. اصلاً به خودمون زحمت نمی‌دیم؛ آخه خسته می‌شیم. نه اصلاً کار داریم؛ درس داریم؛ حوصله فکر کردن به این چیزا رو نداریم؛ جستجو در دین کار ما نیست؛ وقت تحقیق کردن نداریم، ولی تا دلت بخواد رو داریم. بابا اصلاً ما این جوری هستیم تا به چیزی مطابق میلمون نیست فوری پشش می‌زنیم و اخ و اوخ می‌کنیم.

آخه این انصافه؛ عدالت؛ خودت بگو. ای وای از دست کارای این آخرالزمونی‌ها. حالا از صبح تا شب تو اینترنتن که به موقع دائلود جدید میاد از دستمون میره؛ همش پشت وپترین مغازه‌ها و در حال خریدن که به موقع مدل‌های جدید میاد بی‌خبر نمونیم. یعنی واقعا آدمی برا این کارا آفریده شده. آخه بنده خدا! درسته پیامبرت در قید حیات نیست، درسته از ولایت ظاهری امامت بی‌نصبی، ولی آخه چرا یادت میره خدا بالا سرت و امام زمان علیه السلام و پیامبر و یازده امام دیگه دارن تو رو می‌بینن. به خدا انصاف نیست بعد از این همه ایثار و فداکاری بیست و چهار هزار پیامبر و سختی‌های زیادی که چهارده معصوم، متحمل شدن فقط و فقط برا هدایت ما، با وجود این همه چراغ روشن واسه خوب زندگی کردن تو قرآن و سیره امامان و احادیث و روایات، ما این قدر ناجوون مردی کنیم.

آخه دیگه چه بهانه‌ای؛ چه عذری؟ من که از کارای خودم و بعضی‌های دیگه سر در نمی‌ارم. خدای بزرگی که عقل و منطق به این دقت و بزرگی به ما داده، این همه قابلیت و توانایی و استعداد و از همه مهمتر روحی که از خودش در ما دمیده تا همیشه راهی باشه برای راه گم نکردن، چرا و چرا ما این قدر فراموش داریم و فراموشش می‌کنیم؟ چرا این قدر مغرور و خودخواهیم؟ چرا حسودیم؟ چرا عالم بی‌عملیم؟ چرا به دستورات دینمون عمل نمی‌کنیم؟ چرا بدحجابی می‌کنیم؟ چرا قضاوت عجولانه می‌کنیم و تهمت می‌زنیم و توهین و غیبت می‌کنیم؟ چرا حرمت نگه نمی‌داریم و از همه مهم‌تر چرا دنبال جواب سؤال هامون نمی‌گردیم؟ عاشق امام و این کارا؟ باور کنیم قوانین دین برای اینه که قشنگ‌تر و آروم‌تر زندگی کنیم. به خدا خوب بودن خیلی شیرینه و بهترین مزه اون ارتباط با ولی خدا و امام زمانمونه؛ همونی که از طرف خدا برگزیده شده برای بزرگترین اتفاق دنیا؛ یعنی واقعا دوست نداریم تو به همچین پیش‌آمدی سهیم باشیم؛ کمک حال باشیم و بی‌کار نشینیم. بیایید بیشتر به کارمون فکر کنیم. نا سلامتی ما باید مقدمات ظهور رو آماده کنیم! به نظرم به خونه تکونی حسابی لازم داریم!



رویدادها و گزارش‌ها

ناقله؛ نازدانه؛ نوازش!
غایب در بر من! کجایی؟
ابوالقاسم حسینیجانی



از طرح مباحث مهدوی در سیما استقبال می‌کنیم

محمد رضا شایان

اشاره: دکتر محسن حبیبی مدیر گروه معارف اسلامی شبکه دوم سیما و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، سابقه سال‌ها تدریس معارف و فلسفه در دانشگاه‌ها را در کارنامه خود را دارد. وی تحصیل کرده رشته فلسفه بوده و دکترای خود را با موضوع فلسفه اسلامی اخذ کرده است. دکتر حبیبی سالیانی طولانی به فراگیری علوم دینی نیز مشغول بوده است و از محضر اساتیدی چون آیات عظام مقام معظم رهبری، مکارم شیرازی و سبحانی بهره برده است. وقتی به ایشان گفتیم برای مصاحبه از مجله امان آمده‌ایم، به گرمی از ما استقبال کرد و از آمادگی تهیه کنندگان و برنامه‌سازان برای گسترش مباحث مهدوی در رسانه صدا و سیما گفت که حاصل این گفت‌وگو تقدیم شما خوبان می‌گردد.



آقای دکتر! به نظر می‌رسد مسئولین صدا و سیما آن‌گونه که باید، نسبت به طرح مباحث مهدویت در این رسانه، اهمیت نمی‌دهند؟

قبول داریم که برنامه‌های مهدوی در رسانه کافی نیست، ولی اعتقاد دارم این مسأله به ارتباط حوزه با دست‌اندرکاران و برنامه‌سازان باز می‌گردد و باید سعی شود ارتباط دست‌اندرکاران رادیو و تلویزیون با حوزه‌های علمیه گسترده‌تر شود؛ البته هم از طرف حوزه‌های علمیه باید اقبال صورت بگیرد و هم از طرف برنامه‌سازان. شما توقعی که در حوزه معارف مثل مهدویت دارید این است که برنامه‌سازان ارتباطشان را با مراکز حوزوی بیشتر کنند؛ این انتظار به جا است ولی به نظر می‌رسد برنامه‌سازان گرفتار هزار توی برنامه‌سازی‌ها هستند و انتظار دارند که از طرف حوزه هم حرکتی صورت بگیرد آنها علاقه‌مند هستند که از اساتید و پژوهش‌های دینی در برنامه‌ها استفاده کنند.

برای تعامل رسانه و حوزه چه تمهیداتی می‌توان اندیشید؟ اگر مراکز پژوهشی حوزوی یا بنیادهای مهدوی بخواهند حضور رسانه‌ای قوی داشته باشند چه راه‌کارهایی پیشنهاد می‌کنید؟

برای حضور برادران حوزوی و پژوهشگران دینی، هیچ ممنوعیتی در صدا و سیما وجود ندارد؛ شاهد آن هم همین برنامه عمو پورنگ است که حضور یک روحانی را در برنامه گنجانده است. همین قدر که خود برنامه، به سمت آوردن یک روحانی در برنامه می‌رود یعنی برنامه‌ساز می‌خواهد این کار را انجام بدهد؛ پس اقبال هست. فکر می‌کنم با یک تعامل سازنده، می‌توان فاصله بین حوزه‌های علمیه و رادیو و تلویزیون را برطرف کرد.

همان‌طوری که در دوره جدید برنامه عمو پورنگ به تبلیغ کتاب و کتاب خوانی برای بچه‌ها با شیوه‌های کودکانه و شاداب پرداختیم، گذشته از بحث موفقیت یا عدم موفقیتش، همین که سمت و سوی این برنامه با موضوع کتاب و کتاب‌خوانی گره خورده، نشان‌دهنده اشتیاق برنامه‌سازان به طرح ایده‌های دینی و فرهنگی است.

اگر مراکز پژوهشی حوزوی مانند بنیاد حضرت مهدی موعود(عج) نیز خواستار این هستند که حضور موفق‌تری را در برنامه‌های مختلف سیما داشته باشند، بنده اعلام می‌کنم که ما آمادگی داریم از این عزیزان در برنامه‌های خانواده و یا کودک و نوجوان به بهترین نحو استفاده کنیم.

با توجه به رویکرد شبکه دو در برنامه‌سازی برای کودک و نوجوان و نیز خانواده‌ها چه برنامه‌ای برای پررنگ‌تر شدن مباحث دینی به ویژه در عرصه مهدویت، اندیشیده شده است؟

شبکه دوم سیما مخاطبان زیادی دارد و اختصاصاً برنامه‌های کودک در این شبکه متمرکز شده و طیف گسترده‌ای از مخاطبان کودک و خانواده‌ها را تحت پوشش قرار داده است، لذا شبکه به نام کودک و خانواده شناخته می‌شود و شعار شبکه هم شبکه زندگی قرار داده شده است. در گروه معارف اسلامی تلاش‌مان بر این است رویکرد مذهبی را در برنامه‌ها لحاظ کنیم، یعنی در گروه معارف هم برای کودکان و هم برای مخاطب نوجوان برنامه‌سازی کردیم.

برنامه روتین کودک، سال‌های سال در سازمان صدا و سیما تولید و پخش می‌شود اما تعداد برنامه‌های معارفی ویژه کودک و نوجوان، انگشت‌شمار است. شاید خیلی‌ها برنامه‌های حاج آقای راستگو را یادشان باشد؛ این برنامه جزء اولین برنامه‌های معارفی بود که برای کودکان و نوجوانان تولید شد و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ روی آنتن رفت و کار خیلی خوبی بود، اما تجارب در این زمینه بسیار محدود و اندک بوده است به طوری که با کم رنگ شدن نقش آقای راستگو در رسانه، کمتر کاری را شاهد بودیم که هم جنبه معارفی و دینی و قرآنی داشته باشد و هم ویژه کودک و نوجوان باشد، به همین علت به

دلیل تجربیات اندک در این زمینه به ویژه برای نوجوانان، کار بسیار سخت است؛ البته برنامه‌های مذهبی برای کودکان بیشتر تولید و عرضه شده است ولی برای نوجوانان تقریباً انگشت‌شمار است؛ لذا ما سعی کردیم یک برنامه روتین معارفی را برای نوجوانان ایجاد کنیم که دو سالی است به نام بچه‌های مسجد روزهای پنج‌شنبه و جمعه از شبکه دو سیما پخش می‌شود و توانسته است نظر مخاطبین زیادی را به خود جلب کند. بچه‌های مسجد یکی از معدود برنامه‌های مسجدمحور سازمان صدا و سیما است که تلاش شده است اختصاص به نوجوانان و دانش‌آموزان داشته باشد و آنان را به حضور در مساجد ترغیب و تشویق کند، چرا که اعتقاد داریم در فرهنگ دینی، نقش مساجد در اصلاح جامعه، بسیار تأثیرگذار است و اگر این سنگر در سطح جامعه کم رنگ بشود، مطمئناً لطمه خواهیم خورد.

ظاهراً در برنامه‌سازی‌ها می‌شود بیشتر رویکرد دینی را لحاظ کرد اما در عمل شاهد چنین اتفاقی نیستیم؛ این‌طور نیست؟

صدا و سیما در برنامه‌ها، خود را ملزم به ترویج فرهنگ دینی و باورهای مهدوی می‌داند مانند برنامه عمو پورنگ که امیر محمد در آن به اجرای شعر انتظار می‌پردازد؛ البته قبول دارم که این قبیل برنامه‌ها محدود است؛ از سویی دیگر، مطالعات در زمینه معارف در حوزه کم نیست؛ متن‌هایی که در مراکز پژوهشی - تحقیقی تولید می‌شود زیاد است ولی به نظر می‌رسد بین مراکز پژوهشی حوزه و رسانه، فاصله وجود دارد.

ما باید تا جایی که می‌توانیم این فاصله را کم کنیم تا بتوان هم برنامه‌های مذهبی را پربارتر کرد و هم رویکرد برنامه‌ها را با باورهای دینی نزدیک‌تر کنیم.

در ماه مبارک رمضان گذشته از حاج آقای محمدی از روحانیون خوب در برنامه عمو پورنگ استفاده کردیم که ایشان توانست مفاهیم دینی و اعتقادی را به شکل شاد و مفرح به بچه‌ها منتقل کند که با ساختار برنامه هم سازگار بود.

باید توجه داشت کار رسانه‌ای برای کودک و نوجوان، کار بسیار سختی است چون کوچک‌ترین تغییری که بدون مطالعه انجام شود، ممکن است به اصل کار، لطمه بزند. در زمینه برنامه‌های کودک و نوجوان باید مفاهیم مذهبی و مهدوی از حالت انتزاعی مطلق که بیشتر مختص بزرگسالان هست خارج شده و به شکل نرم و لطیف و مناسب با حال و هوای کودکان و نوجوانان ارائه شود که این مسأله در تعامل به دست می‌آید که در برنامه‌هایی مثل عمو پورنگ و یا فیتله و یا برنامه‌های دیگر عرضه شود.

اگر شما برنامه‌های آقای قناد را دنبال کرده باشید به واسطه ارتباطی که بین تهیه‌کنندگان این برنامه و ستاد اقامه نماز سازمان صدا و سیما برقرار شده است، در چندین قسمت از برنامه خونه به خونه و جمعه به جمعه محتوای مسابقه برنامه، مفاهیم نماز بود، به طور مثال در یک قسمت از این برنامه عکس یک نوجوان در حال گفتن اذان نشان داده شد و از بچه‌ها

خواسته شد که بگویند این نوجوان در حال انجام چه کاری است؟ یا عکس دیگری نوجوانی را در حال رکوع نشان داده شد و از کودکان خواسته شد که بگویند این چه قسمتی از نماز هست؟

خب برای خردسال و کودک همین که ما تصویری از کعبه را به او نشان دهیم و به او القا کنیم که این کدام مسجد است که ما به آن سمت نماز می‌خوانیم و منطبق بر میزان درک و فهمشان مفاهیم دینی را انتقال دهیم یک گام مثبت به سمت آشنا کردن نسل آینده با معارف دینی برداشته‌ایم. ما باید درک کنیم هر برنامه چقدر پتانسیل انتقال مفاهیم دینی و اخلاقی را دارد و از سوی دیگر می‌توان با ارتباط با برنامه‌سازانی مانند جناب آقای قناد که فردی بسیار مؤمن و خوبی است از او بخواهیم مباحث مهدوی را برای کودکان مطرح کند.

نکته‌ای که بد نیست مراکز تحقیقاتی بدانند این است که کودک امروز، با برندها زندگی می‌کند و این یک حقیقت است؛ خارج از مرزها هم همین است، مثل برند سوپرمن یا برند بن‌تن یا عروسک‌های برند باربی که شخصیت کودک را شکل می‌دهد و عکس لباسش و کفشش و مدل مو می‌شود. فعلاً با خوب یا بد بودن آنها کاری نداریم اما این‌ها برندهایی هستند که کودکان امروز با آنها زندگی می‌کنند؛ امروزه کلاه قرمزی یک برند برای کودکان است؛ بچه‌ها امروز با عروسک‌های شکرستان، زندگی می‌کنند؛ بچه‌ها با پورنگ و قناد زندگی می‌کنند. این‌ها حقایقی است که باید مراکز تحقیقاتی و پژوهشی که دوست دارند در عرصه کودک و نوجوان کار کنند، روی برند سازی‌ها کار کنند.





یار همایون منظرم، آخر در آید از دَرَم
امید خوش می پرورم، زین نخل، باری می رسد
یدالله مفتون امینی

خبر یار

منصور شیخزاده

با خبر باش که از یار، خبر می آید

خبر یار عنوان جدیدی است که در پاسخ به درخواستهای به حق و مکرر شما برای درج خبرهای مربوط به مهدویت، بخشی از مجله را به خود اختصاص داده است. منتظر خبرهای مهم مهدوی شما هم هستیم. به ایمیل ما اخبارهای خود را با ذکر نام و شماره تماس اعلام فرمایید.



عربستان و نگرانی از ساخت سلاح هسته‌ای در ایران

یکی از دیدگاه‌هایی که به صورت پی در پی در بسیاری از رسانه‌های غربی درباره مهدویت مطرح شده، این است که ایرانیان برای آماده سازی زمینه ظهور دوازدهمین امامشان، به دنبال ساخت بمب هسته‌ای هستند! از میان ده‌ها رسانه خارجی که به این موضوع پرداخته‌اند، به عنوان نمونه می‌توان به سه مورد اشاره کرد: اول. خبرگزاری آمریکایی یونایتد پرس در تاریخ ۵ آذر به تحلیل رابطه‌ای که اخیراً میان اسرائیل و عربستان سعودی برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران شکل گرفته، می‌پردازد. نویسنده این تحلیل، معتقد است که بر خلاف قوانین اسلام که بر مبنای آن یک کشور مسلمان نمی‌تواند در کنار یک کشور غربی، علیه کشور مسلمان دیگری بجنگد، اعراب با این استدلال که شیعیان جزء مسلمانان محسوب نمی‌شوند، آن‌ها را هم‌ردیف بی‌دینان قرار می‌دهند. نویسنده در ادامه می‌افزاید که عربستان سعودی به طرز مرگ آوری نگران برنامه هسته‌ای ایران است و بر خلاف اوپاما، خطر ایران را درک می‌کند زیرا می‌داند چرا ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است؛ برای عملی کردن اعتقاد آخرالزمانی‌اش، مبنی بر بازگشت امام دوازدهم.

متن کامل مقاله را در نشانی زیر بخوانید:

http://www.upi.com/Top_News/Analysis/Outside-View/2013/11/26/A-shifting-Middle-East-alliance/UPI-45831385442180

ایران هسته‌ای، زمینه‌ساز ظهور

شبکه خبری اسرائیلی آروتز شوا نیز در پایگاه خبری خود به نام اخبار ملی اسرائیل به تحلیل برنامه هسته‌ای ایران پرداخته است. در این تحلیل ضمن انتقاد شدید علیه کسانی که متهم به تضمین این مسأله هستند که ایران هسته‌ای هرگز به واقعیت تبدیل نخواهد شد و در تلاش برای آن چه نویسنده آن را بیدار کردن غرب از مرگ ظاهری می‌نامد، سعی نموده است که ضمن تحریف مسأله مهدویت، به خواننده القا کند که بر خلاف کشورهای غربی که سلاح هسته‌ای دارند، ولی از آن استفاده نمی‌کنند، ایران در صورت دستیابی به سلاح هسته‌ای از آن برای آماده کردن مقدمات ظهور منجی شیعیان استفاده خواهد کرد، زیرا رهبران شیعه آن معتقدند که در آخرالزمان، یک فرستاده متولد قرن نهم میلادی، امام دوازدهم، برای این که تمامی بی‌دینان را کشته و پرچم اسلام را در هر چهار گوشه دنیا بیافرازد، ظهور خواهد کرد.

در ادامه، نویسنده ضمن اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب در مورد اهمیت مطالعه و تفکر در مورد مسأله آخرالزمان و دوره ظهور امام مهدی (عج) می‌افزاید حسن روحانی، رئیس جمهور جدید ایران نیز دیدگاهی مشابه با آیت الله خامنه‌ای دارد. گزارش‌ها به نقل از روحانی حاکی از آن است که وی برای پیروزی در انتخابات ۹۴ خرداد، از موعود اسلام تشکر کرده است.

متن کامل مقاله را در نشانی زیر بخوانید:

<http://www.israelnationalnews.com/Articles/Article.aspx/#13917.UrMGQtRm4as>

انگشت سرنوشت!

در یک پایگاه خبری پر طرفدار کانادایی، در مطلبی تحت عنوان «انگشت سرنوشت» در تلاش برای غیر صلح‌آمیز جلوه دادن برنامه هسته‌ای ایران، آمده است که «مسلمانان شیعه معتقدند، امام دوازدهم، یا مهدی (عج) آخرین نفر از قدیسانی است که به ترتیب پس از علی (ع) مؤسس مذهب شیعه آمده‌اند. اعتقاد بر این است که مهدی (عج) در سال ۹۴۱ پس از میلاد مسیح (۳۳۰ هـ.ق) در چاهی ناپدید شده است اما پس از شروع جنگ‌هایی در آخرالزمان که کلاهک‌های هسته‌ای ایران آن‌ها را به وجود می‌آورند مهدی (عج) ظهور خواهد کرد و کل جهان به اسلام روی خواهند آورد. نویسنده در ادامه می‌افزاید «بنابراین انگشت اتهام به سمت برنامه هسته‌ای ایران بدون شک یک انگشت منطقی است، زیرا انگشت سرنوشت است».

متن کامل مقاله را در نشانی زیر بخوانید:

<http://canadafreepress.com/index.php/article/59575>

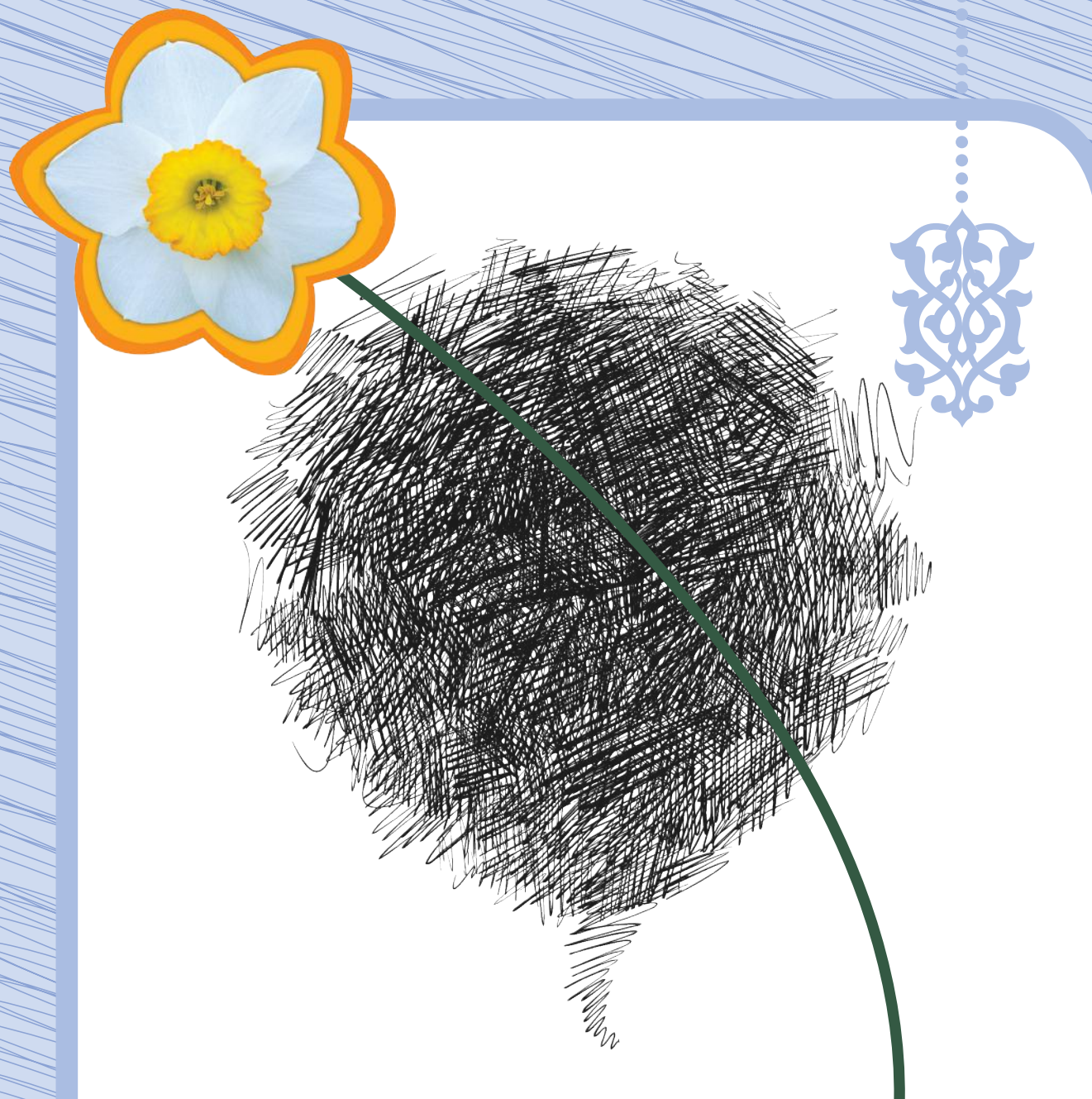
دو سال زندان به جرم بیان جمله‌ای از حضرت مهدی (عج)

روزنامه جاکارتا پست اندونزی، پنج شنبه چهاردهم آذر اعلام کرد، رئیس جمهور اندونزی از کمیته‌ای تحت عنوان «پیگیری اُشتی مجدد شیعیان و سنی‌ها» در شهر سامپانگ دیدار کرده و با اعضای آن که از روحانیون سنی هستند ملاقات نمود. بودهیونو، رئیس جمهور اندونزی، به دلیل قائل شدن رفتارهایی نظیر اخراج شیعیان از شهر سامپانگ و انتقال آن‌ها به جزیره‌ای در شرق جاوا به نام سیدوآرجو، در پی اتفاقات سال ۲۰۱۲ و شرکت ندادن رهبران شیعه در فرآیند اُشتی شیعیان و سنیان، مورد انتقاد افکار عمومی قرار گرفته است. جاکارتا پست اعلام کرده است که در جولای ۲۰۱۲، رهبر وقت شیعیان در شهر سامپانگ، تاج الملوک، در دادگاه عالی محکوم به توهین به مقدسات شد. این روزنامه افزوده است «پس از اعلام حکم دادگاه، مردم به خانگی تاج الملوک و پیروانش هجوم بردند و ۲ نفر از شیعیان را به قتل رساندند».

در سپتامبر ۲۰۱۲ دادگاه عالی اندونزی، حکم حبس تاج الملوک را، به این دلیل که از درون زندان به پیروانش اعلام کرده بود که نسخه اصلی قرآن هنوز در دستان امام مهدی (عج) است، از دو به چهار سال افزایش داد. روحانیون سنی اعلام کرده اند به شرط توبه کردن و پیوستن به اهل سنت، به شیعیان سامپانگ اجازه می‌دهند به خانه‌های خود باز گردند.

متن کامل مقاله را در نشانی زیر بخوانید:

<http://www.thejakartapost.com/news/2013/12/05/president-sby-ignores-sampang-shiites.html>



آسیب شناسی



برگزاری سومین همایش گفتمان مهدویت توسط دانشگاه زنجان در اسفند ماه

حجت الاسلام محرمعلی شیرمحمدی مسئول دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی زنجان با اشاره به برگزاری سومین همایش مهدویت، افزود: «این همایش ششم اسفند ماه سال جاری با حمایت‌های دکتر رحیم سروری زنجانی رئیس دانشگاه و قائم مقام وزیر در استان و همکاری معاونت فرهنگی و امور دانشجویی دانشگاه در زنجان برگزار خواهد شد».

مسئول دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری اظهار داشت: «در عصر کنونی در بعضی موضوعات از جمله نبود تفکر و باور مهدویت و انسجام اسلامی، التقای یأس و ناامیدی توسط غرب و تغییر هدف زندگی که از حالت ارزشی به حالت مادی تبدیل شده است احساس خللی وجود دارد که در این راستا هدف از این همایش، ایجاد امید و انگیزه، شور مهدویت و تجهیز دانشجویان به سلاح مهدویت در سایه وحدت اسلامی تعریف شده است. ایشان با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری بر سبک زندگی و تمدن نوین اسلامی، گفتمان مهدویت را در این راستا برشمرد و افزود: این همایش شامل برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی، برگزاری مسابقه کتابخوانی از آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی تحت عنوان باورداشت مهدویت و معرفی کتاب نفیس «منتخب الاثر» از آثار ایشان که به سفارش حضرت آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله تألیف شده و از منابع عرصه مهدویت است، ارائه مقالات و مواردی دیگر خواهد بود». قابل ذکر آنکه اولین همایش گفتمان مهدویت در کردستان و دومین همایش در تبریز برگزار شد.



گردهمایی بزرگ دانشجویان مهدی یاور با شرکت بیش از ۳۰۰۰ دانشجو

گردهمایی بزرگ دانشجویان مهدی یاور با همکاری نهادهایی چون وزارت علوم و دانشگاه پیام نور، آزاد، علمی کاربردی و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، با حضور بیش از دو هزار دانشجو از استان‌های اطراف قم، تهران، مرکزی، اصفهان، کاشان، البرز و قزوین برگزار شد.

رحیم قربانی مسئول قرآن و عترت بسیج دانشجویی در گفت و گو با خبرنگار فرهنگی «خبرگزاری دانشجو» گفت: گردهمایی بزرگ دانشجویان مهدی یاور شنبه ۲۱ دی ماه هم‌زمان با نهم ربیع به امامت رسیدن امام زمان عج در مسجد جمکران برگزار و در گردهمایی امسال حجج الاسلام رحیمیان - تولیت مسجد مقدس جمکران -؛ محمدیان - رئیس نهاد مقام معظم رهبری - و علیرضا پناهیان سخنرانی کردند و همچنین برنامه‌های متنوعی از جمله مداحی، قرائت عهد نامه و سرود دسته‌جمعی دانشجویان برگزار شد.

قربانی خاطرنشان کرد: مراسم گردهمایی مهدی یاوران، همه ساله با نام عصرآفتاب به مناسبت به امامت رسیدن امام زمان عج با همکاری نهاد مقام معظم رهبری، سازمان بسیج دانشجویی و سایر نهادهای دانشگاهی در مسجد مقدس جمکران برگزار می‌شود.



مؤمن انقلابی

✽ مسعود دیانی

فرصت مصرف‌زدگی ندارد!

سخن آغازین

فرهنگ مصرف هر فرد و جامعه‌ای به سبک زندگی آن فرد و جامعه بازگشت دارد.

سبک زندگی مانند موتور محرکه اتومبیل‌های گوناگونی است که در جاده‌ها در حال حرکت‌اند و بر اساس مصرف قابل مقایسه باهم هستند.

این‌گونه می‌توان از سبک زندگی‌های پر مصرف، سبک زندگی‌های کم مصرف و با حتی سبک زندگی‌های بد مصرف، نام برد و نمونه‌های آن را به نظاره نشست.

در این میان بی‌شک، سبک زندگی آرمانی که در فضای معاصر و پس از تجربه انقلاب شکوهمند اسلامی می‌توان به ازای آن از واژه سبک زندگی انقلابی استفاده کرد. این

سبک از آن دست سبک‌هایی

است که هم به حسب مبانی

تئوریک و آموزه‌های نظری و

هم از نظر نمونه‌های عینی،

واقعی و تاریخی قابل رصد،

ضامن الگوی مصرف صحیح و

در عین حال مفید و کارآمد

برای بشریت است. بازگشت و

بازخوانی این سبک اصیل و

ریشه‌دار و تعهد و التزام به

آن در مقام عمل حلال

مشکلات بسیاری از جوامع

اسلامی و حتی غیر اسلامی

خواهد بود. آنچه می‌توان بر

ادعای فوق مهر تأیید بزند و

یا دقت در آن توصیه کند

واکاوی مؤلفه‌ها و پارامترهای

موجود در سبک زندگی

انقلابی و بررسی نوع رابطه

مؤمن انقلابی آرمان‌خواه با

مقوله مصرف است؛ مسأله

مهمی که در ذیل به نکاتی از

آن اشاره می‌شود:

۱. مؤمن آرمان‌خواه انقلابی، دچار کج‌فهمی نیست

سبک زندگی انقلابی سبک زندگی فهیمانه است و یکی از نقاط تجلی این فهم عمیق در تنظیم رابطه دنیا و آخرت و یا به تعبیری دیگر دین و دنیاست؛ رابطه‌ای کاملاً معقول و منطقی و معتدل. مؤمن انقلابی آرمان‌خواه از کج‌فهمی‌هایی که بین این دو تباین تام برقرار می‌کنند و نگاه به یکی را مستلزم چشم‌پوشی کامل از دیگری می‌دانند و تنها راه سعادت دینی و اخروی را در رهبانیت و دوری از هرگونه مصرف پدیده‌های مادی بر می‌شمرند، مصون است و بیزار از آنها. آرمان‌خواه انقلابی به تعلقات مصرف خویش به دید نعمت الهی نگاه می‌کند و با اذن حضرت حق و با رعایت حلال و حرام بر سر سفره ضیافت الهی میهمان می‌شود و با رعایت ادب و اخلاق و وزانت و تواضع از این سفره بهره‌مند می‌گردد و زمزمه شکر بر زبان جاری می‌سازد و فقط به دام اسراف و تبذیر نمی‌افتد.

۲. از مصرف نکردن برای خود دکان نمی‌سازد

مؤمن انقلابی آرمان‌خواه اگرچه همواره در بین مردم محبوب است و دارای احترام و ارج و قرب، اما هیچگاه عقده مشهوریت و محبوبیت ندارد؛ برای خود دکان راه نمی‌اندازد و به دنبال جمع مرید و هوادار و هواخواه و فدایی نمی‌رود بلکه به شدت و با همان روحیه انقلابی و حماسی خود، تمام قد، در مقابل این گونه افراد قد علم می‌کند، کسانی که با زهد فروشی و ریاکاری و دوری از مواهب و نعمتهای حلال الهی سعی در فریب فطرت‌های پاک دارند و بی‌اعتنایی خود به مصرف این نعمتها را شهادی بر مقامات و کمالات معنوی خود بر می‌شمرند و از این راه، مصداق ترک کنندگان دنیا برای دنیا می‌شوند.

۳. مؤمن انقلابی، آرمان‌دار و آرمان‌خواه است

مؤمن انقلابی در سبک زندگی ایمانی، بی‌هدف و رها و سرگردان نیست. او برای خودش آرمان‌های والا و اهدافی متعالی دارد که برای حرکت و کمال و رشد او کشش و جاذبه‌ای بی‌نهایت ایجاد می‌کنند و همه چیز زندگی را با خودشان تنظیم نمایند که از جمله آنها مقوله مصرف است. در سبک زندگی ایمانی مصرف در محک آرمان، قرار می‌گیرد و این‌گونه معنی پیدا می‌کند و البته هیچگاه قوت پیدا نمی‌کند چرا که رسیدن به قله‌های بلند آرمانی و آسمانی هیچ‌گاه با جاذبه مصرف‌گرایی زمین قابل جمع نیستند. به تعبیر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) «عزم و اراده‌های بلند و مصمم هرگز با سورچرانی و ولیمه‌خوری یک جا جمع نمی‌شود». مصرف، مادامی محترم است که در اختیار آدمی باشد نه اینکه آدمی بنده و عبد مطیع مصرف‌زدگی قرار گیرد.

۴. مؤمن انقلابی در مصرف نکردن هنرمند است

سبک زندگی ایمانی سرشار از لطافت‌ها و ظرافت‌ها و هنرمندی‌هاست. یکی از زیبایی‌های هنرمندانه مؤمن انقلابی، نمود این جلوه است که با حداقل مصرف، موجب بیشترین اثر و خیر و برکت می‌گردد و این‌گونه نه تنها به یک مصرف‌کننده صرف و مقامی شبیه به انعام و چهارپایان «بل هم اخل»، تبدیل نمی‌شود و مفید فایده می‌افتد بلکه با هنر مصرف از کم‌ترین مصرف، بیشترین فایده را بر جا می‌گذارد.

۵. مؤمن انقلابی فرصت مصرف‌زدگی ندارد

اهتمام به آرمان‌ها اهداف و برنامه‌های ایمانی و آرمانی آن قدر وقت و فرصت و انرژی برای خود می‌طلبند که تمام فرصت‌ها و وقت‌های مؤمن انقلابی را به خود اختصاص دهند و جایی برای امور زاید و تفتنی مانند مصرف زدگی و تجمل‌گرایی و اسراف و تبذیر باقی نمی‌گذارند. این‌گونه اگر به اطراف خود نگاهی بیندازیم بر این نکته صحه می‌گذاریم که آن که هدفی در سر ندارد و فرصت‌هایش بی‌هیچ برنامه‌ای، رها شده بیش از دیگران دچار مصرف زدگی است.

۶. امتیاز مؤمن انقلابی در توان بر مصرف بیشتر نیست

بسیار کسان هستند که وجه برتری خود بر دیگران را در توان بیشتر بر مصرف می‌یابند و از همین رو به پول و قدرت و مقام علاقه‌مندند اما مؤمن انقلابی در سبک زندگی دینی آرمانی، این بازی را بر هم می‌زند و ساز معادله دیگری را کوک می‌کند که در آن برتری و بهتری نه به توان بیشتر به مصرف‌زدگی که اتفاقاً به کم‌موئنه بودن و تقوا و علم و جهاد و حماسه است و گاه دور بودن از این چرخه مصرف‌زدگی و پول‌جویی و ثروت‌خواهی، مایه افتخار می‌شود.

۷. مؤمن انقلابی عزیز است

یکی از مهمترین مؤلفه‌های سبک زندگی آرمانی که جزء خط قرمزهای آن حساب می‌شود، مقوله عزت است. عزت آن قدر اهمیت دارد که می‌توان برای حفظ آن از جان گذشت و حسین وار آوای «الموت اولی من رکوب العار» مرگ سزاوارتر از تون دادن به ذلت‌هاست سرداد. مصرف زدگی افراطی است که همواره فرد و جامعه را در موقعیت حاجت و نیاز قرار می‌دهد و از این رو با عزت نفس کشاکش پیدا می‌کند. مؤمن انقلابی عطای این مصرف زدگی را به لقایش می‌بخشد و عزت خود و جامعه‌اش را در معرض آسیب و خطر قرار نمی‌دهد. او دل در گرو نیاز ندارد و عاشق و شیفته دنیای عجزه هزار داماد نیست!

علاوه بر موارد اشاره شده می‌توان مؤلفه‌های مهم دیگری از سبک زندگی و زیستن انقلابی اضافه نمود؛ مواردی مانند کیفیت گرا بودن در مصرف و نه کمیت‌گرایی، معتدل بودن و معقول بودن در زندگی، پرهیز از عافیت‌طلبی و رفاه‌پرستی، مهربانی و رحمت با طبیعت و داشته‌ها، تدبیر داشتن در زندگی و تأکید بر حیات طویه بر مبنای تفسیر اهل بیت از حیات طویه به زندگی آمیخته با قناعت که توضیح هر کدام مجالی دیگر می‌طلبند.

نازنینا! نَفْسِی، اسب تجلّی، زین کن
که زمین، گوش به زنگ است و زمان، چشم به راه
زکریا اخلاقی



زهیر دهقانی آرانی^۱

بررسی فیلم آخرالزمانی کتاب ایلائی The book of Eli

تصویر منجی در سینمای غرب

اشاره: هالیوود به عنوان مرکز تولیدی سینمای غرب، در سالیان

اخیر فیلمهای زیادی را با درون‌مایه آخرالزمانی تولید کرده است. آمارهای متعدد نشان می‌دهد ژانر فیلمهای آخرالزمانی و پسا آخرالزمانی از مقبولیت بسیار بالایی در میان مردم برخوردار است و به تبع آن فیلم‌سازان هالیوود به

سمت تولید هرچه بیشتر این فیلم‌ها رفته‌اند. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ بیش از ۴۰ فیلم پربازدید آخرالزمانی تولید شده و یا در سالیان اخیر داستان حداقل ۱۰ سریال تلویزیونی تولیدی هالیوود آخرالزمانی بوده است. فارغ از بحث‌های سینمایی، شیوه نگرش این فیلم‌ها به نجات و منجی قابل تأمل و

توجه است. چگونگی نجات، ویژگی‌های منجی، خصوصیات انسان‌های نجات یافته، شیوه طرح عقاید مذهبی و غیره، از جمله مواردی است که با تأمل در آنها می‌توان نگاه و رویکرد غرب در مورد نجات در آخرالزمان را دریافت. در این سلسله مقالات بر آنیم به بررسی منجی در سینمای معاصر غرب بپردازیم.

درباره فیلم کتاب ایلائی

(The book of Eli)

گرچه در بسیاری فیلمهای آخرالزمانی سینمای غرب همت اصلی بر وجهه سرگرمی و سودآوری بوده، ولی نمی‌توان از این مطلب چشم‌پوشی کرد که نگاه و فکر نویسنده و فیلم‌ساز قطعا در نمایش آخرالزمان و احیانا منجی آخرالزمانی دخیل است.

از جمله فیلم‌های آخرالزمانی این سال‌ها - که تعدادشان کم هم نیست - یکی از فیلم‌هایی که با نگاهی دینی به منجی پرداخته فیلم معروف کتاب ایلائی (The book of Eli) هست. این فیلم که ساخته ۲۰۱۰ و توسط برادران هیوز ساخته شده به تهیه کنندگی جوئل سیلور است که فیلمهای آخرالزمانی دیگری همچون سه گانه ماتریکس و یا تئوری توطئه را در کارنامه خود دارد.

این فیلم که از فیلمهای پساآخرالزمانی محسوب می‌شود زمانی را به تصویر می‌کشد که به واسطه واقعه‌ای عظیم که در فیلم مشخص می‌شود جنگی جهانی بوده زمین و لایه ازون نابود می‌شود و به جز عده کمی در زمین باقی نمی‌مانند. داستان در مورد مردی به نام ایلائی است که نقش او را دنزل واشنگتن بر عهده دارد که از شرق به سمت غرب عالم در حرکت است و طبق آنچه در فیلم بیان می‌شود با خود کتابی دارد و مأموریت دارد که آن را به غرب عالم برساند.

در میانه راه، به شهری که فساد و تباهی در آن موج می‌زند وارد می‌شود که در آنجا فردی به نام

کارنگی با بازی گری اولدن حکمرانی می‌کند و اتفاقا او هم به دنبال کتاب خاصی می‌گردد و در این میان متوجه می‌شود احتمالاً همان کتابی است که در دست ایلائی است و تلاش دارد به هر صورتی آن را به دست بیاورد. در انتهای فیلم می‌فهمیم این کتاب، کتاب مقدس مسیحیان (عهد جدید و قدیم) بوده است.

دیالوگ بسیار مهم فیلم تقابل ایلائی و کارنگی است که وقتی ایلائی از کارنگی علت تلاش برای تصاحب کتاب را می‌پرسد او علت این مطلب را این طور بیان می‌کند که من به این کتاب برای تسلط بر مردم (و نه هدایت آنها) نیاز دارم. در انتهای فیلم هم اگر چه کارنگی به کتاب دسترسی می‌یابد، می‌فهمد زبان آن بریل است و نمی‌تواند از آن استفاده کند حال آنکه ایلائی که خود را به سرزمین موعود که مطابق معمول فیلم‌های این‌چنینی آمریکایی جایی در آمریکاست، می‌رساند کتاب مقدس را که از دست داده بود درون خود حفظ نموده، در اختیار صالحان زمین قرار می‌دهد تا آنها آن را منتشر و پخش کنند.

این فیلم از این لحاظ که به خلاف فیلم‌های دیگر آخرالزمانی و پساآخرالزمانی به موضوع مذهب و کارکردهای آن در ساخت جامعه آرمانی می‌پردازد، قابل تأمل و مثبت است ولی نکاتی در فیلم هست که باید با دقت بیشتری به آنها نگریست:

اول آن که ویژگی‌هایی که در فیلم در ایلائی می‌بینیم شباهت بسیاری به ویژگی‌های منجی

کتاب مقدس دارد همچون داشتن کتاب مقدس، محافظت غیبی، رویت‌تنی و نصیحت‌گری. از طرف دیگر ویژگی‌های منفی کارنگی هم مشابه خصوصیات ضد مسیح در کتاب مقدس مسیحیان است.

نکته دوم اینکه همان گونه که گفتیم گروه صالحان و آرمان‌شهر را جایی در غرب و آمریکا معرفی می‌کند.

نکته سوم که شاید مهم‌ترین نکته باشد نگاه نجات بخشی به کتاب مقدس مسیحیان (و نه دیگر کتاب‌های ادیان دیگر) است چرا که ما در انتهای فیلم می‌بینیم پس از انتشار کتاب مقدس، این کتاب به قفسه کتابها منتقل می‌شود و در میان تورات و قرآن قرار داده می‌شود که اولاً جای‌گیری این کتاب همانند رکوردهای مسابقه هست که کتاب مسیحیان را در جایگاه اول قرار می‌دهد و ثانیاً به ذهن مخاطب این طور القا می‌شود که کتب دیگر نتوانسته‌اند کار تمامی انجام دهند و با آمدن کتاب مقدس مسیحیان نجات صورت می‌گیرد.

شما که با معارف مهدوی و نقش و جایگاه قرآن در زندگی پیش و پس از ظهور آشنایی، خود بخوانید مفصلی از این مجمل...!

در شماره های بعد به یکی دیگر از تولیدات آخرالزمانی اخیر سینمای هالیوود می‌پردازیم و شیوه نگاه آن فیلم به نجات و منجی را بررسی می‌نماییم.

۱. دانش پژوه مرکز تخصصی مهدویت.



«با یاران امان»، پل ارتباطی ما با دوستان صمیمی مجله است؛ پلی که یک طرف آن، نامه‌های پر مهر شما همراه با پیشنهادها و انتقادهای راهگشا و مطالب خوب و زیبای شماست و سوی دیگر، پاسخ‌ها و قدردانی‌های در حد توان و بضاعت ماست.

* امان یعنی...

معصومه سعادت، بجنورد: آشنا کردن جوانان و خانواده‌ها با حضرت مهدی عج و شناخت امام عصر خود.

اکرم چراغی، کرمانشاه: یک راه برای درد دل کردن با معشوق یعنی یک فرصت برای شناخت آقا.

مهدیه خواجه‌باشی، بیرجند: امان متشکل از چهار حرف «الف»: احیای، «میم»: مهدویت، «الف»: آشنایی با و «نون»: نور هدایت است. امان یعنی احیای مهدویت و آشنایی با نور هدایت.

بیژن صفارزاده، تهران: مجله‌ای که انسان را با امام زمان عج پیوند می‌دهد. یادش را زنده و راهش را نشان می‌دهد و عشقش را شعله‌ور می‌سازند.

محمدرضا لطفی فروشانی، اهواز: حصارى در برابر کلیه ناامنی‌ها و قلعه‌ای جهت امنیت و آسایش.

حسن خبری، نظرآباد: امان یعنی همسفر جاده انتظار.

زهره صفری، گناباد: مهتابی که می‌درخشد تا ما در جاده‌های نور قدم بگذاریم و راه را گم نکنیم و در مسیر نور و روشنی حرکت کنیم.

* پیشنهادها و انتقادها...

طاهره معینیان، کرمانشاه: از کارشناسانی استفاده کنید که بنام باشند و بتوانند بین ما جوان‌ها تلنگر اساسی ایجاد کنند.

ابوالفضل خاکساران، قزوین: در خصوص شیوه‌های ارتباط معنوی بیشتر با حضرت ولی عصر عج مطالب بیشتری بنویسید.

سمیه خنجری ساداتی، قزوین: مفاهیمی مثل انتظار در قالب داستان قابل فهم‌تر خواهد بود. افراد فعال در زمینه مهدویت در سطح جهان و نه فقط سطح ایران را معرفی کنید. فرازهایی از دعا‌های مرتبط با امام زمان عج را انتخاب و آنها را به طور پیوسته تشریح و تفسیر نمایید.

مهدی بازیار، کازرون: علم و فناوری را در مجله خوب امان بگنجانید زیرا یک منتظر خوب باید دو بال کامل داشته باشد: علم و ایمان. اگر یکی ضعیف باشد توان پرواز ندارد.

عاطفه زارعی طاهر، قم: اگر قسمتی را به جوانان اختصاص می‌دادید و با عنوان جوانانه به چاپ می‌رساندید خیلی خوب می‌شد. قسمتی را با عنوان با هم بخندیم نه به هم بخندیم قرار دهید که در آن حکایات پهلول، عبید زاکانی و امثال و حکم استفاده شود.

احمد رحمتی، سمنان:

هم‌نفس، هم‌دل من! بغض چرا، گریه چرا؟
صبر کن، هم‌نفس یک‌دله، برمی‌گردد
محمدرضا سنگری



باشم و در لحظات سختی کمکشان کنم و قول می‌دهم که چشمان مهدی فاطمه را گریان نکنم.

زهره شرکتی:
... که حجابم را همیشه و همه جا رعایت کنم.

فاطمه توحیدی:
... تا هر وقت که خدا به من جان داده، تا آخرین قطره خون و آخرین لحظه جانم، پیرو نائب آقا، سید علی خامنه‌ای رهبر عزیزتر از جانم باشم و ایشان را حمایت کنم.

زهره اسماعیلی:
... که در تربیت نفسم بکوشم و آن را به سوی کمالات سوق دهم و برای ظهورت بیش از پیش دعا کنم.

زهره غایی:
... که هیچ‌وقت دروغ نگویم و خودخواه و مغرور نباشم و همیشه برای ظهورتان دعا کنم.

آنچه خواندید گزیده‌ای از قول‌های شما خوانندگان عزیز امان بود. شما هم دست بکار شوید و قولی به آقا امام زمان عج دهید تا قلب حضرت را با قولمان شادمان کنیم؛ البته قولی که هم قابل عمل کردن باشد و هم تلنگری برای دیگران باشد. آنچه مهم است این که زیر قول‌مان نزنیم و الا...

نامه‌های شما را خواندیم...

(اسامی به تفکیک استان / شهر می‌باشد)

استان آذربایجان شرقی:

تبریز: سگینه بابایی/ ساخسلو (دولنامه) / نقد: م. پ.

استان آذربایجان غربی:

ارومیه: بدون نام (دولنامه) / خوی: مریم قربانعلی زاده، فاطمه عاجل.

استان اردبیل:

اردبیل: بهروز مرادیپور.

استان اصفهان:

اصفهان: پرویز امیدی (دولنامه) / یابرد: حسین علائی /

لنجان: پری‌سادات هاشمی مقدم، محمد و صدیقه و طاهره سلطانیان، عصمت صالحی / نائین: سیدمحمد موسویان، محمدی.

اکرم‌السادات موسویان / نجف‌آباد: مصطفی جوشیری.

استان البرز:

کرج: کبری مرآت‌ی (دولنامه) / اکرم حسین آبادی، فاطمه امین‌رود.

زهره آشتی‌نژاد، احمد اسدی.

استان بوشهر:

استان تهران:

تهران: سیمین افشار، سعیده حبیبی‌صل (دولنامه) / زینب افشاری.

سیمه‌سادات حسینی، محمدمهدی مطهریان / شهرری: فاطمه

زمانی (دولنامه).

استان خراسان جنوبی:

بیرجند: علیرضا خوشحال (دولنامه) / طبه صفری (دولنامه) / قائم:

استان خراسان شمالی:

طاهره خضری (دولنامه) / زینب زارعی‌نژاد (دولنامه).

استان کرمان:

کاشمر: زهرا صادقی‌پور (دولنامه) / کتایب: زهرا صفری (دولنامه)

/ مشهد: احمد نخعی (دولنامه) / صالحه و صابره پارچه‌باف.

استان گلستان:

گلستان: شیرعلی آردن.

استان قزوین:

قزوین: قریه بهرامی.

استان قم:

قم: محدثه جعفری سوزانی، لیلا جعفری، اعظم نیک‌نامی، مجتبی

مهدی خاتلو (دولنامه) / محمدحسین مهدی‌خاتلو (دولنامه) / علیرضا

مهدی خاتلو (دولنامه) / محمدتقی رجیمی کاشانی (دولنامه) / وحیده

نوری (دولنامه) / صدیقه موسویان (دولنامه).

استان کردستان:

رفسنجان: طبه عابدینی کمال آبادی / شهریار: سرور فخیلپور.

معصومه قاسمیجان / کرمان: طاهره پورشیرعلی (دولنامه) / حسین

عابدی (دولنامه) / علی حبیبی، بی‌بی‌ترگس قطایی، عصمت

یحیی‌زاده.

کوهستان: مهدی ابراهیمی کوهستانی، زهرا قطبی‌روندی / ماهان:

معصومه ترک‌آزاده‌ماهانی.

استان کردستان:

ببجار: صفری عبدالله‌پور، سیده‌نسرین هاشمیان، فاطمه عبدالله‌پور.

استان کرمانشاه:

کرمانشاه: کشور چهارنولی، مهین و مرگان شکری، ژاله

کله‌پایی (دولنامه) / فاطمه کله‌پایی، فرشته پرتوی، جواد قربانی، لیلا

همتیان (دولنامه) / مهوش شمیری، سمیه خسروی، سهیلا یزدانی.

فریده فتوحی، دنیا جعفری‌دهکبودی، مینو رضائی‌فرد، مریم و

فرشته قبیضی، پرینسا رشیدی (دولنامه) / زهره پدی، سیمین دولتی.

طلیبه، فاطمه و زهرا یزدانی مهر، میلاد و سمیه حیدری.

گیلانغرب: میثم حیدری‌فر (دولنامه).

استان همدان:

اسفند: سیدفاطمه نوری، سیدرضا منصوری.

استان گلستان:

کرگان: سیدعلی میرپهچمانی.

استان گیلان:

رشت: ابوالقاسم حامی‌سراوانی / لنگرود: زینب حبیبی (دولنامه).

استان مازندران:

ساری: زینت محمودی‌افراکی، حسن اسفندیار، محمد

شیرزاد (دولنامه) / فریدون‌کنار: سیدجعفر شاه‌نوری (دولنامه) / فاطمه

سلطانی.

استان مازندران:

چورقان: پیام زمانی / کبودآهنگ: زهرا و طبه صدیق‌اکمل.

اکرم، مرتضی، میثم و مرضیه بهرامی / مهاباد: ترگس پوررجبلی.

استان یزد:

یزد: نصیر نخعی سرو.

طراح: محمدجواد کمار

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	*												۹	*
۲														
۳			۱			*		۱۲		۱۶		*		
۴					۳									
۵						*								
۶	۱۱			*								*	۲	
۷								۱۸					*	
۸			۴						۱۵		*			
۹										۱۷				
۱۰					۱۳				۵				۸	
۱۱	*													
۱۲		*				*			۱۰					*
۱۳				*					۷					
۱۴			۶											

* اسامی برندگان با یک شماره تأخیر اعلام می‌شود. * تعداد برندگان ۶ نفر (۳ نفر برندهٔ جدول، ۳ نفر برنده مسابقه تستی)

* رمز جدول این شماره: نام کتابی است که توسط جمعی از نویسندگان نوشته شده: آن را بر ایمان بفرستید. * مهلت ارسال

پاسخ مسابقهٔ تستی و رمز جدول این شماره: ۲۰ فروردین ۱۳۹۳

* رمز جدول امان ۴۳ کتاب «امامت و مهدویت» اثر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی بود.

اسامی برندگان امان ۴۳.....

برندگان جدول: فاطمه زمانی، شهرری / ساتاز ریگی، زاهدان / زهرا دادخواه، نجف‌آباد.

برندگان مسابقه تستی: مینا پیروزمش، زاهدان / علیرضا خوشحال، بیرجند / سیدابراهیم حسینی، قم.

رمز جدول امان ۴۴ کتاب «تاریخ الغیبة الکبری» اثر آیت الله سید محمد صدر می‌باشد.

اسامی برندگان امان ۴۴.....

برندگان جدول: زهرا آتش‌فراز، کرج / طیبه یزدانی‌مهر، کرمانشاه / بهاره آسمانی، شیراز.

برندگان مسابقه تستی: سمیه‌سادات حسینی، تهران / معصومه ترکزاده ماهانی، ماهان / زهره یدی، کرمانشاه.

مسابقه تستی امان ۴۶

۱. آیه شریفه «...هو يتولى الصالحين» اشاره به کدام اصل مدیریتی دارد؟

□ الف. اصل شایسته سالاری □ ب. اصل آزمایش افراد □ ج. اصل تمرین

۲. انتظار موعود از چه طریقی به انقلاب اسلامی متصل می‌شود؟

□ الف. مفهوم حقیقی انتظار □ ب. مشروعیت حکومت □ ج. گزینه الف و ب

۳. الگوی نظری و عملی در دکترین انقلاب اسلامی چیست؟

□ الف. قرآن □ ب. عترت □ ج. قرآن و عترت

۴. استراتژی دوم انقلاب اسلامی، ... است.

□ الف. تحقق ادب مهدوی □ ب. ارائه الگوی عملی از جامعه آرمانی

□ ج. تبیین گزاره‌های طراز

۵. شرط زمینه ساز بودن انقلاب اسلامی عبارت است از...

□ الف. پوشیدن جامعه علم صحیح □ ب. آراستگی به عمل صالح □ ج. هر دو

۶. کدام گزینه، از موارد آسیب‌های مهدویت در قبل از انقلاب اسلامی است؟

شرح افقی:

۱- پیروزی آن بر رژیم دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی.

۲- طایفه.

۳- عدد سه رقمی. رفیق خورشید.

۴- سستی و نقص در اعضای بدن. رقاب بدون حرف آخر.

۵- میوه‌ای است. کوچکتر از سلول. دوستی.

۶- ...

۷- مناسبت هفدهم ربیع‌الاول.

۸- مادر، بالای سر ماست. شهر مذهبی.

۹- من و تو، خالص. اشک‌ها به عربی.

۱۰- واحدی در وزن، پایین نیست. استوار.

۱۱- زمان بدون انتها.

۱۲- از صفات خداوند، مدح و ستایش. از حروف اضافه.

۱۳- ماه حرام، امپراطوری در قدیم. حرف ندا. شناخته.

۱۴- از القاب امام زمان علیه السلام که در دوران غیبت صغری حضرت

با آن شناخته می‌شدند.

شرح عمودی:

۱- مناسبت نهم ربیع‌الاول.

۲- خروجش از علائم ظهور است. مکان.

۳- آسیب و بلا، سود.

۴- میوه‌ای خوش‌رنگ.

۵- سرسختی. از پرندگان حلال‌گوشت. لباسِ جنگی قدیم.

۶- اهل، خویشاوندان.

۷- پدر، نصفه مقیم.

۸- قلب قرآن.

۹- مدفن مادر گرامی امام عصر علیه السلام. تکرار یک حرف. از

سوره‌های کوچک قرآن.

۱۰- شایستگی، ویتامین انعقاد خون. قسمتی از سوره را گویند.

۱۱- در دل افتادن امری از سوی خدا. زیرکی.

۱۲- جمع منبع.

۱۳- شهر زیتون.

۱۴- دعای حضرت مهدی علیه السلام که سفارش خواندن چهل

صبح در مورد آن وارد شده است، شکوه و جلال.

فرم این صفحه را برای این شماره عوض کردیم، شاید بهتر باشد!

به این کاغذ بسنده نکنید، از کاغذ و پاکت‌های دیگر استفاده کنید... چشم به راهیم...

امان ۴۶

قول می‌دهم آقا... (یک قول به امام زمان علیه السلام بدهید. کمی فکر کنید، قولی ندهید که نتوانید به آن عمل کنید).....

(امان در یک جمله) امان یعنی... ..

کلامی با آقا... ..

دل‌نویسته... ..

پیشنهاد و انتقاد:

تاریخ: / /



نیازی به چسباندن تمبر نیست.

قم، صندوق پستی: ۳۹۷۵ - ۳۷۱۸۵

تلفکس: ۳۷۸۳۲۵۰۰ - ۰۲۵

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۹۲ - ۳۷۱۸۴ پرداخت شده است و نیازی به چسباندن تمبر نیست.
لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بپردازید.

محل نوشتن نام کتاب به همراه نام مؤلف آن

پاسخنامه مسابقه تستی

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	الف
☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	ب
☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	ج

مشخصات شرکت کننده در مسابقه

نام و نام خانوادگی:	تولد:	تحصیلات:
استان:	شهرستان:	کد پستی (الزامی است):
نشانی دقیق:	کد شهر:	تلفن ثابت:
پست الکترونیک (email):	تلفن همراه:	